















بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فقد حضر في هذا المجلس

العلماء الكرام والفقهاء المحققين

والأفاضل من علماء الدين والعلوم

والأدب والبيان والبيان

والأدب والبيان والبيان

والأدب والبيان والبيان

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

هست سال از خروج وطن بگذشت  
زادگاه الله شرفا سپید و آسود  
معین غرور را برین افروختن خود دود  
و در اینجا آمدند و در کعبه و در حرم  
شریفه حضرت رسالت پیاده شد  
علیه و آله کتابی و آن در بیان فائز  
و عریض از آن جزئیات و مطالب خواص  
کلام ربانی و خاصیت حقه تبارک  
چون طلب رعای میفرماید خبر خوش

قرارنا کردند و راه جمعیت و توبه بترس  
گشتم شب و روز و آن بود تا بوصل  
ان محبوب طایف و مقصود و در طایف آن  
شدم دیدم جزوی چند از تفسیر  
اسلام و اخبار ائمه السلام طالب  
رضای صلوات الله علیه احمد بن محمد بن  
ابراهیم التمیمی رحمة الله علیه که از  
جواهر انوار اسلام خوانده و این کتاب را  
مردی افتاده که مطلقا فارسی نمیداند

وخط میخوانند خوانند چون میبینیم و  
باو بستم و باند که تحفه آن را  
از چنگل آمد و در میان به پرور و او را  
تا از غیرت دست بپا شد گویم و در کتاب  
این است مجاور بودم تا از مظالم  
آن نباشد و در مکتب او اول تا آخر  
از ابتدا تا انتهای او در نظر آوردم و  
که مصنف از فائحه الکتاب تا سوره  
الثانی بتقریب کرده و از این کتاب

نوشته و گذاشته بخاطر اینکه گذشت  
که هر طالب طاعت که هر روز روزه  
هر روزه که جوید و اگر چه چند بار باشد  
حیثی حصول او خود را باید بپذیرد  
خواند از باطن انبیاء صلوات الله  
سلام علیهم و روحانیت اولیا علیهم  
سلام و سلف قدس الله ارواحهم است  
نموده چند اوزار و تزیینات و  
بطریق استادان و اقتداء که عدد  
میزد

معمول کرده اند عدد گرفتیم که بیرون بود  
و صغیر و حاتم و هم عددی را  
ایام معین اخذند بر این عدد  
و اغلب ایام بعد از بیام معینه  
از وی عظیم معلوم کرده اند و در حقیقت  
معمول آن هیچ نماند و شاید در بعضی  
و این مختصر را تحفه العارف نام نهادند  
و بالله التوفیق و غیرت این کتاب را موافق  
استاد و وارده امام رضوان الله تعالی  
عم



وتم تودسه و بروج فلکی آمد و

و الله الشهد والتوفيق

در کتب غیب و غور و صفای احوال

و اظهار معانی و علم کائنات و مثال

ناب و در طلب جاه و منصب عالم

و تحقیق قلوب سالکان و امر و عوام

بابت تمام در کتب این کارها و فتح رزق

و مؤلفات و زاینده و دفع فقر و درویشی

فنا و در دفع امراض و بیماری که در

مناجرات عاجز شده باشد

در دفع محرومیت و ام القیام و وضع

و دفع بستگی و دفع مشتمل

در دفع دشمنان و محسوسان و محسوسات

و مقهور شدن ایشان

بیان فرض و رغبت و بکار آمدن فرض

حفظ بدین و امین بودن

برام خوردن و شش و شصت و یک

شهر و مناطق و اوقات

خوار و معادن و خاص کرده اینده <sup>میان</sup> غا

و کجایان <sup>در شرح</sup> و شرح

و ارواح و قدر قوی و نام کرده اینده <sup>انها</sup>

ایست باین <sup>در بحث</sup> و است میان

طالب و ملا و از طایف و مادم و

مخدوم <sup>در بیان</sup> و راه

منفرقه <sup>در بحث</sup> و مقصود و حاجت

دارد <sup>در بحث</sup> و مقصود و مقصود

و صفای <sup>در بحث</sup> و صفای

در

اندک چون کسی و امید که بر این علم  
گردد و در وقت نکست و بخت و بخت  
ختم این اثبات با تمام رسالت و حدیث  
این و در وقت نهی و نهی و نهی  
شخصه با داشت درین ایام هر روز  
پیش از عصر صادق تا بعد از ظهر  
با صد و ده الی و نهی و نهی و نهی  
و ختم با تمام نهی و نهی و نهی  
از مکاتبات و نهی و نهی و نهی

و اگر میت نکرده عدد و سیطره او بیست و یک

هفتصد و نود و چهار و بیست و شش

چنانچه و خود در روز از علم او بیست و یک

علم با الشماره الحیره کرده و در طلوع و

عزالت و صبر و سکوت لازم این او را

و اگر این دانه را در بعد از غایت هر روز

چهارده بار بخواند تا چهل روز بگذشت

مقدمات و کمینا دهند و در وقت طلوع

و ظهر و غایت و غروب بر او بخواند

و از همه حساب و معقولات و ثبوت و نفی  
بر شما برانسان و خیر انعام غیبی  
مشکلات کلی بنویسد برود و بفرمان  
بماند و عفو آن و شود آب دنیا  
و در شایسته کند و جلد و زهر بود  
قدری از آن بماند و شربت جاف  
بماند و بعد از آنکه عدد و غیره  
در بیان بران طعام یا شربت خوانند  
حرف از بین بماند و شد شربت جاف

و بخیر و حمد و ثناءات الهی

که در دایره استخوان جمیع افعال

غیب و مظاهر گردد و در امور مشکاک

اولا منوی کند بعد تمام تمام هر

بخواند و بدین و خواص این آیات ده

ایضا خواند و در امثال این تفسیر بین

مداخستار امثال آیات تفسیر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

قلنا يا ابا عبد الله ما الحق في هذا  
 بيننا وبينك قال لا اقول شيئا الا ما  
 قال محمد بن ابي اسحق قال انما اقول ان  
 الذي في قلبي ان الله كلمني في  
 ذلك في بيتي وما يعلم غيري ان الله  
 الذي في قلبي ان الله كلمني في  
 ذلك في بيتي وما يعلم غيري ان الله  
 الذي في قلبي ان الله كلمني في  
 ذلك في بيتي وما يعلم غيري ان الله



في الامم وتخرج الحج من البيت فخرج  
البيت من الحج وتخرج من البيت فخرج  
حاجب وقوله فخرج البيت  
تعليم الامم وتخرج من البيت فخرج  
والا فخرج من البيت فخرج  
ولا فخرج من البيت فخرج  
ولا فخرج من البيت فخرج  
ولا فخرج من البيت فخرج  
ولا فخرج من البيت فخرج  
ولا فخرج من البيت فخرج

يَتَّبِعِينَ فِي الدُّنْيَا وَكَانَ ثَمَرُهُ كَثُورًا  
كَمَا وَكَانَ لَكُمْ فِي الْحَقِّ فَاتْلُوهُ  
وَإِنِّي أَخْذُ الْحِسَابَ أُولَئِكَ الَّذِينَ  
مِنْ عِبَادِيَ الْمُشْتَكَرِينَ  
فِي عَمَلِهِمْ مَرْضُوقِينَ اللَّهُ تَزَوَّدَ لَكُمْ  
مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَ نَوْنٍ كَثِيرٍ مِنْهَا  
مِصْبَاحُ الْمَصْبُوحِ فِي مَجْدِ الْوَيْلِ  
كَانَ الْوَيْلُ دُرِّيُّ بَقَاءٍ مِنْ بَحْرٍ  
مُبَارَكٍ فِي بَيْتِ الْأَشْرَافِ وَالْأَعْلَى

يَكُونُ فِيهَا نَجْوَىٰ ذُو الْقُرْبَىٰ  
 لِمَا وَرَّثَ عَلَيْهِمْ يُخَوِّفُونَ فِيهَا  
 الْمُنَافِقِينَ يُخَوِّفُونَ فِيهَا  
 الْمُنَافِقِينَ يُخَوِّفُونَ فِيهَا

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١٠١	١٠٢	١٠٣	١٠٤	١٠٥	١٠٦	١٠٧	١٠٨	١٠٩	١١٠	١١١	١١٢	١١٣	١١٤	١١٥	١١٦	١١٧	١١٨	١١٩	١٢٠	١٢١	١٢٢	١٢٣	١٢٤	١٢٥	١٢٦	١٢٧	١٢٨	١٢٩	١٣٠	١٣١	١٣٢	١٣٣	١٣٤	١٣٥	١٣٦	١٣٧	١٣٨	١٣٩	١٤٠	١٤١	١٤٢	١٤٣	١٤٤	١٤٥	١٤٦	١٤٧	١٤٨	١٤٩	١٥٠	١٥١	١٥٢	١٥٣	١٥٤	١٥٥	١٥٦	١٥٧	١٥٨	١٥٩	١٦٠	١٦١	١٦٢	١٦٣	١٦٤	١٦٥	١٦٦	١٦٧	١٦٨	١٦٩	١٧٠	١٧١	١٧٢	١٧٣	١٧٤	١٧٥	١٧٦	١٧٧	١٧٨	١٧٩	١٨٠	١٨١	١٨٢	١٨٣	١٨٤	١٨٥	١٨٦	١٨٧	١٨٨	١٨٩	١٩٠	١٩١	١٩٢	١٩٣	١٩٤	١٩٥	١٩٦	١٩٧	١٩٨	١٩٩	٢٠٠

همه روزگار را بجا و منصفی

و به قلوب سادگان و اماران

الذات و از غریب و منزلت و محبت

مستول این امور بعد از آنکه خوانند

حد و کبر این اوزاد پناه دهفت هزار

و در بیت و بی تویت است در مدای

نیک و بد ویت روز هر روز چهار صد

مقتضای دهفت بار و در روزی

که حتم با تمام رسد پس بی قصد کند

در نسخه  
دیگر و در  
چهارم و  
نویس

هوذا بشام نارسید از اجابت و حکم  
گردانید و بامداد بامداد کرد تا اوردان محکم  
مندان و اگر چه دیگر بتواند خوانند  
و بیست و یک مجلس هشتصد و هشتاد  
هشتصد و یک بخوانند و عند و عند و عند  
و عند و عند و عند و عند و عند و عند  
خاتم نماید چنانچه بگوید خوانند و خاتم نماید  
و در این مقام توبه و معصیت عالی رسد  
خواهر این ایام است یکی است که گویند

از عمار عزولی سخن با کسی در از سلسله  
مستوفی نیست و معلوم است که سلطان محمد  
سفر کرده اند و در نظر عوام الناس  
نمایند بقراءت این ابیات و در است  
مژد و مخالف بعضی اهل بیت محمد بن محمد  
گردد که مرا نمی توان دید و در بعضی  
نمادی که در میان عمار عزولی گفته و  
محمد بن سلیمان را بدید و در بعضی  
بجای آنکه در بعضی نهادیم این ابیات

دست فرمودی فرستادیم بدان دوست  
قیام کردی شب بیدار و غایب بودی حدیث  
دید و ندید و حشر کردی و بجای رسایند  
و چند نصیب دیگر بنام و نند ایشان  
بطفیل از غایت یافتند چه و کی و چرا  
که در ظاهر باطن عزیز و مکرم گود و  
مقبول القول باشد بقراءت این باب  
کریم و فالوسته نماید ملوک و اشراف و  
آدابیان و راجد طبع و غیره و غیره

اند گود و اگر در غایت عزت و جاهت  
اختیار اند و در حیوانی نماید و خوش  
و طیب و در زبانت منشاء او گردد و او  
مخلوقات هیچ یک سر از چهاران شایع  
و خواص الزیارات بسیار است و این احکام  
و احوال و آثار و عبادت و قیام و نماز و زیارت  
بکبر اینست بسم الله الرحمن الرحیم  
فما جده الكتاب قال اخرجه من قاری فان رآه  
فلا یلهی الا بما علی فی الاکثر طبیعه



فَالْيَوْمَ أَجْمَعُنَا مِنْ قِبَلِكُمْ لَكُمْ  
بَيْنَكَ الْإِيمَاءُ وَتَحْنُ لَكُمْ بِحَدِّكَ  
وَتَقْدِيرُكَ قَالَ لِي أَعْمَ مَا أَتَقُولُ  
وَمَا أَتَقُولُ أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ  
عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ لِي أَتَقُولُ  
هَذَا وَأَنْ كُنْتُ لِي أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ  
لِي أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ  
الْعَالِمُ الْحَكِيمُ وَمَنْ لِي أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ  
لِي أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ مَا أَتَقُولُ

إِنَّ رَأْيَ حَكَمٍ عَلَيْهِمْ لَمَّا كُنُوا  
فِي أَصْحَابِهِمْ عَنِ الظَّالِمِينَ مَا يَسْتَمِعُونَ  
عَلَيْهِمْ لِلَّذِينَ يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ فَأَن  
تَوَلَّوْا مَّا حَيْثُ أَنتَ الْإِلَهِ الْمَنَّانُ  
عَلَيْهِمْ وَأَوْفَىٰ بِرُءُوسِهِمْ الْقِيَامَ  
وَقَالَ الظَّالِمِينَ هَٰؤُلَاءِ أَعْدَاؤُنَا  
فَلَنَنكِحَنَّ أَهْلَهُمْ فَغُلَّوْا  
أَمِينٌ قَالَ لِيُؤْمِنُوا عَلَىٰ مَا فِي الْأَرْضِ  
إِن تَحْصِيظَ عَلَيْهِمْ وَمَا يَسْتَلِونَ

فِي الْأَرْضِ نَسْتَوْفِيهَا حَتَّى نَسْأَلَكَ  
بِرَحْمَتِكَ أَسْأَلُكَ وَلَا تَفْخَرْ بِالْجَنَّةِ  
وَأَنْتَ فِي الْكُتُبِ الْأُولَى ثُمَّ لَا تَكُنْ  
صِدْقًا يَنْدَبُ وَتَقْطَعُ مَا أَقْبَلُكَ  
أَلَا أَتَى الدِّينَ أَفْعَلَهُ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَهُ  
الْقِسْمَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِنْ حُلَا  
تَمُوجِ تَبْرِيزٍ وَبِرْزِهِمْ وَلَيْسَ أَيْلَ  
وَمِنْ مَدِينَةٍ وَاجْتَبَيْتَ الْإِسْلَامَ عَلَيْهِمْ  
أَلَا لَكَ الْخَيْرُ بِخَيْرٍ وَاجْتَدِ الْوَلَكِ

۵۷۱۳	۵۷۱۴	۵۷۱۵	۵۷۱۶
۵۷۱۷	۵۷۱۸	۵۷۱۹	۵۷۲۰
۵۷۲۱	۵۷۲۲	۵۷۲۳	۵۷۲۴
۵۷۲۵	۵۷۲۶	۵۷۲۷	۵۷۲۸

این کتاب در کتابش کارها و ادب و ادب

فوق العاد و توانگری و ادب و ادب و ادب

و این کتاب در کتابش کارها و ادب و ادب

کتاب این و ادب و ادب و ادب و ادب

یکصد و بیست روز عدد یک بر او که

بخواه و هفت هزار و یکصد و بیست و

یک عدد است با تمام رسد هر روز یک

صد و چهل و دو نویست بخواند ابواب

فتوحات روی روی کشاده شود و بیستم

هزار و نوبصد و پنجاه و یکم محتاج نشود و

عدد وسط او بیست و پنج است صد و

پنجاه و یک است و اگر این روش را بشود بعد از

و نه روز و هر روز شصت و یک مرتبه بخواند

ماہنامہ "موسمِ جوانی" لاہور

حسنه و جماله و من الله عليه

کرامت و عظمیٰ مقام و توفیق و عز و جلال

وہ خیر و برکت بران ملک بکشاویں

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه تهران

جنگل و جنگلی گیاهان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ختم این آیات برگاه مرده بودید  
و با خود داد در آن دولت مقیم بود و در  
سعادت او برآمده شود و در کبر و بزرگی  
نزدید و نافع و طاق گردد و خواص این آیات  
و نایده ازین بود باین کفایت شد آیات  
ایست **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** فَاِنَّهُ الَّذِي  
فَا اَخْرَجَهُ وَاِذَا تَوَلَّى فَوَيْتَهُمْ **اللَّهُمَّ**  
**رَبَّنَا اَوَّلُ عَلَمٍ مَّا نَدُّ مِنْ السَّمَاوَاتِ**  
**كُنَّا عِبَادَ لَكَ اَوَّلًا وَاٰخِرًا قَابِلَةً**

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَخِفُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ

عَلَيْكُمْ كَرِهُوا فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْمُتَخِفُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْمُتَخِفُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ

كُلُّ شَيْءٍ مَوْزُونٌ وَفِي الْآخِرَةِ

وَقَدْ كُنْتُمْ لَكُمْ آيَاتٌ وَلَكُمْ مِنْكُمْ

الْأَعْيُنُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنُونَ

مَعْلُومٌ الْيَوْمَ الَّذِي أَرَادَ عَلَى عِبْدِهِ

الَّذِينَ بَدَلُوا مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ



أَسْأَلُكُمْ بِهِ فَيُؤَدِّعُهُ وَيَكْسِرُ الْوُثْقَينَ  
الَّذِينَ بَعَثَ فِي الْأَرْحَامِ أَنْ تَكُونَ أَحْسَنَ  
حَسَنًا مَالِكًا وَمُزِينًا وَأَعِزًّا آمِينَ  
فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَكَّرَ قُلُوبَ مَنْ يَتَّقِيهِ وَيُحِبُّهُ  
فَسَيَعْلَمُونَ مِنْ أَحْسَابِ الْفِرَادِ الْمُبَكِّينَ  
وَيَبْرَأُ عَنِّي أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ  
السَّمَاءِ الْوَسْطَىٰ مَعْقُودًا الْأَرْضَ مَعْدَنَةً إِنَّ  
اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَأَنْ يَبْرَأَ اللَّهُ بِتَحْمَلِ  
لَهُ خَيْرٌ مِمَّا يَدْرِكُونَ مِنْ تَحْتِ لَا يَجْلِبُ

ومن ثم جعل على الله هو حبه  
بالق أمين قد جعل الله لكل شئ  
قدرة لا ينفذ من غير من ينفذ  
ومن ثم جعل على الله هو حبه  
أبدا لا يكف الله عما  
ما أتى به سبحانه الله بعد خبر  
كل ذلك إلا أراد أن يرفع من قدامك  
ما عجزت عن أن ترفع من قدامك  
من قدامك من قدامك

[illegible]

در دفع امراض و بیماریات  
و در علاج احوال عاخره باشد تا شفا را کی  
کسی را مرضی باشد چون لقوه و قواح عظم  
و صبر و غلظت و آبانه چنانچه در حیل المیزان  
اینها وارد کرد و زنده شود و متذکر گردد

بیست روز بعد یک روز خاند و عدد کبر

چهارم از صد و هشتاد و یک است

و درین اقام هر روز صد و بیست و یک

بار بخواند و در روز جمعه سیصد و بیست و یک

بار بخواند و اگر بار عدد بخواند که تمام

نمایند بعد از سیصد و یک مجلس نشسته

و بنویسد بخواند انا امراضم بر من

باشد و اگر نتواند بعد از سیصد و بیست و یک

هشتاد و یک بخواند و بخورد یکبار بر روز

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

وردت بعد نظامه ورجع بارجح

وتنويدها خود او ونيك وندم

وكانه ما عاك در افراط و افراط

بجانب دفع مرض و بيماري و بيماري

بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

و بپاريد و بپاريد و بپاريد و بپاريد

عرض کرد و بر آن سوره الله از پیاپی تکلیف  
عمیکم اما التماس کرد بر باری میخوانم که  
از آن شکایت دهید کم حضرت در روز کربلا  
این شش ابرو که در دوزخ است چون  
از خواب بیدار است و قرآن است که در  
شش در جمع کند و در شش است  
یافت اما که در کربلا اگر در میان فرخ  
و شش نماز باشد بخواند در هر روز  
در روزی اجابت گردد و ایام کربلا است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَمَّا بَعْدُ  
فَعَسَىٰ وَأَكْبَرُ وَحَسْبُ مَوْلَانَا قَا  
شِعْبُ الْجَاهِلِيَّةِ إِنَّمَا أَكْرَأُكُمْ  
إِلَّا سَمِيًّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدِيرٌ  
وَيَتَصَرَّفُ كَمَا يَشَاءُ وَبَشَرٌ مُّذَوَّبٌ  
فَوْقَ مُؤَمِّدِينَ وَكَذِيبٌ إِنَّمَا أَنَا فِي  
مَذَآئِنِكُمْ مُؤَدِّ طَائِفَتِكُمْ وَبِئْسَ  
مَا فِي الصَّلَاةِ وَبِئْسَ مَا فِي الْقِيَامَةِ  
يُخْرِجُ مِنْ بَطْنِهَا قُلُوبًا مُّخْلِطًا أَلْوَانَهُ

بِهِ رِشَاءَ الْيَاسِرِ إِنَّكَ ذَلِكِ الْأَمْرُ  
 لَقَوْلٌ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِيهِ وَالَّذِينَ  
 نَسُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُمُ اللَّهُ رِشَاءً  
 ذُلًّا وَيَبْعَثْ فِي الْأُمَمِ الْأَكْثَرِ  
 الْأَكْثَرِ الَّذِينَ أَفْسَدُوا فِي الْأَرْضِ  
 وَأَنَّهُمْ لَا يَسِرُونَ  
 وَأَنَّهُمْ لَا يَسِرُونَ  
 وَأَنَّهُمْ لَا يَسِرُونَ  
 وَأَنَّهُمْ لَا يَسِرُونَ  
 وَأَنَّهُمْ لَا يَسِرُونَ



لا تروا في انظارهم وقروا لهم ما هم فيكم

والتا ان ياتوا من حق كايان تروا

١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠

لا تروا في انظارهم وقروا لهم ما هم فيكم

والتا ان ياتوا من حق كايان تروا

والتا ان ياتوا من حق كايان تروا

كرهه

گرفته باشند و هر چند علاج نمودند  
از این مرض بگریزند و نتواند خوانند  
و در تمام نماید و اگر نتواند بخواند  
بر هر خط الحاق است کرد تا ای و  
و بر روی دست نماید و اگر خواند  
شود بر بیدار شود و در تمام  
و اگر کسی از این کوه باشد و در این  
اسب است و باشد و این نوع عمل کند  
و در تمام القصابان را به این عمل خواند

و در این روز کوه را دود کند و بنویسد  
زرد بپزند و شاد در سفران بر سر کرده  
بند و دفع شود و عدد کس این او را د  
هشتاد هزار و سیصد و چهل و نه بار  
دو صد و بیست و نه بار و در این روز  
بسیار و بیست و نه بار و در این روز  
آخر هر روز بیست و نه بار و یک بار  
هفت روز با تمام نارسیدم آثار و حجت شافند  
کنند و یک روز و یک کار نکند و اگر

بسیار

که بر نتواند خواند بجز در وسیطه باشد

مختصا و نه شاد و نه است بار بخواند و آن

این برین است که بعد از تمام شدن بار

یا تمام تمام هر روز چهار وقت بخواند و دفع

هر روز صلاه و سحر و جمیع المرافض که در میان

این اوقات که هر شب باران در احتضار آن

گویند و درین سخن مصلحت بود و آنست

الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا لنکفر

بما فی الدین اذ کنا فی الضلال و ما یزید

وَاتَّقُوا اللَّهَ أَعْلَمَ بِكُمْ تَقْلِيدُونَ وَمَنْ يَخْرُجْ  
مِنْ بَيْتِهِ يَخْرُجْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ  
يُخْرِجُكَ الْمَوْتُ فَتُؤَدَّ بِكَ إِلَى اللَّهِ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا إِنْ تَوَلَّيْتُ  
عَلَى الْحَيَاةِ نَبِيًّا وَرَبِّكُمْ فَاسْمِعُوا بَشِيرًا لَوْ  
أَخَذَ بِنَاصِيئِكُمْ إِنَّا نَبِيٌّ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبَدْنَا لَكُمْ آثَارَ  
بِرِّائِكُمْ وَلَسْتَخْلِفُ فِيكُمْ مِمَّا فَعَلْتُمْ وَلَا  
تَعْمَلُونَ شَيْئًا إِنَّ تَقْلِيدَ كُلِّ شَيْءٍ حَبِيطٌ

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ  
كَانَ زَهُوقًا قَالُوا إِنَّا غَلَبْتُمْ عَلَيْنَا  
شَيْئًا قَوْلًا وَكُنَّا قَوْمٌ ضَالِّينَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا  
مِنْهَا فَإِنْ عَزَدْنَا فِيهَا لَنُضِلَّهُمْ قَالُوا لَمْ يَكُنْ  
فِيهَا قُوَّةٌ لَكُمْ لَوْلَا نَجَّيْتُمْ آلَ آدَمَ تَعِيبًا لِّلثَمَانِ  
إِنْ كُنْتُمْ كَارِهِينَ أَنْ يُعَذِّبَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ لَا يَفْقَهُونَ  
وَأَقْدَفْتُمْ تِلْكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ لَمَّا جَاءَهُمُ  
الَّذِينَ صَدَّقُوا وَتَعَالَى الْكَافِرِينَ أَهْمُ  
مَعْرِبِ الدِّينِ يَكُونُ الشَّيْطَانُ أَلْفًا مِثْقَالًا

يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ  
فَإِنَّ أَحَدَ اللَّهِ لَا يَمُوتُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ  
لَوْ أَقُولُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ  
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ يَتَلَذَّثُ  
الْأَمْسَاقُ بِمَا يَصُورُهَا لِلْإِنْسَانِ وَمَا أَلَمْ يَقُولُوا  
هَذَا اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغُيُوبِ  
الشَّهَادَةُ وَالْإِيمَانُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ  
الْمُؤْمِنُ الْمُحِيمُ الْغَنِيُّ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

سبحان الله الذي لا يقرن له شيء من خلقه

الباري المصور له الاسماء الحسنى

يسبح له ما في السموات والارض وما بين

العرش العظيم برحمته يا ذا الجلال والإكرام

و قد قالوا لا اله الا الله

1900 1800 1700 1600

1800 1700 1600 1500

1700 1600 1500 1400



و در ده روز و ده شب از آن و حدود آن  
و روز زبان و مشهور شدن اعدا و نام  
شدن بر این بنات و جلا و بعد و کیم  
و عدد و کیم و هزار و دویست و پنجاه و  
سده عدد است و قصد و کنیز و بر فضا  
اما اگر بدین عدد بر مگوایند و بگویند  
در مدت پنجاه روز این خیم با تمام رستا  
هر روز چهل و یکبار و در هر روز چهل  
بج بار بگویند و در روز آخر پنجاه بار بگویند



گویند و بقیه در هیچ یاد و فکر و ذکر و یاد  
مرا نگرفتند و آنچه در جوت بنام من بود بدیدند  
و احدی در میان من نکرد مصحف خطای آن  
اما خواستم که در رکعت نماز گذارم و ما  
ایشان منبرم بودم نماز گذاردم و کلام  
میکشادم این که درین آیات صدوح است  
بر آمدن خدا بخوانند که در جمیع خاص  
گشت در اینان ابلق و او و علمای  
سفید و جامه های پیر و هر موضع از زمین

که می آید ایشان رسیدی سبز گشتی  
و آب روان بندی و آسمان و آتش  
نیغها را برهاورد دست و آن چنان  
بکاف بکاف هماره و گرد و آفتاب  
با همه چیز در دست و آتش و آتش  
یا کسی در دست و آتش و آتش  
چنانچه و هر کسی و آتش و آتش  
و غم و آتش و آتش و آتش  
و زبان بدی و غم و آتش و آتش

همه مامورانی که در بارها جبهه دارند  
کلی و کارهای معشکال و دشمنان قوی  
تجربه کردم و در غایت یافتن و اگر  
از نظر شهنشایب شود چون چرخ  
اند و در پیرا گوید و یک باب و در  
اولاد اندکند و میخوانند و اید و  
در مدینه سخن او را نمی بیند و از او دور  
و از برای قیام اندیش و شد و در  
در هر یک و در بجا بنویسند

بشما التاریخ و در خوانند بعد از تمام  
البته آن خصم را بود عهد و اوست که  
و در شروع این روز و خواست که آن را  
مخاص و کند و تمام ختم و دست  
از چهار راه و از چهار قبیل و از  
و در مسجد و در این قدری طاعت و  
و این آیات را گفت با و بران خطا  
بخواند و بچنانسانان لشکر را پس در وقت  
طالع افطار منورم کرد و خواست

ايات قرآنية وجزو بود و در مسئله  
زياده آوردن ممكن نبود بدین قدر احصا  
افتاد ايات اوست بسم الله الرحمن الرحيم  
وله اخذنا ما شاقكم ورفقنا فوقكم الطور  
خذوا ما امنينا وراقبوا وانه معلو فاما  
سبحنا وعتنا وانه معلو فاما  
البحر يكون قل بيئنا يام كرم اهل  
ان كنتم توفرون امن الوصل بما اتول  
اليك من ربك و المومنون كل امن بالله

رَمَلًا لَكُمْ وَكَانَ فِي ذِكْرِهِ لَآئِحَاتٌ

بِزَادِ عَدِيدٍ وَكُلِّ قَوْلٍ لَوَاعِيَةٍ

السلامة العامة

UJL 381022K8

15-00000-15-00000

26301015-11713

091545Z MAR 68

COPIES OF THE REPORT

1911年11月11日



موسى فاقبضنا على القوم الكافرين  
ويستوي من تحت السماوات ولا تفرقنا  
واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء  
فالتفت بين قلوبكم فانساهم بين يديه  
فاحضر من النار فاقبضنا  
كذلك بينكم ايمان ايمانكم  
فلما اذنبتم ان اخذ الله منكم واثاقه  
واعتصم على قلوبكم فزال اليقين منكم  
به انظر كيف تصرف الالباب ثم فسر

إِنَّكُمْ كُنْتُمْ رِجَالًا فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنْ يُنَادِيَهُ  
بِالْعَصْرِ إِنَّ الْأَوَّلَ فَرِيدٌ وَمَا جَعَلَهُ  
إِلَّا لِشَرْحِ لَكُمْ وَلِيُظْهِرَ لَكُمْ قُلُوبَكُمْ وَأَنْتُمْ  
الْقَوْمُ الْأَوَّلُ خَيْرٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ  
وَعَسَى الْأَوَّلُ الَّذِي الْقَوْمُ وَقَدْ جَاءَتْ  
مَنْ يَكْفُلُكُمْ وَفِيكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ الْحَاجَاتِ  
وَهُوَ مُؤْتِي الْفَلَاحِ وَالْأَوَّلُ خَيْرٌ  
فِي قَضَائِهِ وَفِي الْأَرْضِ مَا كَانَ لَهُ  
مِنْ فَوْضٍ يَنْصُرُهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا كَانَ

مِنَ الْمُشْكُورِينَ وَبَعَثْنَا مِنْهُنَّ آيَاتِهِ  
سَيِّدًا وَمِنْهُمْ خَلِيفَةً سَيِّدًا وَكُنَّا لَهُمْ  
فَرَقًا لَا يُشْعِرُونَ سَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ  
وَإِن تَوَلَّوْا فَانقُصْنَا الْأَمْرَ وَإِن تَوَلَّوْا  
أَيُّهُ يَوْمَئِذٍ يَعْلَمُونَ وَإِن مِّن مِّن شَيْءٍ  
كَذَبُوا وَاتَّبَعُوا أَصْوَادُهُمْ وَكُلَّ أَمْرٍ مُّقْتَرٍ  
وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ فَإِن قَالُوا مَا مِثْلُنَا  
بِمَدِينَةِ بَنِي إِسْرَءِيلَ فَانقُصْنَا الْأَمْرَ وَإِن تَوَلَّوْا  
فَإِن مِّن مِّن شَيْءٍ كَذَبُوا وَاتَّبَعُوا أَصْوَادُهُمْ  
وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ فَإِن قَالُوا مَا مِثْلُنَا  
بِمَدِينَةِ بَنِي إِسْرَءِيلَ فَانقُصْنَا الْأَمْرَ وَإِن تَوَلَّوْا  
فَإِن مِّن مِّن شَيْءٍ كَذَبُوا وَاتَّبَعُوا أَصْوَادُهُمْ

أَبَدَ لَكُمْ مِنْكُمْ مِنَ الْأَجْدَادِ كَأَنَّهُ  
عَرَاكَ كَتَبْتُ مِنْكُمْ إِلَى الدَّاعِ يَكُونُ  
الْكُفْرُ ذَاكَ هَذَا أَمَّا عَسَى كَتَبْتُ قِيَامَ  
قَوْلِهِمْ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا لَمْ يَأْتِ  
وَأَنذَرْنَاهُمْ فَكَانُوا كَاذِبِينَ فَتَنَّا  
وَعَدْنَاهُمْ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلْنَا  
الْأَشْيَاءَ عَمَلُوا إِنَّا لَتَفَتَحْنَا أَبْوَابَ الْمَقْدِسِ  
لَكُمْ لَمَّا كَانَتْ فِيكُمْ رُوحُ رُوحِ  
بِكُنَادَةٍ مِنْكُمْ وَرُوحُ حَفَايِدِنَا مِنْكُمْ

این ایات و نظایر آن جهت حصول مصلحت  
و ادای قرض و حفظ اموال و در امداد  
انحال اموال است و باید یکصد و هشتاد  
روز هر روز یکصد و بیست و پنج  
هر چه در آن روز و بیست و پنج روز  
آخر وقت نماز و بیست و پنج روز  
یکصد و بیست و پنج روز و بیست و پنج  
کثیر است و با تمام رسانند و بیست و پنج  
مختار است و با تمام رسانند و بیست و پنج  
مختار

حاصل کرده تا تمام کند تا استقامت  
طراوت یابد و اگر در میان روز عدد و بیست  
کتابت شود و روز دیگر عدد و اسی بخواند  
مناسب شود و این نیز خوب و صحیح است  
کار نکند و اگر چهل و یک بار کند خط  
ورد کند از اوقات کتابت این که در آن  
روز از دنیا بکالایان بیرون رود و آن  
بعد از صبح که در آن است بخواند این  
دقیق بر روی یک شایسته و از مؤمنان احسان

و اگر بدهد و نماند یکی بکار بخواند و باشد  
حاجتش را شود و گناهانش عفو گردد  
و اگر کسی ناکار و بده باشد و قرض بر او  
نگار خود در جهان و در امور دنیا گویا  
و سر دست از دست داده بود هر چه که خوا  
هشود و بی قرض از دستگی و برسانم شود  
از هر چه هر چه که از او انداخته اند  
انچه از قرض و ادای قرض و داده و ناموال  
و به حاجت و دفع مقادیر وی شود و مقادیر  
ری

وَيَرْجُو لِقَاءَ يَوْمِ الدُّرُودِ وَهُوَ حَاضِرٌ أَيْفَسَ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَمَّا الرَّسُولُ فَاِنَّا

اَنْزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ عَلَى مَا اسْت

بَاقُوا مِنْهُ لَا تَكْفُرْ وَكَذَلِكَ وَصَّيْنَاهُ لَّا

يُفْرِقَ بَيْنَ الْمُتَّقِينَ وَكُفَّارٍ وَمُنَافِقِينَ

وَاَعْلَانَا عَقْلَ الْكَافِرِ قِيَامًا وَرَأْيَ الْمُتَّقِينَ

لَا يَكْفُرُ بِهِ قُلُوبُ الْاِيْمَانِ وَهُمْ اَعْلَانَا مَا كُنَّا

فَعَلْنَاهَا مَا كُنَّا نَكْتُمُهَا لَكُمْ لَوْلَا اَنْزَلْنَاهَا

فَعَلْنَاهَا لَوْلَا اَنْزَلْنَاهَا لَوْلَا اَنْزَلْنَاهَا



كَا حَلَّتْ عَلَى الْيَتِيمِ مِرْقَانَا وَتَنَا وَلَا  
عَمَلْنَا أَمَّا لَطَافَةُ تَنَابُهِ وَاعْفُ عَنَّا  
وَاعْفُ لَنَا وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَاصْرُ  
عَلِ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ  
الْأَوَّلُ الْآخِرُ الْغَنِيُّ الْكَافِي  
يَا حَسْبُ عِزِّكَ يَا بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَالْإِنِّجِيلُ مَنْ قَبْلُ عُدَّتْ لِيَالِي وَأَنْتَ  
الْفَرَّانُ إِنَّكَ الْبَدِيُّ الْكَفِيُّ يَا بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ  
عَمَّا لَكَ شَدِيدُكَ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالْغَنِيُّ

يَبْنَا اِنَّمَا سَمِعْنَا مَنَادًا يَدْعُو إِلَى الْاِثْمِ  
اَنْ اَسْوَارَكُمْ فَاَمْسِكُوا ذُنُوبَكُمْ فَاغْبِرُوا  
ذُنُوبَكُمْ وَكَلِمَاتٍ سَيِّئَاتٍ عَصَوْهَا  
مَعَ الْاَزْوَاجِ بَيْنَهُمَا فَاِذَا مَا تَقَدَّسَتْ  
عَلَى رَيْسِكَ وَلَا تَحْزَنْهُمُ الْفِتْنَةُ الْوَلَدُ  
لَا تَحْزَنْهُمُ الْفِتْنَةُ يَا اَهْلَ الْيَمَانِ  
اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا وَاصْبِرُوا وَاصْبِرُوا  
لَعَنَ كُفْرًا كُفْرًا كُفْرًا كُفْرًا  
وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفِتْنَةِ وَالَّذِينَ

الذين كفروا بآياتهم يعذبون قالوا آتينا  
ظلماتنا انفسنا وان كنا نعبر انفسنا  
كنكرونا من الغائرين وهذا القرآن اذ  
ذهب فطامنا فظن ان لن نقدر عليه  
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت  
سبحك انك ابي كنت من الظالمين فاستجنا  
له ونجناه من اثمهم وكفناك يحيى المؤمنين  
بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر  
والفتح ورايت الناس قد خلوا من الله

اَفْوَاجًا فَيَسَّخِرْ لَكَ اسْتِغْفَارًا

اِنَّكَ لَانَظَارًا عَلَيْهِ سَمْعُ ذُرِّيَّتِكَ

خَوْدُونَ وَيُخَسِّنُ الْعِلْمَ وَكَذَلِكَ يُدْعَى

حَمْدُ وَمَعَانِي خِلَافِ شَرَعِ اَكُو خَوَاهِي كِه

خودا باز داری از مرام و محسن و عیبت

و خطا گفتن و در طاعت جز بی حد

در مدح و است و زنده را و در و است

پنجاد با و بخواند که عدد یک است و هر روز

حمد می کند و چون بهشت باز و در

اخر بیصد و بجاه باز بخوانند باشد  
از روز و شب کند و حمد و ثنوی کند  
چون عدد دیگر که بجاه و دو هزار و هشتصد  
بجاه یکبار است درین ایام با تمام و با  
انواع صلوات در اوقات و خود و بوی  
بهند و بطاعت و عبت نماید و اگر کسی  
سخت دل بود و بصفت و روی اش نکند  
و موعظه قبول نکند و قدری از خود  
پیش بجاه خود خندد و عمل عظم بران

تمام کرد و خیر کند و نه ضرر رساند  
یا اینکه صبر و استقامت و یکی از آن  
بخورد و اگر آن برای کسی بخورد و خود  
میرد و دلش رقیق و پدید آید  
و قایم این آیات را تا قیام قبول و طاعت  
مقبول گردد و اگر این آیات را تا آخر  
روز بخواند بنویسد و در خانه کامل  
پنهان کند و راجب نماز کرد و وقت  
در دل او سرگردد و اگر بخورد مذکور

خوانند و نماند بعد و بی ط که این صد و بیست  
پنج نامه است در چهار روز بخواند و اگر  
این را به نیت شود و صد مرتبه بخواند و هر روز  
هر روز و شش مرتبه بخواند و صد و بیست  
بار است و نه کند و هر روز بخواند و اغلب  
نمای که در خدا بی غالی دلش را از ظاهر  
کرد اند و مطیع امر خدا بی غالی کرده از بیک  
فرمان است این را که در او آمده بهتر بخواند  
و در این است که در این است که در این است  
و الله

والتموا لهم ما يحبون وما املوا لغير الله  
في الدنيا والآخرة والموثقة والمثوبة  
والشعبة وما اكل الشئ الا ما اكلتم  
وما اكلتم الا ما اكلتم وما اكلتم  
وما اكلتم الا ما اكلتم وما اكلتم  
وما اكلتم الا ما اكلتم وما اكلتم  
وما اكلتم الا ما اكلتم وما اكلتم  
وما اكلتم الا ما اكلتم وما اكلتم



إِيَّاهُمْ نَادَيْتُهُمْ إِيَّاهُمْ نَادَيْتُهُمْ نَادَيْتُهُمْ  
قَالَ رَبِّ لِي ظِلٌّ فِي الْحَمِيمِ فَأَوْفَى وَأَوْفَى  
لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ أَقْرَبُ الصَّافِ  
وَأَقْرَبُ الْعَرِيفِ وَأَقْرَبُ الْمَكْرُومِ وَأَقْرَبُ  
عَلَى مَا أَصَابَكَ مِنْ ذَلِكَ مِنْ عَرْمَةٍ أَوْ نَذْرٍ  
سَلَامٌ قَوْلًا وَرَبِّتَ رَحِيمٌ لِيَوْمَ تَنْفَخُ  
الرَّحِيمُ وَالْعَادِيَاتُ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتُ  
قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتُ صُدْحًا فَأَمَّا تَبِيعُهَا  
فَوَسَطْنَ بِهِ جَمَاعَةُ الْإِنْسَانِ إِنَّهُمْ

تَكُونُ قَوْلُهُمْ لَكَ بِكَ عِلْمُكَ  
بِالْحَقِّ لَكَ بِكَ أَمَّا عِلْمُكَ بِالْحَقِّ  
مَا فِي الْقُرْآنِ وَخَلْقُ الْإِنْسَانِ  
وَمَا فِي الْقُرْآنِ وَخَلْقُ الْإِنْسَانِ  
الْمُتَّحِمِينَ فَلَمْ يَكُنْ لَكَ أَمَّا الْإِنْسَانُ  
لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْإِنْسَانُ  
لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْإِنْسَانُ  
لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْإِنْسَانُ  
لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْإِنْسَانُ  
لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْإِنْسَانُ

نویسد بر جام سفید روی را طبق جوی  
سفید و آب با آن که در شاخه ها انداخته باشد  
بشوییدی یا شام در روز ان مقام سفید باشد  
و در دولت این را با ان قیام نماید شصت  
شتر بنزد هر روز شصت و شش روز  
و هر روز بعد از آن شصت و شش روز و پنج بار  
و ابتدا از دنیا جدا شده کند تا ختم  
روز جمعه تمام شود و در این بین تمام دنیا  
انکار تمام ان عالم غیب بر او مکتوب گردد

چون از زمین تمام شود و نماند  
و آنکه از خاک و آتش و هوا و آب  
اجزای ارواح و حقایق و بیجانها  
و همین کند و اگر کسی بخواهد  
یا قیام کند یا از دنیا فرستاده  
یا این و در قیام نماید و بگوید  
یا و در روز باز آید و بگوید  
و شیخ ابو علی ویدای در کتاب آثار الاوار  
و عجایب الاثار آورده که اگر کسی طالب

معدن و در بید و جگه انهم بین  
الفری الوی انکما فی افری ظاهری  
وقد زانها التیرید و افری البانی  
وایاماه من و دیوت اصول و  
در چو ست پستان تیر سیاه کبر و جگه  
فر و با ست پستان سعدین در برابر  
در این دو و بقرآءت تمام این ایا و  
گشته در بی با نقری و ان شود البت  
برسد و بر معادن و ان طبع گردد

وانه لم يولد غريبه لهم منذ نزلوا من  
السموات وكنوا وصيرون في السموات  
هرعد دكه حوامد جوان اولاد عتبات  
يسم الله النجوى الخيم ان الله تبارك  
ان نعد والاماناد في هذا الايام  
بين الناس في كبرياى الله  
وما بعدكم ان الله كان سميت اسم  
بريدون ان نبيهم امر الله وما هم وارجون  
منها امهم عذاب فيهم ولوا اولادهم

لَا عُدَّةَ لَنَا وَلَا دُونَنَا وَلَا نَكْرَهَ أَمْرًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ  
وَقَوْلًا لَنَا مَعَهُ الْغَائِبِينَ وَأَمَّا الْجِدَارُ  
فَكَانَ إِعْلَانًا لِلْبَنِينَ فِي الْمَدِينَةِ أَنَّ  
يَحْيَى كُنْزُهُ أَوْ كَانَ الْكَلْبُ صَاحِبًا لِرَأْسِهِ  
وَبَكَتْ أَنْ يَلْعَنَ الشَّيْطَانُ وَبَكَتْ أُمُّهُ  
وَحَمَلَتْ مِنْ دُونَكَ مَعَهَا نَائِبَةً لَهَا وَتَبَنَى  
الَّتِي تَكُنْ فِيهَا مِنْ طَائِفَةِ وَقَدْ نَفِثَ فِيهَا  
الشَّيْطَانُ وَبَكَتْ أُمُّهَا وَبَكَتْ أُمُّهَا  
وَعَزَّازُكُمْ بِمَا هُمْ فِيهِ مُتَوَاتِرُونَ

یاد کنیم و یاد کنیم تا از بیم این عجز و غفلت  
خیاالت که عجز است و استغناء او را با یاد  
تا بر روی زمین شود و بر سر او نهد و دست  
و از او کشاده شود و در این روز  
حق و انصاف و عدل و تقوی و ایمان  
در روزی که می خواند که انصاف است  
بر روی این پدید و استقامت شود و  
سزا باین که یکصد و بیست و نه  
تواند حیوانی خورد و کند همه چیز و این



و صائم باشد و در این بین اقل هر روز  
 سیصد و هشتاد و یک بار بخواند و در آن  
 وقت هر روز چهارصد و نود و دو نوبت  
 بخواند و در هر روز بعد از آن بخواند یا بجز آن  
 خواهد شد آخر فائده بود و آن اینست که  
 بی بخوابد و بعد از آن بین آن و آن  
 اما احوال است که در واقع مردم خوب  
 صورت و خوش قد و سگوفه ظاهر و به  
 و از شادمانی خواهند که در هر یک از آن

و در این بین سیصد و هشتاد و یک بار بخواند

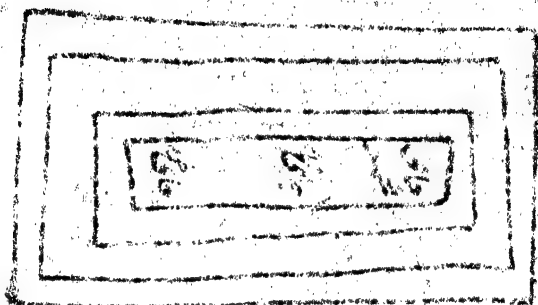
و می چنان بنواید و اگر او را درین عالم  
و عالم دیگر نماند زنی از خواندن و یاد کردن  
و امتحان آن دانند که در او همین دقت  
علامت در پنداری بلند و اگر در این  
سیم بقول ایشان عیان کند و غریب  
گردند و مطیع شوند و دستا حاصل کرده  
و در اجابت ارفاح و تسخیر تنجیم حق  
هیچ کمتر ازین نیست و غنیمت و فیض  
در این اجابت و عبادت شد و ان شاء الله  
عز و جل و تعالی تعالی

کافور مشک و زعفران مجموع را بشویند و آرد  
کشته سازد و سه روز زاندر مشک  
رواندر و هر روز شستند و بوی او بخواند  
و بماند که بدین طریق که نموده میشود  
در بیرون شهر و باغ یا سر چشمه یا بستر  
زار و دوازده دم کند و در وقت بارش روی  
سجاده کشیند و بوی او را بر خود بکشند  
اندر ختم با اتمام زیارت و بابت که جمعی  
ظاهر گردند و با وی بیعت کنند و

و طبع و بی کردند و خاتم بوی و ختم  
 شکر ایوب را و چون خواهد در از بند  
 برین اند و در دکت نماز بگذار  
 در هر کسب و فایضا کتاب و ناله  
 این ذکر بی تا هر چه غایب و در وقت  
 برین آید شریخی بخشد کند تا  
 درستی جایید و ناله و بعد از ناله  
 دایم بخور بوزد و اگر تجیم و ناله  
 بخوراد هر روز این را دارد و ناله

ورد کند و مرگه او را کارگلی باقی  
بزرگ پیش از بد در بیک هفته باقی  
مشتاد و یک از بخواند هر روز یک بار  
ناید که در اسبوع این عدد بخواند  
بخورد و بوزد و آنرا تا شامدا اطلبند  
مدد گلی یابند و در جمیع امور و این  
بسیار هیچ خطری ندارد و جزو و یکی  
بغایت اسانت است اما باید با اعتقاد  
در دست و پا و دست نماید صورت

این آیات که باید بکشد اینست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ  
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي  
سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي  
السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْجِبَالَ حُجَّةً وَالشَّمْسُ  
وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَمِنْ آيَاتِهِ الْفَلَاحُ

وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ  
وَالصَّافَاتِ صَفًا وَالزَّاجِرَاتِ  
تَجَرًا فَالشَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّهَا لَهُمْ  
لِوَاحِدٍ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنْ أَنْتُمْ  
إِلَّا قَوْمٌ لَا يَتَذَكَّرُونَ  
حَفِظُوا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مُنَادٍ لَا يَهْتَدُونَ  
إِلَّا إِلَى الْإِلَهِ الْأَعْلَى وَبِقُدْرَتِهِ يُكَلِّمُونَ  
رُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصٍ <sup>عَلَفَ</sup> الْأَمْسِ

الْحُطْفَةِ فَابْتِغِ فِيهَا ثَابِتًا  
فَاَسْتَفِذْهُمْ اَمْ لَمْ اَدْخُلْكُمْ اَمْ مَرَدُّ  
حُطْفَتِنَا اَمْ اَخْلَقْنَاكُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ  
بِاَفْوَانِنَا اَمْ حَبَوْنَاكُمْ فِي اَرْحَامِ اَنْهَارٍ وَامِنْ اَوْابِ غَيْفٍ  
لَكُمْ مِنْ دُونِكُمْ وَبَجَرِكُمْ مِنْ قَدَابِ اَمْ  
فَقَعْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنِيرٍ  
فَخَرْنَا الْاَرْضَ عَنُقُومًا فَاَلْقَيْنَا الْمَاءَ عَلَى  
اَرْضٍ قَدِرٍ يَامَعْنَرُ اَلَيْسَ وَالِ الْاُنسِ  
اِنْ اَسْأَلْتُمُوهُ اَنْ يُنْفِذَ اَمْ مِنْ اَوْطَارٍ



السموات والأرض فانفذوا لا  
تفقدون الايمان طوبى لمن اوجي  
الى الله استمع فمقر من الجنة طوبى  
لناس عسافا ناعجا همدى الى الله  
فامسايه ولى كبريتنا احد  
وانه تعالى حررنا من التخذ فاجبه  
ولا ولدا فامسايه يقول سفيها  
على الله شططا اسم الله الحنن  
اذا جاء نصر الله والفتح وراى الناس

یا جلوتی فی دین الله افواجاً فسیخج محمد  
و یاک واستغفر الله کان ثواباً  
میان طالب و مطلوب و ازواج و خا  
و محمدیم این آیات کریمه را آیات محبت  
گویند و سنت صد و بیست و پنج  
دو هزار و سیصد و چهل و هشت نوبت  
بخواند هر روز چهار صد و سی و هشت  
بار بخواند و با خدا در روز پنجشنبه

با تمام رسد و در يك مجلس خوانند  
و بجانب خانه مظلوم کند و در وقت  
خواندن عبر و سبیل و مسند از ده  
میان ایشان پیش از آنکه حکم با تمام رسد  
الفت و تحت واقع شود چنانچه ثان و  
مرک قطع واقع شود و طالب از مطلق  
غایب دارد و اگر بین عدد متباین  
که عدد کثیر است در هشت روز عدد و  
که دو بیت و هفتاد و هشت بار است

بها آورد و خاتم خاتم که حیا و مستود  
ورد نماید کرد و عدد صغیر این و داد  
چهار نوبت است بنام هر که بخواند الفت  
در میان ایشان واقع شود و اگر این را  
که همیشه شکر خواند هر کس که در محبت  
اورد دل قوی تر شود و اگر تشنه باشد و تشنگ  
کند بدین آیه تواند کرد و در دایره  
هر عدد که تواند بود بمخواند تا قوت  
شود اگر سوزش رویا خورد و در اثر عدم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْزُقُوا أَهْلَ بَيْتِكُم مِّنْ  
مَّا كَسَبْتُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
مِنَ النَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
مِنَ النَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
مِنَ النَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
مِنَ النَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ وَالنَّارِ

أُولَئِكَ يَحْيَوْنَهُمْ وَلَا يَحْيَوْنَكُمْ وَتَوَسَّلُوا  
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ قِيَامُهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى  
وَلَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الظُّلُمَاتِ لَأَقْبَسُوا  
مِنْ جَلَدِكُمْ فَاسْتَفْعَدْتُمُوهُمْ وَاسْتَعْفَفْتُمُوهُمْ  
شَارِدُهُمْ فِي الْمَكْرِ فَإِذَا انْقَرَضَتْ قُوَّةُ كُلِّ  
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِحُجَّتِ الْمُؤْمِنِينَ وَبُحُورِ  
النَّاسِ وَتَحْتِجُّ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْ تَدَارَ  
يَحْيَوْنَهُمْ بِحُجَّتِ اللَّهِ قَالُوا لَيْسَ أَسْمَاؤُا الشَّد  
حُبَابُهُ فَمَنْ يَدْعُو بِاللَّهِ فَهُوَ يَسْمَعُ  
وَيُجِيبُهُ أَرْسَلْنَا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ آيَاتُنَا

عَلَى الْكَافِرِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَلَا يَخَافُونَ كُوفَةً لَا تُمْ دَلِيلَ فَضْلٍ  
يُؤْنَسُ مِنْ بَشَرٍ وَاللَّهُ يَكْفِي عِلْمُ  
هُوَ الَّذِي آتَاكَ خَيْرَهُ وَبِالْمُؤْمِنِينَ  
وَالْفَتَنِينَ فَاسْتَبْرَأْ لَوْ اتَّفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ  
جَمِيعًا مَا آتَيْتَ بِثَلَاثِينَ قَلْبًا وَلَكِنَّ اللَّهَ  
أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ أَلَمْ يَرْسِلْكُمْ فِي الْأَرْضِ  
رُسُلًا أَنْ تَقُولُوا عَلَى مَا نَعْمَلُ  
وَالْفِتْنَةُ عَنْكَ فَأَتَى حَقَّهُ وَبُذِرَ

على تهنى وحنين الوجوه التي القوم  
وقد ظلت من حمل هذا الله هو سوي  
وتعبد وهو العنود الودود ذو الأبر  
المجيد أما لما يريد فعل تلك  
الجنود فإنه يحب الخير شديد  
وإنه في بيان إرادته متفرقة  
ومقصود وظائف كرامته عدد  
معين منه قيام نماذج البراءة  
طلب جاه وتفرق سالطين  
مجلسه وعتاده باربعه عتق



برادر رسد و اگر وردن در کفر نامراد  
نگردد اینست وَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ آواره کرد  
عدو و ادا ی قروض و شقای بیماران  
و حصول طاعات کلی و طلب برکتی  
و توانگری هزار و سیصد و سی بار بخوان  
اگر تواند یک مجلس خواند بخواند و الا  
اینچہ تواند بخواند این شریفه اینست  
فَاللَّهُ حَيٌُّّ قَائِمٌ لَا يَنَامُ وَلَا يَسُودُ  
اِذَا شَاءَ اللَّهُ يُمِيتُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ بَنِي  
اِذَا شَاءَ اللَّهُ يُمِيتُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ بَنِي

مرای حصول عوایج و هلاک در تن و روح  
موقوف و عند اللسان خدا را مراد  
یکبار بخواند اینست انا الحق ربنا الله  
و ما انا الا خاضع و مطوع و مرای تلف  
دشمن و دوست و حق و باطل و یکبار  
بخواند اینست الله لطیف بعباده  
و یوفی موعده و هو القوی المکرم  
مرای هفت خاصیت اقله  
دوم عند اللسان ستم رفته چهار

قولنا آت من بحم دعوات شتم الشا  
كانها صدمت وستی خلافت عدد  
سه هزار و سیصد و سی بار عدد  
وسیط نشد و شصت و شش  
عدد و غیر شصت و شش بار و  
اینست لیس و القرآن الحکیم و القرآن  
دی الذکر و القرآن المجید و  
و الفکر و ما یطرون  
خاصیت بخواند اقل عزت و قیمت

سليم فراحى دونهى چهارم ختمت  
بخدمت قدرت ششم است و ختم فوق  
عدد كبر سر هزار و شصت و شصت  
وسط صدور چهارم و پنج و شصت  
دو و شصت است حبيبى الله لا اله  
الا الله عليه فكل ذلك و شصت

العزيز العظيم  
بعد انما في ايامه و ده بار بخواند  
فان يكون افضل حبيبى الله لا اله

الْأَمْرُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ <sup>وَجَعَلَ</sup> جَعَلَ  
مَهْمَاتِ كُلِّ مَرْءٍ وَانْدَمَارِ  
بَارِ بَعْدَ أَنْ يَنْتِ أَمِنْ بِحُجُبِ الْمَخْلُوقِ  
إِذَا دَعَا <sup>لَهُ</sup> لِي كَفَايَتِ مَهْمَا  
وَرَامَدَتْ دُمُوحَاتُ وَدَفْعِ خُصَائِنِ  
أَيْنَ كَلِمَاتِ رَاغِبِ وَهَفَاتِ  
بِخِ بَارِ بَعْدَ أَنْ يَنْتِ أَمِنْ بِحُجُبِ الْمَخْلُوقِ  
حَمْدُ بَارِ بَعْدَ أَنْ يَنْتِ أَمِنْ بِحُجُبِ الْمَخْلُوقِ  
بَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای قرض و برآمدن مرادات کلی و  
جزوی و دفع دشمنان و خلاصی  
از حبس این کلمات را هفت هزار  
دو بار بخوانند اما هر روز کمتر از هزار  
نخوانند اینست لا اله الا انت  
سبحانک انی کنت من الظالمین  
روا شده برای ظهور کمر شده و  
درد برده و بند کمر بخت و آمدن  
غایبان و اظهار حیات و امثال این  
بکسر

بیات مجلس و دینیت و یکبار بخواب  
یا ظاهر شود یا در خواب بوی آیند  
و از چگونگی احوال خبر تر دهند  
در وی شک نیاورد و اینست که  
تَرَآنَ اللّٰهُ نَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ  
لَا اِنَّ ذَٰلِكَ فِیْ کِتَابٍ اِنَّ ذَٰلِكَ عَلَیْهِ  
تَبَیُّرٌ هَـٔؤُلَآءِ کِفَاٰیَتِ مَہْمَاتِ  
و باز آمدن بر سر عمل و رسیدن از  
غربت بوطن و حصول ادا آن کلی



و جزوی و رسیدن طایفه جلایب  
خیش و دفع دشمنان و بی و خصمان  
بندک و حضرت بر ایشان این نماز  
ده هزار و سیصد و بی و هشتاد  
بخوانند و آن چهار کلمات قل  
یا ایله و لیلا و کفی یا ایله نصیرا و کفی  
یا ایله حبیبیا و کفی یا ایله ولیا و کفی  
یا ایله وکیل و کفی یا ایله شهید  
چهار و بیست و نه مرتبه از حضرت علی

پناه صد هر که این کلمات را در دست خو  
یکبار بخواند حق سبحانه و تعالی  
امر فرماید که در روز قیامت که  
از برای او امری در پیش خواهند قرار داد  
و برای او ثواب و حاجات و عزایات  
کلی و دفع رفق و درنا نگی عمر و رفع  
خوف و عظمت و ایمان کامل ازین  
عالم برود و در روز قیامت  
کلمات صدایوت نماید و است

بِحَقِّ عَنَّا مَا أَهْلُهُ وَمُسْتَعِدَّةٌ تَحْتَهُ

خاتمه کتاب در ادا و ابی که  
می یابید در هنگام خواندن و نما  
و نماز و اقامت نماید تا در شاک  
مبصود و اصل شود چون بدو  
مشغول شود و بجانب قبله نشیند  
و بنا و منویات در دو ریا و خوانند  
با کسی سخن نگویند و از امور نا آشنا  
تور کند و با خلوص و اعتقاد

و از سر رغبت مشغول شود و دایم در  
خاصه دارد و در دعا کردن احتیاج نیما  
کند و امری که محال باشد طلبد و  
بر استقامت تعجیل ننماید و از دعا  
کردن ملول نشود و در خوردن و  
پوشیدن ملاحظه کند و از حرام اجتناب  
نماید و در اقل دعا و انشود عابر خطا  
نشا گوید و نیز در اقل دعا نما خود را  
بر حضرت رسالت بنابر صلوات <sup>بر</sup> غیر

وبصلواتي اهتضرت ختم كبريائي  
كحضر رسالت بنامه ميفرطايه  
من صلى صلى مرة صلى الله عليه

محمدا

بسم الله الرحمن الرحيم

رسالت بنامه ميفرطايه  
من افادامت مولانا محمد تقى الجليلي  
قدس سره قال الكذب وجد هذا  
الضعيف في ازمته الرضايات  
ان كنت في مطالعة القرآن  
رايت في ليلة في بيت العظمه

سيد المرسلين صلى الله عليه وآله  
وانواره بحيث ملأ البحر واستبقت  
فاضته ان القرآن خلق سيد المرسلين  
في معنى ان اند بر وجهه فكلما ارد  
تدبيرى في ايزه واصف كان يزدا  
انكشاف الحقائق الى ان ورد على  
من الاموم عالا يتناهي دفعة واحدة  
ففي كل اية كنت اند ترفيعها كان  
يظهر مثل ذلك ولا يمكن التصديق  
بهذا المعنى قبل الوقوع فانه كما

المتبع العادي ولكن عرضي في ذكره  
ان غدا الاخوان الى الله وقانون  
الراية صحت عما لا يعني <sup>ذكر</sup>  
غير الله تعالى وترك المسائل  
من المطامع والمتاعب والملاهي  
المنافع والمنافع وامثالها والعزلة  
من غير اولى الله تعالى فتلك القوم  
الكثير ودوام الذكر مع المراقبة وقد  
جرب القوم المداومة على ذكرها  
يا قوم لا تسنوا الدنيا لا انت تحبها

اگر چه من در الدی (و در حق و انصاف)  
نمی بینم گمان و فتنه من و قیامت  
حاشا بفضیلت ان تعین الله الایمان  
نحوه اجزای و الا و اقلب اوست  
طریقه حکم قل هو الله و انی اکرع  
الکافرات و یجوز ثبوت شریعت  
سیرده و سیرده کاند و سیرده و سیرده  
کواز و سیرده و سیرده و سیرده  
چنانچه مقصد صلوات و ۲۲ مکان الی  
الایمان و سیرده و سیرده و سیرده



بما يحب أمير السموات السبع والأرضين السبع و  
عزير وبنو عازير أسلك أن ليحيى مع عودى ومناج  
خل الأنوار يظهر عن سلطانك فهدى في كل  
صوت يكره في الأرض من حجاب الظاهر من ظهوره  
أوصافه وأوصافه الأسعدي إلى الأبد الملاكى أما  
إذا رأيت شيئا أن يقول الشيطان فكل من  
يملك ملكوت كل شيء وأبدي من جود  
ابن أسعد مدد وفضل ما به نواب علمه ليدرسه ولو  
رأى من غريب وغميب من غيب من غيب من غيب  
وهدى من رابع أو دسوس شود وهدى من غيب من غيب  
وهدى من غيب من غيب من غيب من غيب من غيب

و بماند آنکه در مقام حق مای باشد و هم بخیر می بیند  
آنرا و استقامت کرد پس در مدتی و دوری او و وسیع کرد و آن  
تسکین را به دست خود و دست حق نشود و طاعت و و دل  
نشد به حال و حال حق تمام معنی کرد و ناشر زبان کفر  
تا بعد از آنکه میان زمین و آسمان و آفرین و بفرمان و بفرمان  
و معنی و معنی بار خدایه و آنگاه قدر خود بد و دفع و دشمن  
در روز و در اول آنکه سوره نغمه شد و آمد و در دست خود  
و در هر روز و در هر روز باشد و تمام است و در هر روز  
آنکه از این و آن و آنکه از این و آن و آنکه از این و آن  
آنکه از این و آن و آنکه از این و آن و آنکه از این و آن

[illegible]

از حضرت ابی حمزه ثمالی (ع)

[illegible]

U.S. District Court  
Southern District of New York

المجلس الأعلى للدراسات والبحوث

پیشوایان و روحانیان و علمای و بزرگان و املاک و

[illegible]

این سند در روز یکشنبه ۱۳۰۲/۰۵/۰۱

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

فرض باین اوله در تریه بگویند و این

*Journal of Management Inquiry* 16(4)

در روز یکشنبه غنای کند و در رکعتی کمال  
نماز بجای آورد و در هر رکعتی کمال  
سوره فاتحه و سه بار سوره قل  
هو الله احد و در میان نماز پستین  
و پستین شروع نماید بدین طریق  
که بازده نوبت بگوید و اقول  
الحمد لله رب العالمین و الحمد لله رب العالمین  
مخواند اللهم انی استأذنک بکتابک

الانعام ويحيى محمد علي الصلوة  
 والسلام وروى آياتنا الحسنى  
 ان نطرا اليها نطرا واحدا ونغفرا  
 ونن محفظنا من شر كل ذي شر  
 ان شاء يا صديقا ان ربي على كل  
 شئ شهيد ويا ربه يا ذا الجلال  
 والكرام واتقوا البعد وصلوا  
 بعد ان تروى بساكنة وجها  
 بكاتب علي بن محمد الرضا

اگر مطلب سفر است و تجارت باشد  
بعل و یکسان بگوید و اقوص امری  
إلى الله إنا لله بضمیمه العباد و چون  
به قدر آن فقر و المیة رسد برای  
هر مطلب که باشد یا زده مرید به اقوص  
آمری إلى الله إنا لله بضمیمه العباد بگوید  
و اگر مطلب دفع بیانات باشد چون  
به قوت علی کل شیء قدیر باشد چنانکه  
بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله

اصرف نفی من جمیع عبادت و شریک  
یا ارحم الراحمین و اگر مطلب نماز  
باشد یا سجود به وقتی اذان هم وقت  
و سجود و رکعت بگوید ختم بگویم  
و هم از رکعت و ادبای جمیع مطالب  
مطلقاً چون بایست و نه در مقام التماس  
و نه در حاجت طلب نماید و اگر بخواهد  
معاذ الله سجود به وقت اذان یا نماز  
و سجود و رکعت بگوید اللهم



محدثی و افق ریختی تا سعادتمند  
طیبا و اجملی و منجی و انصاری  
ای الله صراطی و صراط المستقیم  
و اگر مطلب جود و معرفت است چون  
بدو و آنرا به کتابی رسد چله  
لیک نیست تواند و نزل من القرآن  
یفاء و رحمة المؤمنین و لا یزید  
الظالمین الا خسارا و درین موضع  
از بای و مطلب که باشد و آنرا

إِنَّمَا إِلَهُ الْبَنَاتِ تَصْبِيحُ الْعِبَادَةِ بِحَوْلٍ  
وَجُودٍ وَفَهْدٍ يَنْهَاهُمُ إِلَى عِبَادَةِ مُنْتَهَمٍ  
وَسَدِّ مَلِكًا أَنْ يَكُونَ مِنْ مَلِكٍ بِأَسَدٍ  
يَأْتِيهِ مِنْ يَدِهِ وَأَقْوَمُ كَرِيهِ إِلَى اللَّهِ إِذَا  
يَسْجُدُ بِالْعِبَادَةِ يَكُونُ وَجْهٌ وَكَذَا يَكُونُ  
وَسَائِجِدُ يَكُونُ عَمَّا الْإِنْسَانِيَّةِ الْإِنْسَانِيَّةِ  
فِي الْأَخَرِ حَقٌّ وَفَتْحُ عَذَابَاتِ النَّارِ  
وَبَعْدَ ذَلِكَ يَأْتِيهِ بَارِدٌ بِسَدِّ عَمَّا يَكُونُ  
أَسْأَلُكَ بِعَمْرِ قَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَفِيهِ

فَخَرَجَ مِنْكُمْ عَلَيْهِ وَالْأَسْئَلُ

أَنْ تَقْرَأَ مَا جَاءَ وَأَقْرَأَ مَا جَاءَ

وَيُحْمِلُ بِذَلِكَ لِلْعَالَمِينَ سِدْرًا وَمَا

كَدَّ نَاسِدُ جِلْدٍ وَكَدَّ رَيْدُ النَّاسِ

إِذَا كَانَ قَبْلَ قُرْبَى الْوَيْسِ وَحَمَلُ

يَكُنْ وَصَلُوا أَنْ يَبْدُوَ صَبَابُ الْوَيْسِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَجْمَعُ

وَالْمَنْ بَابُ وَيُحْمِلُ بِذَلِكَ الْوَيْسِ

رَسَدَ بَيْنَ طَلْقِ مَطْلَقٍ وَمَقَامٍ

سید مرتضیٰ یکتا و آقا میرزا محمد باقر  
از ائمه عظام العباد و همچنین از برای  
مطابق شدن روح و جسم و نفس و  
و کبر و سب و عیوب و آفات و  
و آفات و عیوب و آفات و  
از برای مطابقت ظاهر و باطن و  
و طهارت و صفا و  
بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّا الْعَرَفُوكَ اَنْفُسَنَا وَ اَسْمَاءَنَا  
الْقَدِيمَ وَ اَلْعَظَمَاءَ اَتَمِّهِمْ وَ اَلْاَكْبَرَاءَ

العظيم والقهار المستقيم يا من يزل  
الرياح ويأفك في الأسماع قبايح  
الزجاج وبها الجود والنعاج يا الله  
يا الله يا الله يا من يارحم يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من  
يا من يا من يا من يا من يا من

[illegible]

وَقَدْ رَأَى الْقَوْمُ مِنْ مَلَأَةِ

مردود الهمم من المتقولات

سازمان بهای و امور اوقاف

بسم الله الرحمن الرحيم

فلم يزلوا

بسم الله الرحمن الرحيم

سرمه بکوبید لایق است اینجا 3

افيد باجر والملك بالانك

برکت و برکت و برکت

انت امله فانك اهل العبد والحق  
فان اهل الذنوب والخطايا فاحذر  
في ذلك من يا مولاي فانت ارحم  
الراغبين ويون برزلك النبي  
الرحيم وسدا ديري من طلب كبريات  
جحدتك كنوك وانا الفقير ذو  
الذات الخيرة ويون سوره تمام سوره بارده  
مريده كنوك واقو سوره الى الله الهية  
بشر بالعباد وود نوبت كنوك رغبنا



إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذْ يَقُولُ لِلَّذِينَ أَقْرَبُوا  
أَمْرٌ نَّانِي عِندَهُ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ  
وَسِعْدُ جَدَارِ الْبَيْتِ مَا تَوَدُّ  
بِرَّيْعِ الْبَيْتِ يَا سَدِيدَ الْعِقَابِ  
يَا مُنْقِذَ الْبَارِئِينَ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ  
وَيَا فَاعِلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا فَاعِلَ  
الْحَبِيبِ الْمَوْجِيءِ يَا فَاعِلَ الْوَسْطِ  
يَا مُنْقِذَ الْبَيْتِ يَا مُنْقِذَ الْوَسْطِ  
يَا فَاعِلَ الْوَسْطِ يَا فَاعِلَ الْوَسْطِ

يا ولي الحسنى يا جامع البريات  
يا معيد الغلات يا منعم الاموات  
يا نور الانوار والشموس يا غافر  
الخطيات يا سائر الخيرات يا جامع  
البدن يا غفر ما بين السما والارض  
يا ذا الجلال والقدر يا منير  
السموات والارضين يا ذا الجلال  
والكرام يا ذا اسم الزمير يا ذا  
الجلال والكرام يا ذا اسم الزمير

اقتضای این بختتک و تهنیتک  
لا باعنا لک ولا باسرا بنا یا ارحم  
الراحمین علیک و بکرم و بکرم  
هر روز یکبار این سوره را بخوان که  
مجموع جملات بگویند باشد و اگر قدر  
بسیار وقت ملا حظت نموده در ایام  
هفته و پیش بجهت خواندن این طریقی  
ختم می شود و نهایت نمایند  
خواهد بود چنانچه در روز یکشنبه

کتابخانه

کما یسئلہ عنہ است بین الصلواتین بحراً  
بطایفی که در میان وقت شستن و وضو  
روز یکشنبه در اندک بین طریقت علم نماز  
در وقت نماز در میان الصلواتین و وضو  
سه شنبه وقت نماز است و وضو  
چهارشنبه وقت نماز و وضو و شستن و وضو  
پنجشنبه روز جمعه بعد از عصر نماز  
در وقت نماز و وضو و شستن و وضو  
نماز ظهر و وضو و شستن و وضو

الغالب و ما يراه ختم انوار  
بقدره قدوة و قدوة ما يراه الخ  
بما هو في الدنيا و ما هو في الآخرة  
جميع حوائج اين دو اسم اعظم بالمتصل  
بهم ظاهر و كبريه ما يراه خواند و اين  
محبت است انست الله الشاهد و ما  
خواندن باكم و خواندن و ما يراه  
و ما يراه و ما يراه و ما يراه  
طريقه خواندن و ما يراه و ما يراه

زاد انوار بخواند تا شب به خواب آید  
در شب پنج دفعه بخواند و نیتش  
دفعه که بخواند چنانکه در کتب مذکور است  
و بعد از آن در شب میان نماز و خواب  
نشان دهد و نیت خواندن خود را بگوید  
و بعد از آن در روز مذکور در کتب مذکور  
در روز هر یک که گذشت در روز و در شب  
خواند آن را هر روز تا هر روز که خواهد  
چون در هر روز و در هر روز و در هر روز

الْحَسْبُكَ يَا دُعَاؤُكَ عَوْدُ بَعْدَ رَيْبِهِ  
الْقَهْرُ يَا نَارُكَ الْفُكْلُوتُ يَا رَاحِمُ  
السَّائِمِينَ وَيَا ذَا الْفَوْقِ الْمُسْتَعِينِ وَيَا  
غِيَاثَ الْمُتَعَمِّقِينَ وَيَا مُنْقِذَ النَّاصِرِينَ  
وَاللَّهُ الْعَالِمِينَ يَا ذَاكَ فَعَبِّرْ قَوْلًا بِكَ فَتُفْعِلْ  
أَلَا اللَّهُ يَا مُجِيبَ الْأَسْبَابِ وَيَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ  
أَفْتَحْ لَنَا الْأَبْوَابَ فَكَيْفَ قَلْبُنَا الْكَفَّارِ  
أَلَمْ تَكُنْ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَأَنْزَلْنَاهُ  
وَأِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَأَخْرِجْنَاهُ وَإِنْ كَانَ

بشيء من هذه وإن كانت قريبا فليكن  
وإن كانت بعيدا فليكن وإن كانت كبرا  
فليكن وإن كانت ضالة فليكن  
إن كان طيبا فليكن وإن كان شديدا  
فليكن وقد روي عن علي بن محمد  
أنه سمع الطائفة الطائفة  
أنهم قالوا حين روي عن علي بن محمد  
شيخهم الذي روي عنه منقول  
منقول منقول منقول منقول





مقصود من علم السالكين  
سرايه و سرور و بهانه و سرور  
التي هي انوار و جمال و جمال  
يكون و سرور و سرور و سرور  
التي هي انوار و سرور و سرور  
سكان و سرور و سرور و سرور  
التي هي انوار و سرور و سرور  
التي هي انوار و سرور و سرور  
التي هي انوار و سرور و سرور

دینا اور دنیا سیرما و پرفا نفا  
خواهد کرد ، صداهای وحشت  
آسیا و خواهد شنید و در آنجا  
آسیا و مثل و در خانها و در پای  
عظیم غوطه و در خواهد شد اگر  
قابلیت نداشته باشد و ترکیه  
نگر و با خدا و را خواهند رساند  
و علوم چند با و تعلیم خواهند کرد  
مثل کیمیا و غیره ، باید که دل با آنها

نه بنام او گوید که خداوند یکتا  
بجودت و کلامی خود است تا آنکه  
او را داخل بارغی نمایند تا او را این  
اسم را بگوید و اظهار نماید که این  
که تکی کند در او پس در حق او  
چهار صلوات و هشت بار بخواند یا نه  
حکایت بطریق که مذکور شد و  
در این ستم بعد و حروف مکتوب  
ایمانت و در این ستم بعد و

توانست که در عدد جمل بگیرد و بیست  
پنجاه و شش است و او را ده محصه  
با این اسم تلاوت نماید این است  
الحمد لله رب العالمین  
اسم نام این طلوع جمع و افتاب  
خوانده اند بعد از جمل حروف  
دو اسم از جمله اسرار است و مجرب  
و خود نیز تجرب بر نموده و در فقر و کسرت  
نیز گفته میرسد یافته اند و هر که

کبر و فخر و بختی است هرگز ندهند  
و معنی تا المجله شانه میزدند  
نوفیق لا یأبیه قال الله تعالی  
اشع الخدی فی الدنیا  
کافی نیای قنای  
چون خواهم آمد از بهشت  
باید بر روی من بوی کدو  
سجود کرده در طاعت خداوند  
این چهار اسم را بخواند و در دست

در گریه خود چهل گاه یابد  
محبی دارد یکی را در نوم کین نگاه  
دارد و به ایمنی الخرج کن که گماناید  
میریت مکرر تجربه و پدید است  
در هر وقت که چشم در آن افتد  
طریق قوا و تشنگی صد جمل  
نوبت و در نوبت که با آن است  
بر سر او خود را در عالم بگذراند  
اگر چه به خوف احد باشد در غیب

المصنف في كل علم بعد الله تعالى  
 ومحمد عليهما السلام ورواه  
 صاحب يومنا هذا واثباته  
 باختصاصه في كل علم  
 إشارة إلى أن كل علم  
 إشارة إلى ما في كتابه  
 إشارة إلى ما في كتابه  
 إشارة إلى ما في كتابه



همچو اعدا و جمع هر وقت که بوده باشد  
سوره مذکور را بهمان عدد قرائت  
کند و اگر این معنی بر او قویست باید که  
آن کس چهل روز متعاقب در هر روز  
هر وقتی که معین ساخته یکصد مرتبه  
مدرست لا اله الا الله بخواند باشد  
بعد از آن حاجت بی رویا رواست عبود  
بگناید و هدایان بهر قدر میسر  
خواهد شد خواننده فداست اگر چه هر  
مهر

هر تم بدرد آن که اندر خواند نیست  
لیک در باب بخواند و در وقت خواب  
بخواند و در آن وقت و صبح و سحر و آن  
سال و غم با آن آید و چهل شب  
هر شب که آنرا بخواند و چهل شب  
بخواند و در آن وقت و در آن وقت  
شب بخواند و در آن وقت و در آن وقت  
طلب نماید و در آن وقت و در آن وقت  
نشد و در آن وقت و در آن وقت

بنام طلب و در یکی چهارصد و  
سیصد که انشاست انداز و بعد  
بگوید احرف ق قلب فالد بن فلان  
صاحب فلان بن فلان و اگر بشیر  
بخواند و بخورد و سلاوی و قد بین  
میداست و باعث الفت است و اگر  
چوب تلخ و ترش خواند بجهت تعریف  
روح حرام و بخورد یا ایشان مفید  
و اگر بجهت سکای بکشد و ده

جو اند بکنا کردی و الویحه  
بدت چهار صد و دوهشت و شصت  
جو اند البتہ انشاء اللہ مقصودان  
تالی و تجزی حاصل کرد و در مکتب  
که چهل و دو رقم آت می نمایند بعد از  
الحمد ایستاد جو اند و السلام علیک  
الستغیثین انجمنی و اگر کفر و کفر  
انجمنی مذکور لا اله الا انت سبحانک  
الحی کرم من الظالمین اللهم انفض

وَتَعَفُّكَ وَأَمَّا تَتَّبِعُ الشَّانِئَكَ  
وَأَفْضَلُ شَيْءٍ رَأَيْتُكَ بَاغِيًا  
الْمُسْتَعِثِينَ وَتَحْتَ لَوْ عِنْدَكَ الْحَقُّ  
يَا أَوْلَاهُ بِأَقْبَاهُ يَا طَيِّبُ إِنَّا لِلطُّفْلِ  
أَسْأَلُكَ يَا بَنَاتِ الْأَعْظَمِ يَا مَلِكِ  
أَلَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَكُنْ لِي أَمْرِي تَقْضِي  
طَائِعِي بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ إِنَّكَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا إِيَّاهُ  
كَبِيرُ الشَّيْءِ الْبَعْضِ الْبَعْضِ الْبَعْضِ

هر روز از این سرزند بخواند بحکم خدا  
زینون و شادی و عفت و سستی  
خدا این کتاب تمام در هر روز  
پنج اسم است حاجی یا ایمن یا عیسی  
یا معنی یا عزیز یا غنی یا غنی  
احمد هدایت که مرا معانی نیکو در شرح  
عود القاری بنویسد که با این معنی یا مود  
که دعا شرح اصل شود فرمودند که هر کس  
از این باید مداومت بخورد این است

معتبر من که با کافی را بختی تا  
کشاکش یار و زار و پس غارت انعام کرد  
و بعد از آنکه در بندگی این اسیران مشغول  
شدم و از غارت بکس و در بکند را ندیدم  
روز چهلم دیدم که سقف خانه باران  
شد و چهل همان دریا رخ در صف  
افتاد و ما از آن بی خبر بودیم که بر آن صبح  
گفت ای احمد اگر تو درین ده کی بیغزایی  
ما این درو رو بیغزاییم و اگر تو که

کمی تا نرسد که کسب و عدد نگردد  
و مؤخر جمیع هزار و دویست و ده  
عدد است و مجموع هشتاد و پنج  
هزار و پانصد و بیست و هشت است و  
بعضی چنین یاد کرده اند یا کافی  
یا غنی یا مضمی یا فلاح یا تالان  
و عدد نگین را بر اسماء و بیات  
هزار و دویست و بیست و ده است  
و نگین عدد و دویست و ده را



نشست بر شصت و هفت  
بیج همراه از وشتت صد و نود  
هفت عدد است و بیست و هفت  
در آن که در آن روز که در آن  
بنام آن که در آن روز که در آن  
تقریب کرده بودند اینست که هجده روز  
هر روز سه مرتبه باین دستور بخواند  
دعا که یکبار و آنکه یکی و سه مرتبه  
ای و چون مناجات القیام علی الا  
قص

الْأَمْثَلُ وَنَحْنُ عَلَى الْبُيُوتِ وَابْنُ وَمَا  
كَسَبَ امِيرٌ رَقِيقٌ لَا يَحْلِي مَا وَلَا  
حَسْبُكَ فِي فَلَكَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا تَقْطَعُ  
وَلَا يَابِسُ لَكَ فِي كِيَانِ مُبِينٍ وَبَعْدُ  
شَرِيعَ نِسْوَةٍ أَعْلَاصُهَا يَدُ بَعْدَ  
وَسِيلَةٍ يَكُونُ قُلُوبُهَا لَمْ يَحْدِثْ  
أَنْتَ الصَّغِيرُ فَرَسٌ نَكْرُودٌ شَائِدُ  
أَعْدَاؤِهِ وَنَحْنُ كُنْدُ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ  
نُورِ بَحْرٍ أَوْ بَدِيسٍ لَيْسَ لَكَ نَزْدُ الْأَنْبِيَاءِ

هذه الآية مثل قوله كسكرك فيها  
صباح المصباح في راحة النجاة  
كأنها كوكب دري في بوقدرة صمد  
نبارك في ثبوتها لا شدة في ولا  
عزيمه بكادتها في حق ولو  
كأنتم في نار كاد على نور في حق  
الله ليقره من ربه وقدره باله  
لنفس الله بكل شيء عليم والله  
أخبرنا عن هذا كسر من قوله

اخرى نافعة مما ايتت محمد بن سويلك  
قال الذين معه اعداء في الكفار  
زعماء بينهم قرآن فكمما يجتهد  
يتبعون فملا من الله ورسوله  
سما فيهم في جودهم من آثار النجوم  
في ذلك مثلك في التوبة ومثلكم  
في لا تخيل كنز اخراج بشارة  
فان رده فانه تنافوا فاستوى على  
سوقهم بعين الزمان في يوم

الْكَفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ وَعَمِلُوا  
الْعَصَاحَاتِ مِنْهُمْ وَكَفَّرَهُمْ وَأَجْرًا  
عَظِيمًا يَوْمَ أَنْ حُذِيَ إِلَى عَرْشِ مُطَلَبٍ  
تَنَادَى كَذِبًا أَتَى اللَّهُ بِالْمَعْرُوفِ  
وَالْجَوَابِ بِرُوحٍ مِنْ رَبِّهِ يَنْصُحُ  
الْمُؤْمِنِينَ كَذِبًا إِنَّهُمْ يَخُفُّونَ  
عَلَيْهِمْ أَعْيُنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبُورُ  
الْأَعْيُنِ يُفِيئُ اللَّهُ إِلَيْهَا  
وَيُخَوِّدُ اللَّهُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِآيَاتِهِ وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ  
الْإِسْلَامَ فَاعْبُدُوا اللَّهَ  
وَعَلَيْكُمْ دِينُ الْإِسْلَامِ  
كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

[illegible]

[illegible]

هزار مرتبه که عدد منازل فلک است  
و بقدر اعتدال و حقیقت هزار مرتبه که  
عدد سیصد سال است و عدد  
قصر چهار هزار مرتبه بخواند که  
عدد عناصر را بعد از آن عدد خود  
میخواند و بخود هزار مرتبه بخواند  
که موافق افلاک و طبایع این است  
و عدد منازل هزار مرتبه بخواند  
که عدد و الید است و ختم هزار مرتبه است



که گزات هر که از شیخ و روحانی  
تا آخر سوره بپوشد و سه روز در  
روز سیصد و پنجاه مرتبه بخواند  
انشا بآید در این ایام حیوان نخورد  
و یاران مباشرت نکند و بر دام  
حرام خواند یکصد مرتبه در هر وقت  
برآمدن افشای و درویش و پناه  
مربطه و غیره و در هر شب افشای هفت  
روز بریان ظاهر شود و در بار آوردند

کرد و باز فرمود که هیچکس را بر او  
نه برود و نه گفتاری و نه بین و نه خاوند  
باشد از کتاب که کفر است و بیخ عالم  
الشیعیه علیه السلام و علی بن ابی طالب  
الخوئیه و غیره اینست قل لو کان  
الشركاء من عند الله لكانوا  
الذين قبل ان نؤمن بآياتنا  
وكنوا من قبلنا وكنوا من قبلنا  
وكنوا من قبلنا وكنوا من قبلنا

الله فاجتهد في بيان روحه القام  
وقدم قلبه على كل ما لا يشترط  
يعباد ودية لجدد  
طريقه ختم سلام فوق كل من يشترط  
وجهم ابتدا افرو وديجان سنيه  
نماید و تا بانزه و زهر و زهر  
مشتد و مجد و فوشتی و فوشتی  
بلا شت و جد و زهر و زهر  
مطلب و زهر و زهر و زهر

بِأَمْرِ خَطِّ عَلَامَةٍ وَبِأَمْرِ اللَّهِ

صَلَاةً عَلَى سَائِرِ أَسْمَاءِ رِجَالِ كَرَمِ

حَمْدِهِ دَعَا شَدَائِدَهُ لَا يَجْزَاهُ

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ لَهُ الْحَقُّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ

MANUSCRIPT

در هر روز یک بار در هر روز

در هر روز یک بار در هر روز

در هر روز یک بار در هر روز

در هر روز یک بار در هر روز

در هر روز یک بار در هر روز

در هر روز

کدام شد من بعد از آنکه  
استواران جهان بعد از آنکه  
استدک بالله الا اولین و الاخرین  
الرشح لك عندك رشح  
لی صدیقی بالاسم الذی رحمة  
عند محرمه فی الله الیه و الیه  
سلام باسلام باسلام ابرح لی  
صدیقی و یجری فی و اما الله  
و لیسان یفقه و اقوی باسیر

يُحْيِي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِالْقَوْلِ  
الَّذِي فِيهِ حَيَاتُ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصَّيْنَاهُ عَلَيْنَا مِنْكَ  
يَا وَدَّعَ مَنْ لَا وَدَّعَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
يَا اللَّهُ أَسْأَلُكَ بِكَلامِكَ الْكَرِيمِ  
الَّذِي أَنْقَضَ كَلَمَكَ يَا ظَاهِرَ الْبَاطِنِ  
يَا خَفِيَ عَنِ الْأَبْصَارِ الْغَيْبِيِّ عَنْ  
أَبْصَارِ الْخَالِقِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ  
أَسْأَلُكَ بِإِسْمِ الَّذِي رَفَعَتْ يَدَهُ

الْعُلَمَاءُ

السموات وبسطت بر الأضواء  
ورفعت لك ذكرك يا رافع يا ذاكر  
أذكرني به الذاكرون الذين لا  
الله قياماً وعموداً وعلى بنوهم  
وتفكرت في خلق السموات والأرض  
ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك  
وقد اعتدات النار قامت وقاها  
من النور الظالمين يا الله يا الله  
يا الله أشهد أن لا اله إلا الله



يا حيور يا عزيز يا مخوف يا عظيم  
عز قدوتك لك مع القسير  
ويعزلي أمور الدنيا والآخرة يا  
مخبر من برجي يا الله يا الله يا الله  
فان مع القسير يا عظيم  
يعزلي أمور يا الله يا الله  
يا الله فان افترقت فانصب وامن  
وتلك فان عكسك اليك  
اليك ويا لآيات البينات

الذي الحكيم ان يثبتني في محرابه  
عز اليمين الخالد اجمعين  
استغفر ردا طيبة هذه النوبة  
التي اراك في باب الرضا جنة  
كنت في عطف العباد في محرابه  
فوق دفع المضار عني بالطف يا  
حي يا الطيف يا حفيظ يا لطيف  
يا حفيظ رحمك يا ارحم الراحمين  
يا حي يا الطيف يا حفيظ يا لطيف

اگر کسی به مطالبی پیوندد و در حال قبول

شود اما شرطی در آنست که ملک

از همین بابت و ملک روزی هفت

روز میباید در روزی و در روزی

و در این روزها و در این روزها

و در این روزها و در این روزها

و در این روزها و در این روزها

و در این روزها و در این روزها

و در این روزها و در این روزها

و در این روزها و در این روزها

مصلحت خود را در دین و اگر استخوان  
 عزیز خود را در علم اندیش طالبان دین است  
 از بین شب و روز و در راه تربیت خود  
 بفرستند به جامه ای تمام شده  
 و بپوشانند و در راه و در حلقه  
 صفای هر چه بخوانند و در پیشگاه  
 ربه و معقولات و انکار و اعتقاد  
 بین زمین و آسمان و ملکوت و جنان  
 طالب باشند و روز و شب و پیغام

مروند و شایسته ایترا الکرمی و ایترا الکرمی  
نمایند و قتل و خونریزی بخانه مرید  
نمایند و از آن بخوانند و بر آن ایستند  
در که از آن آب بخورند و قتل و خونریزی  
زیاد شود و اگر در ماهی و ماهی و ماهی  
بخوانند ایترا الکرمی و شغل مشایخ  
عاجت که داشته باشند از حق تعالی  
شان عطا و حاصل شود و بعد از  
خواندن ایترا الکرمی و بعد از آن  
باید

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله الذي جعلنا  
 من خلقه ما نحتاج اليه  
 في كل وقت وحين  
 ونستعين به في كل  
 حاجة ونسأله في كل  
 شأن ونرجو منه في كل  
 أمر ونعوذ به في كل  
 خطر ونسلم اليه في كل  
 وقت ونسبحه في كل  
 حين ونشكره في كل  
 حال ونصلّي على من  
 بعثه في كل سنة  
 ونؤمن بما جاء به  
 من نبينا ورسولا  
 ونسلم على من بعثه  
 في كل سنة ونؤمن  
 بما جاء به من نبينا  
 ورسولا ونسلم على  
 من بعثه في كل سنة

خارجی و اندر بعد از حاجت  
انگشتان و دست راست را باین  
حروف کاف ها با عین و  
عقد کن و بعد از انگشتان دست  
چپ خود را باین حروف عقد کن  
حامیم حق حق حق حق حق  
و بر این فقره صد مرتبه بخوان  
سوی یکصد و نهم الله احد یحیی و  
خارجت خود را از او طلبه حاجت  
روان

را کنند و از طریق دیگر است که  
چون کسی از شخصی چیزی داشته  
باشد و نخواهد که حاجت او را در  
برای این امانت داده مذکور و هنوز  
برگشت دست راست خود بر پشت  
بگذارد و بعد از آن دست خود را  
بر او می‌گذارد و چون پیشانی شخص را  
در برابر او می‌گذارد و از آن بگذرد  
مقدور حاصل کرده و آن را می‌گیرد



أَنتَ وَبِكُلِّ لَحْمٍ أَقَالُ إِنَّمَا نَسِيعُ  
آيَاتِ اللَّهِ عَلَى عَذَابِهِ ثُمَّ يَصْرِفُ  
مُسْتَدِيرًا كَانَ أَمْ كَيْفَ مَقَرُّهَا قَارِعِينَ  
يُعَذِّبُ آلِيكُمْ وَإِذَا نَعِمَ مِنْ آلِهَا شَاءَ  
شَيْئًا اتَّخَذُوا هَاهُنَا أَوْلِيَاءَ لَهُمْ  
عَذَابُ عَرِيقٍ صِوْرًا زَائِفًا لَهُمْ هَيْمٌ وَلَا  
يُنْفِرُ عَنْهُمْ مَا كَذَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا  
مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَكُمُ عَذَابُكَ  
عَظِيمٌ فَإِنَّ أَسْرَارَ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ

شوشی و متعلق است به شوش و دیار  
شیخ چلین سوار که در میان  
خواب وقتی که ازین بخت و بخت  
سرمه برآورد و در آن خود را  
حرکت دهد و از آن راه پندش  
سرمه بند و بعد پندش  
و پندش و بعد از آن هر شیء و پندش  
مربوط است به آن و در آن  
که گویند آن را الله اعلم

که از شما می‌خواهد بماند چون چنین کسی  
حاضر می‌شود از یاد کردن خدا بی‌تعالی در  
دلش و او را می‌فکارد و روشنی صبر  
برای تو حاصل می‌شود و بعد از آن  
که احاطه آن لذت کردی و ضمیرت  
روشن گردید دیگر عمل از دعا  
و ان شاء الله که عمل آمدی زود  
با آیات برسد و مستجاب الدعوات  
می‌شوی و این حکایت از مشرق

بنا بر عقل شایسته است  
خریده از حق الاکل و الاخر و الاکل  
والاخر و الاکل و الاخر و الاکل  
منطق میانه است و الاکل و الاخر  
سیار و الاکل و الاخر و الاکل  
دیگر کرده و الاکل و الاخر و الاکل  
درین دو مرتبه و الاکل و الاخر  
مرتب و الاکل و الاخر و الاکل  
چهار مرتبه و الاکل و الاخر و الاکل

طافات و هم شات و دانگر و استعما  
ارطو و فتح گاه و استوایت و ما و  
و سیدت فتوحات از فتح طلال انظار  
ایستاد از دریاك بحار و در و دوت  
جوانم به استوایت لایب و قبا مقع  
الاکوایب و قبا سامع الاخوان قبا  
قاصد الحاطات اکفی بحالک عن  
مرايه و اعلمی و قبا الی علی واک  
الاکوایب و قبا سامع و قبا سامع  
و قبا سامع و قبا سامع

هر روز با صد و اندوه و غم  
حدی بخوان و بپوش و در صد سال  
والا او برسد طاعت و نیکو و عالم  
الکبریا و بپوش و در صد سال  
طاعت و دفع شر و دفع غم  
پوش و بپوش و بپوش و بپوش  
الکبریا و بپوش و بپوش  
در صد سال و بپوش و بپوش  
و بپوش و بپوش و بپوش

اليوم الخامس من الايام وعشرون من ايام

الغيب الى اخيرا الف مرة وقيل

اليوم جعل في كل يوم من يومه

من يومه من يومه من يومه

من يومه من يومه من يومه

من يومه من يومه من يومه

من يومه من يومه من يومه

من يومه من يومه من يومه

من يومه من يومه من يومه

لنفسه فلهذا وقع على السالمين يسكنون في النجف  
بما ذكره من قول العلامة مع شريك  
ثم مر على ذكر الحسين المذكور في  
ظاهره من الامام الثاني عشر  
الاسم الحسين الثاني فان له من العلية  
بغير خلاف وروى سبع الاف مائة  
وسبع وستين ولايمان كبريائه  
الذي خلقه وانهما في ليلة الجمعة خلقه  
من النجف وروى في بعض النسخ  
المذكور في بعض النسخ وروى في بعض النسخ



فسيبعت مرةً واذا نزع من ذلك المنزل  
ولم يستكمل حشره يحصل المقصود وان لم  
يحصل كمالها حتى يحصل انشاؤه  
يحصل المقصود بلا شك وان لم  
تتم من سقمه وانه يملكه المسمى  
مجرى كماله في غير اياها بحسب ما يشاء  
وهو بين جميعه وكيفية ان جنانته  
تدخلت في ذلك وركعت من ان جنانته  
ودور ركعتي في تحت الكتاب يكمل ما لم  
الكرسي عند باب من بعد ان لا يمانه

من الرابح انك في الدنيا  
 الاثواب وبانت المساهم  
 والاهل العالمين فانهم  
 ولهم الخبير والخبير  
 المخلصين الخبيرين  
 انهم في الدنيا  
 انهم في الدنيا  
 انهم في الدنيا  
 انهم في الدنيا

بعد از نماز مذکور بدو رکعت نماز اول  
و نماز عربیه و فاتحه الکتاب بخواند  
و صد مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن  
هفتاد و نه مرتبه سوره الفاتحه را  
بخواند و بعد از آن سوره قیامت را  
هفتاد و نه مرتبه بخواند بعد از آن هفت  
مرتبه فاتحه الکتاب را بخواند و بعد از آن  
صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن  
سوره کافران را هفتاد و نه مرتبه بخواند  
طلب نماید که با طاعت و دعا و استغاثه و دعا



بسم الله الرحمن الرحيم

وایا ایست که انحراف برین باشد و در این  
ازین و عرض کرد و این سوره را شکر میخوانم که در این  
تقریب مردم با من فرمود که از حدیثی است که  
میخوانم و آنکه درین مردم انهم فرمود که هر که  
خدا را صیقلی است گفت میخوانم که درین مختلفه  
با من فرمود که هر که درین رسالت انهم فرمود که  
میخوانم که درین رسالت انهم فرمود که درین  
تر شود فرمود که اگر خواه بنده کار انهم  
گفت میخوانم از خواست حق انهم فرمود که  
فرمود انهم فرمود که درین رسالت انهم فرمود که  
میخوانم که درین رسالت انهم فرمود که  
و انهم فرمود که درین رسالت انهم فرمود که

ايضا ولكن كان كبير دوي بالله  
مع اخراج عير منى من اهل البيت  
الحياء تعالى والعبد صا لا بيع  
الماتية العاقبة ليست كذا الذكر  
والدائمة على الذكر ابعين بونا  
تصيرها لا يفتح الله على قلبه  
افلا حكمة ومعرفته ومحبته ثم  
يتوفى الى مقام المنكر في الله والبقاء  
بأنه تعالى كلما انتم الانبياء

في السموات كما كان هذا الطريق الذي  
الطريق الى الله تعالى كان مداره  
الشيئين الظاهر والباطن فلهذا  
فانظر الى شغل الناس كلهم بطلب العلم  
لا يمارسونهم غايته لكبح الغالب  
في طلب العلوم حيث اثنان والعشر  
فانجاء عند الملاقاة يدور العلم  
اثنان كان المراد بطلب العلم فضاء  
محصل المعارف فاما لم يحصل فيبقى

[illegible]



[illegible]

[illegible]

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ  
مَعْلُومًا لِقَوْمِكَ وَنَحْوِهِمْ فِي الْبَرِيَّةِ وَفِي الْبَرِيَّةِ

عالمی الا شکر و تعالیٰ ادرم الا شکر و تعالیٰ

نعم غرض من علی الله انما کان و قال ان الله

یا شکر من عذرا انکم صامق و طالع و

لا انا الا انکم صامق و طالع و

بیت انکم صامق و طالع و

شکر یا شکر یا شکر و

یا شکر یا شکر یا شکر و

یعنی و القائل علی طالع و

تعالیٰ یا شکر یا شکر و

و تعالیٰ یا شکر یا شکر و

نقص بود و انرا که است و

نقص بود و انرا که است و

و تعالیٰ یا شکر یا شکر و



[illegible]

و در وجه غیر متعلی و در زیر دست راست در وجه میکل  
 و در زیر دست چپ و در وجه بر سر مثل در زیر بران  
 راست در وجه غیر متعلی و در زیر پای چپ کنار و  
 و نما که دارد و پای کن منتهی که سر است و در رکعت نماز  
 بعد از سلام بجا آورد و در هر رکعت بعد از آن که بایستد و در هر  
 این آیه که تفسیر آن خواهد بود که الله اعلم الخ  
 و آنکه قال این آیه که سبب آوردی کیف  
 محض المؤمن قال اذ انتم مؤمنون قال  
 بل و لكن لیطهرن قال قال محمد  
 اربعة من الطهر منهن اربعة  
 ثم اجعل علی کل جیل منهن جزء  
 ثم اذ عن یاتینک سعادت علم

ان الله عز وجل اعلم ما كنتم تعملون

کتابخانه عمومی و اسناد

وہیں کہ ان چاروں میں سے کسی ایک کو بھی

[illegible]

*[Handwritten signature]*

وہابیہ اور سنیہ کے درمیان اختلاف

*[Handwritten signature]*

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس شورای ملی

1900



[illegible]

فعل از نماز شب شصت غنیمت است از هر یک گمان غنیمت شده  
غیر حاجت کند بعد از بر بار و به استوداد غنیمت  
کند از بر کرد و به حاجت بکل و بر بقر و با سبک  
و بر بر با الله انیل و بر بر با الله انیل و بر  
ما از او غنیمت و به بر بر بر بر بر بر بر  
و اگر از آن غنیمت که بر بر بر بر بر بر  
و بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر  
چهار غنیمت بر چهار غنیمت و بر بر بر  
سند و به به به به به به به به به به  
و به به به به به به به به به به  
به به به به به به به به به به  
نما حاجت من الفتح بخوان ما بر بر بر  
بر حاجت بعد از نماز بر بر بر بر بر

[illegible]

[illegible]

که بگویند و من سفید که در دنیا حاجت بسیار داشته باشد و باها  
رزد و بدو باشد گرفته اول دعای مرقوم الصدور خواند  
و از آنکه در پنج خوانده و از آنکه در پنج خوانده که نوشت بگوید  
و سه خوانده و نه خوانده و از آنکه در ده خوانده و از آنکه در ده  
بگوید و بعد از آنکه کند و از آنکه خاکستر چهار مرتبه است  
در هر مرتبه که گرفته و دست نموده و در هر مرتبه که  
دست نموده و اگر بیدار تمام عمل کند که در پنج مرتبه  
مداوم گرفته و دعای مرقوم الصدور خواند و پنج خوانده  
و بر غیر که در ده خوانده که از آنکه در ده خوانده  
بجای و نه خوانده است و گوشتش در هر مرتبه  
که بخورد و در ده خوانده که در ده خوانده  
و اگر باقی باشد و نه خوانده که در ده خوانده

که او نور و گویا زین هر نهاد و وسیع بفعل صوم  
نکند و الا و بوی نه بیند و گویای نور منتهی به کعبه است  
عظیم و در وقت از نور منتهی گدای نشی از آن نور و  
نیر خیزد نما بدو است و گوید و در حرکت حیوانات  
آیند و در غیر گویا و خست که است و گویا و از بی  
و فای احتیاج است و نشسته بشود و بیکه و پس  
اول نشسته است و بعد از آن نور و بعد از آن نور و  
سرتبه است و عایق و گویا که است و الله الرحمن الرحیم  
انما ارسلناک علینا صابرا و می شناید  
تکذوب کنایه از کلام و کلام و اخبار و  
ایه هینک و غیره و کلام و کلام و کلام و کلام  
نور و غیره و کلام و کلام و کلام و کلام

بایه که در شب سحر و صبح ماه قبل از ماه ربیع الثانی  
خود را از نافه مغسول و آب شسته بدهی و شش هفته غریب  
بجا آورده آرد که اگر سه مرتبه در روز خواند  
بیتاثر از سبب الله الرحمن الرحیم  
و عینده و صفات الخ فیض الما خیر معنی  
مبین یا ارحم الراحمین یا قیوم یا رحیم یا  
أرحم الراحمین و هر روز هجده بار بخواند  
بیت روز را روز بکشد و ماه رمضان روزی که  
شیرین صیقل است کند و هر روز بیستم مرتبه بخواند  
و عای مرسوم الحمد لله یا ارحم الراحمین یا قیوم  
قال بخواند و در آن شب دروازه آسمان می شود و اگر

باشند و بعد از آن هر چه میسر شود و بصورت نوری  
در این سبب سوزش فواید آنکه در این  
و عای بر صورت تمام کنند و دست های خود را  
و باز کنند بر بعد او دست برای دادن زور  
در آن خود بدگر و گنجه طین بپوشند - بپوشانند  
هم بعد از آن و عای بر دو دست های خود را بر  
آسمان و در آن نمون از خفاست او در این طایفه  
فوائد این سیر مرد و مبلغ با نر او و دست  
عامل خوانند و کس عامل گرفته در چهار کسب  
بمبلغ مبلغات را بگذارد که در سه کسب چهار  
چهار روید و در کسب چهار سه روید ببارد  
از یک کسب کلام الهی و انشا الله تعالی که در این



در یاد و دلش  
و اگر چه در فراق  
و از این تنگ  
نکست فکرها  
سکند و در ترک  
و از اینک  
در یاد و دلش

در یاد و دلش  
در یاد و دلش  
در یاد و دلش





طريقه سره و سره  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

طریقه سلوک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين والصلوة  
والسلام على من خلت عليه  
اجميرين امين رساله ايت  
مستمل برتبه من سید مجتهد و معزز  
و توان گری و دفع فقر و دفع اعدای  
سحر و اداء دیون و شفا بیماری و  
محفوظ از بلایات و استغناء من از  
مخوفی چند بحکم برآمدن اموات

وحوالته و مراد است و دعای مصیبه  
روایت شده از علما و محول و اکثرا  
منقول است از نفا و عدول و محمول  
مخواتم مجرب و امتحان و این مستطیل است  
بر هشت باب باب اول در بیان حقا  
سریع الاطاله که چنانچه توسعه دزد  
و توانگریست و این است و هیئت هم  
میباشد اول ختم این آیه شریفه است  
و من یتق الله یجعل له مخرجاً و میراثاً  
و من یتق الله یجعل له مخرجاً و میراثاً

هو خبیر ان الله بالاعمال قد عباده  
من تکلیف قدر او ختم این امیر شریفه  
از جمله کثره رزق و بشاری مال و  
زیادت سامان و جمعیت و رسید  
عمال و مشال و مشایخ دنیا و غیره الله  
از امور دنیوی از ختم مجرب است و از  
امیر المؤمنین شریفیت و جمع کثیر و غیره  
غفر از غای مجرب و بخود اند و طریقه  
ان باین نوع است که ابتدای ختم ان باید  
روز جمعه یا پنجشنبه باشد و شنبه باشد

و پنجشنبه بپایان جمعه و در شنبه باشد  
تا چهل روز یکصد و پنجاه مرتبه بخواند  
بعد از زیاده و کم و هر آنست که بعد از  
نماز صبح بخواند مگر در روز و جمعه  
که یک صد و هفتاد و نه مرتبه بخواند  
که بدست مرتبه علاء و باشد که مجموع  
شهرار و سیصد و هشتاد مرتبه  
می شوند که عدد مجموع این شهریه است  
البته بعد از خواندن یاد و باشد خوا  
ابواب فتح و نیروزی و معصومین



رومی او گشاده میشود و فدا بیدای  
ختم غسل از برای قضای حاجت  
و استیجاب دعوت بعمل آورد و گوید  
نماز حاجت و صد بار صلوات بر علی  
بعلم آورد و بنیت صافی و اعتقاد  
درست و دل جمع آید و آنچه افتد و غایب  
گردد که جناب قادر مختار چندان آید  
با و کرامت فرماید که از جناب متعالی  
آید و در هر اول انشاء الله تعالی دفع  
است و در روز حرام گرفتار نشود با و

باین صفت مرصع خصلوات بقرب تدو اگر  
دو دهف ثانی و ثالث مقصود حاصل  
است و اگر احیاناً اندر اشای حیل و در  
فتح شوند غم از سر گیرند که انشاء الله تعالی  
بلا شک و تردید بشود در غم ثانی مراد <sup>عالم</sup> عالم  
و بعضی از علما گفته اند که جای غم  
نیست و باید و یا حدی تکلیف نکند و در حدی  
سرهم نظر نکند و در آخر غم یعنی بعد  
از روز چهارم باز حدی سرهم حاصل است و در حدی  
و انچه در حدی و در حدی و انچه در حدی و انچه در حدی

افضل الى الخدين وفخرنا لعلنا به والمهتد  
الخوانسار محمد باقر عليه السلام حتى نقتل شهيد  
واسم خم اگر بالشرایع خوانند شود از مجربا  
وحکایت عرب و خصوص من این الیه  
صاحب دارم فخرج بعد از سند تستیقا  
کرده هر کس خواهد است باشد با خارج  
کذا التاجین محبت و الفت دها  
و وسعت و ذوق از برای رفعت و  
و آخر وی و طلبه جاه و منصب و نیز  
و محبت سال این و بعد از ایشان امیر

صورت و در هر دو یک سیمه بخواند الله اعلم  
بعد از آنکه بر آن من نشاند و همو القوم  
الغیر و این را بعد از آنکه گفت اندا که بعد  
از آنکه در این ایام و اینها اندا که در این  
از این ایام و اینها که گمانند اشتباه شد  
و مکرر و تکرار شد و در این سیمه و سیمه  
ملاکط شد و در هر که نظار و نظار  
کار و بعد از آنکه در این صورت نوشته شد  
از آن و نظار و سیمه و سیمه و سیمه  
با و صفت و سیمه و سیمه و سیمه

عزیز و عزیز خداوند لطیف و باریک  
بینش و من بیکار و هو القوی الغریب  
چو اند خداوند عالمی و زی کرد انداز  
برای ارطاعت و عبادت و برکت  
دور و زی او عطا فرماید و توفیق و  
تسکین و امور مشکاک و شوق از دل  
سرد کرد انداز و از ظلمت مان او را این  
کرد اند و سرچاپ طالب کذا و حوائج  
و بعضی گفته اند که این صورت نظر کن  
﴿ التکلیف و زی خیر من محمد التکلیف ﴾

افتد من قرائننا انداء فی کل یوم  
 مائة شری متتابعین و ذکر الله کل روز  
 المائ و کتر من اعوام و موفد انداء  
 استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن  
 الرحیم الحق القیوم بدیع السموات  
 الارض و جمیع ظلالی و فی عالمی  
 و اقرب الی الالبع هر که اسم یا و خدا بی  
 و اخر شب هر روز و دستار الوهیت  
 حسد با و کوید خدای تعالی دوزخی  
 او رفع کند و صاحب بار و دوزخی

از عاقلان مشهور غافلند غافلند بیشتر  
کردند و اگر قصد می مرتبه این است و بارگاه  
باین طریق می رسد که بگوید را شرافت و  
خواهد بود و اگر الوفاست بدون یاد خدا  
هم بگوید نیز عیبی ندارد و مؤثر است  
و هر کس در نصیحت و شنیدن و رعایت  
نماز کند و در سجده هفتاد بار بگوید  
یا وهاب یا افکری یا بدا یا آخر از حضرت  
رسول و پیغمبر است که هر که خواهد بگوید  
مژده می فرماید که در دستانش نهد و رسید باید

[illegible]



مجمع بصریت بنام خود و التماس و تحریک اندازد  
تا برود و در آنجا رسید و هیچ آفتی و مکر و هیچ نوبتی  
نرسید و هر کس از آنجا بازگشت با برکت و احسان  
و یکبار بخواند این دعا هر صراطی که بخواند در راه  
خود و خواص این ثلاث در برکات بسیار است  
الایات صلاه کوره این است یا افرات و من  
یا صبر یا الله فقد شدیدی الی الله و من یا صبر  
یا صبر و لا تقدر الله غایت اعظم بعد  
الظالمون سیر زدن تقدیر و انقضای  
لا تحسبوهما از الله تعالی و رحمت و احسان

[illegible]

بالیغ آمین قد جعل الله لكل شیء قدراً  
الحق ایات منوالیات ثمانیه مضاعف  
الجنان مضاعف الیجنان است که مضاعف  
ان ابواب جمیع سرادات مفتوح می  
وقلاوتان بود مضاعف دل و جلال  
روح که در د. در کلام حق جل و علا  
سوق که در جمیع هشتاد است که بهوش  
بیکر بیکر است که در تین و تیرک هر یک  
از یکدیگر است از او هشتاد در  
که درین سبب از مضاعف الیجنان مضاعف

یعنی گایند و دهائی از او و صیغی از بحار  
نوشید یعنی در ویشای نهطای و سواد  
و هر یک از این آیات مشتمل است بر  
ثناء و ستایش اصناف عظام و بحسب  
حضرت حق سبحانه و تعالی و اکثرین  
و اکابر اهل بیت عصیان الله تعالی  
این آیات در سبک اوقات سدا و ست  
معموده و سندان و اصل و متابع از آن و  
اند و بسیار حقایق و معانی از آن است  
در بیرون و انداز جمله آنکه عبد کلکات

استند کوره یکصد و بیست چهار  
 و اعتد و شمس یکصد و بیست  
 و چهار و غیر علم است که در این  
 چنانچه حق جل و علا در کلام و خلاصه  
 عینی و یحیی علیه السلام کار خوانند  
 پس هر که از این باب را بخواند و در  
 صحت و عدلیت و حقایق از این سخن  
 بداند که چنانکه اسم او از اسماء  
 لازم خوانند و صفات و مشایخ و معتبر  
 این باب است که است و در این کتاب

تا هر که بر خواند این دعا را از دست او نجات دهد  
 بجز این دعا را و از او دفع بخار شود و دیگر  
 اگر که در این دعا بخواند نام من در دست خداست  
 من می شود و این دعا را در دست من می شود  
 دیگر در تمام این دعا در دست من می شود  
 و در تمام کلام این دعا در دست من می شود  
 هر که این دعا را بخواند از دست او نجات دهد  
 و از دست او نجات دهد و از دست او نجات دهد  
 و از دست او نجات دهد و از دست او نجات دهد  
 و از دست او نجات دهد و از دست او نجات دهد

برو که در حق تعالی و اوست و  
بنام سبیل انوار علی و اولاد و فضیلت  
این ائمه بر رسیدم فرمودند که این  
هشت گنجند از گنجهای الهی و هست  
سوقدار اسرار نامتناهی و این آیات  
از اسرار عظمی و عالی قیاسند هر کس  
برقلاوت این آیات متداولت نماید  
از شر جن و مکر شیطان خلاصی یابد  
ایوب از این جنوری معنوی بر او  
کرد و هر که هیچ اندوخت و مکر و دلی

عبد الوهاب بن عبد الحليم والكاتب محمد بن محمد

2020-2021

و من بعد از آنکه او را خبر شود که او نیز در میان

وہاں سے لے کر آج تک ہر ایک نے اپنے اپنے لئے کیا کیا ہے۔

سخنری که می‌بیند و در روزهای آینده

وہابیہ کے وزیر محمد اسحاق خان

حفظ را این کرد مخصوصاً از شیخ

۱۶- راکر سلامت و صحت

فلا ادرى ما كان من شأنه في ذلك الا انه قد

11-11-68



شریف ترین است که در این دنیا پدید آمده است  
نکو دیوان این است یا دیگران را  
یا سیم اعظم یا محمود یا سید عالم یا صبر  
یا علی یا کبیر یا حلیف یا سیر یا غیر  
از وصف یا سیم افصح آیات است که در کتاب  
و احسن اسرار است یا سید عالم یا سید  
یا اوستم الراجحین وصلی الله علی خیر خلقه  
محمد و آله اجمعین و شروع در آیات  
که در این دنیا پدید آمده است  
یا الله بگوید و این آیات عظیم را بگوید

الامير الاول والثاني ما تجروا في سبيل  
الله ثم قتلوا اوه اتوا ليريدوا من الله  
استغفار ان الله هو حكيم الراوي في ذلك  
الشيء اني قد علمتهم من ذلك انهم قد  
والله اعلم بغيره من العلم والقدرة  
من عاينته في مثل هذا هو من علمه  
يعلم ان الله اعلم ان الله اعلم  
اعلموا ان الامير في اجمع ذلك ان الله  
يوجب العلم في الشهاده ويوجب العلم  
في الشهاده وان الله اعلم بغير الامير

عَالِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْحَقُّ وَأَنْ مَا لِي بِهِمْ  
مِنْ حُكْمٍ يُفَعِّلُهُمْ أَطْلُوكَ لَنْ أَفَعِّلَهُمْ  
الْعَالَمُ لَكِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ الْأَكْبَرِ الْكَفُورُ  
أَنْزَلْنَاهُ مِنْ أَفْضَلِ أَمْوَالِنَا فَتَنَّبَغْ لَهُ فَعَسَى  
يُخْزَىٰ مِنْ أَفْضَلِ مَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
أَنْزَلْنَاهُ مِنَ الْغَيْثِ الْكَافُورُ الْكَافُورُ  
الْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ  
وَالْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ  
الْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ الْكَافُورُ

أَلَا إِنَّهُ لَوِ شَرَحَ حَيْثُ لَمْ يَصْرَفْ إِلَى الْكَافَّةِ لَمْ  
يُفْقَهِ وَفِي مَلَايِمٍ مِنْ قَرَأَ عَشْرِينَ نَوَا  
كُلَّ يَوْمٍ عَشْرِينَ مَرَّةً اَعْتَمَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
سِوَاهُ وَابْنُهُ عَنْ سِوَا الْوَالِدِ مِنْ دُونِ  
وَمِنْ قَرَأَ عَلَى كُلِّ مَا كَوَّلَ وَالْجَعْدَةُ  
لِحَيْثُ خَبَّرَ مِنْ حَيْثُ وَرَدَ الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ  
حُضْرًا لَمْ يَكُنْ يَلْمُ أَوْ مَا لَا يَنْتَظِرُ الْبُحْبُوحُ  
مَنْ أَهْلِي دَابُّو وَالْخَلَائِقُ لِيَدْعُوهُ مِنْ  
عَاقِبَتِهِ مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً رَزَقَ  
الْجَنَّةَ وَالْإِنْفَارَ وَالْمَالِ وَالْجَنَّةَ وَالْجَنَّةَ

وأطلب غلبت بعد كل فرصة رزق  
 الذي لا يملأ إلا من الماء المحو البهال  
 فأنزل على جميع خلقه بالخير من أيديهم  
 مؤلف بنيت في حصاد في الليل في النهار  
 اغنياء الله من كبره وبنه جوده  
 صار عزمه وراوية في بعض النسخ  
 من أن ادوية ماله وأوتقاع صوته  
 فلبس على قرائته كل يوم الغيب  
 الحادي عشر بالورق كل شيء الذي  
 الذي استوفى من كل فقير إذا عساه

فانما عند صائبه افقه اهل سودا ثم يفرغ  
الامر على اهل الباطن سيعملون ثم يركب  
بهذه السبل والسر لا يبدل من جودنا لك  
ويزيد في كنف باب سجداتكم  
عليه ووقته من كثير لا تموت من  
خطوات ولا من اجابة الخطا من  
نفسه كما هو في الموضع من  
من تراه قلنا انتم من  
في الخلق من اربعة وسبعة  
الاصحاب من اربعة امدان

وَمِنْهُنَّ أَرْبَعٌ مِائَتٌ صَدَقَتْ  
بِأَهْلِهَا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَالْأَنْبِيَاءِ  
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَنُوحٌ وَآدَمُ وَكَانَ  
الْأَوَّلُ قُلُوبُهُمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ  
يَرْكَبُونَ وَكَانَ هُنَا مِائَتٌ مِائَةً  
بَارِعَةً مِنْ مِائَتٍ مِائَةً  
بِأَهْلِهَا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَالْأَنْبِيَاءِ  
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَنُوحٌ وَآدَمُ وَكَانَ  
الْأَوَّلُ قُلُوبُهُمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ  
يَرْكَبُونَ وَكَانَ هُنَا مِائَتٌ مِائَةً  
بَارِعَةً مِنْ مِائَتٍ مِائَةً

هر که بداند محتاج نشود و از دفعه  
پیشانی به دست وصول دولت و  
وزیران تکی و عسکری که کسی و جنود  
و قهر جای غلبت باشند و نام  
نور میان در عنوان عجب و شش  
و چهار صد و بدست و چهار مرتبه  
نایب الطین و فتح پشانی و فقر او  
و من حیث انوار است او بدد معانی  
و صوفی معانی او و معنی و او  
گردد و شخصی عمری معنی او



من بارها تفرقه کرده ام و شنیده ام که بزرگان  
آورده است که کسی این علم را به کسی ندهد و آن  
نگاه دارد و بگوید که این وقت و مکان  
بزرگان بزرگ دارند و اینها صاحبان این  
گفته اند و اینها را می بیند و می شنود  
و در چهار ساعت بمجموع این مقدار  
شد و عشر فی الجواهر و اینها را می بیند  
که در آن اگر هفتاد و دو پیوسته شود و  
هفتاد و دو پیوسته حق سبحانه و تعالی و  
از هفتاد و دو تا و اینها را می بیند و

و میرسانند از جامه که کار بر داشتند  
و بستای عزیز که از اهل باجنت بود  
میفرمود که خیمه با بایستد این عتوا خیراند  
عشر باجنت و خلاف عتوا را از این عتوا خیراند  
با اینها الانسان میفرماید که زیادت الکریم  
ازین سور و بر پوست سبع میسوزد و باغ  
نماید در روزی او فراخ شود و در مطاف  
منفعت تمام و بسیار و یا بد شرط آنکه فرد  
و مت نماز با او باشد که پوست سبع نماید  
نمایند آنجا که عشر میباشند چهار هزار و

گوید بایسته الله لا حول ولا قوة الا بالله  
بایسته و عدد دان کلمه سحر و شرافت کرد  
کمی خواسته باشد که این کلمه را بخورد  
کند تا حمل و زهر و زبده و زهره و زهره  
بجو افتد شاه الله تعالی ایمنی خواهد بخشید  
الکاس عنده صاب و نه تا نظم آورد که  
هر که مداومت کند بر کلمه این اسم که عباد  
از انکه به او قمار و نوا و نوا و نوا و نوا  
او به سحر و سحر و سحر و سحر و سحر و سحر  
که به سحر و کما به سحر و سحر و سحر و سحر

و بعضی از بزرگان گفت که بسیار است  
مردم و بدین ترتیب امر کردیم و روانه  
مشغول شدند و از برهات این چهره  
مشغول گردیدند که بخت است عجیب و  
غریب است و سر و روی تجار ناش  
نیچاد صریح و خواندن و عدد اسم هزار  
صد و بیست و هشت است که این  
تعداد بخوانند کامل و تم خواص بود  
الشیخ عشره برای شش ماه و هجده سال  
تا بیست و هشت است و حاصل از این

عزیز داد و موجب فرح و کثرت  
اندازن است و موجب کاهش است  
هرچ از برای عامل درمی آورد در رکعت  
اول بعد از فاتحه نیست و پنج مرتبه بگوید  
و اقض امری الی الله ان الله جمیع الامور  
و در رکعت دوم بعد از فاتحه نیست  
پنج مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک  
انک انت المبین فاستجبنا له و  
نحییاه من الغم و كذلك یخفی المؤمنون  
و در رکعت سیم بعد از فاتحه نیست پنج

بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَبِغَمِّ الْوَكِيلِ و در رکعت  
چهارم بعد از حمد بگوید و بِحَمْدِهِ وَبِغَمِّ الْوَكِيلِ  
و بعد از آن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى النَّبِيِّ  
وَعَلٰى اٰلِهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ و در کتاب گفته  
است که اگر گفتی که از خواص فاتحه الکتاب  
این است که هر که هفت روز روزی یکبار  
خواند بخورد و ببرد و روز قیامت الکتاب  
در دست او افتد و ده نفع بخواند و طهرین صلوات  
صلوات بر محمد و آل محمد تفسیر شد پس بفرمود  
طالب می کند از خدا نیاید چیزی را مگر

آنکه میاید و این مستجاب از دعوی  
میگردود و بعضی از شیخ و ملامتیه  
که از برای هر طایفه از مطالب که خواسته  
باشد فائحه کتاب را این نوع میخوانند و  
شبهه را چهارشنبه شرح نماید تا جایز در  
این طریق باشد خوانند بعد از نماز صبح یا  
در کعبه بعد از نماز ظهر یا بیست و سه مرتبه  
بعد از عصر یا بیست و سه مرتبه بعد از غروب  
مغرب یا بیست و سه مرتبه بعد از نماز  
عشاء و هر یک از این طایفه را

می شود و نیز بعد از آن مصلحتش او را بیان می کند  
اللهم صل علی من یتبعک کما صلیت علی من سوت قبله  
یا من و بعد از آن دعا را می خواند که در کتب معتبره  
در این باب و در روایات معتبره آمده است که هر کس این دعا را  
خواند مرتبه باشد از برای حاجت و هر کس این دعا را  
خواند بخواند یا حاجت و هر کس این دعا را  
خواند و در میان است و این دعا را از این است  
نعم انما یرسلکم من بعد انعم الله علیکم  
و الله علیکم بدارا لعلکم و اذین ال  
عمران و این دعا را از این است که هر کس این دعا را



وَالَّذِينَ مَعَهُ إِشْدَادٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ  
 إِلَيْهِ مَصِيرُهُمْ وَأَمْرٌ عَظِيمٌ أَسْمَى مَا أَنَا بِمُتَحَنِّنٍ  
 وَبَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ دَوْرُ سَبْطِ بْنِ كَهْدَمَ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّابِعِ وَالْأَرْبَعُونَ مِنْ حَيْثُ مَدَّ  
 مَدَّ بَرُّهُ مَجْرِبَةً مَشْهُورَةً مِنْهُ لَا وَاسْتَوْفَى ثَمَرَهَا  
 فَلَمَّا وَافَاكَ بَرُّهُ وَجْهٌ دِينِي وَكُلُّ مَدِينٍ مَعْنُوكَ  
 وَحُكْمُ كَرِيَّةٍ أَحْرَقَ دَارَهُ وَعَدِيمُ تَائِيْلٍ وَأَدِيمُ  
 مَكْرٍ أَرَادَ قَابِلِيَّةً دَائِعِيَّةً وَعَدِيمُ اجْتِمَاعٍ  
 شَرُّهُ دَائِمٌ تَعْلَانَهُمْ قُلُوبُ اللَّهِ أَهْلُهَا اسْتَكْبَرُوا  
 عَنْهُمُ الْمَشْرِحُ وَحَقُّ الْعَمَلِ بِهِمْ مَكُونٌ سَدِيدٌ

غفرانی است که بزرگوار است و استغفار  
و توبه و رجوع به سوی خداوند و بازگشت  
مطلب و موقوفه حاجی که باشد عمر  
مخصوصاً از حمد کثرت و زود و زیاده  
سالی و طاعت و سیدان و عظامه و  
و طاعت و سیدان و طاعت و سیدان  
جمع کثرت و جمع غفرانی از غفار و غفر  
و طاعت و سیدان و طاعت و سیدان  
و طاعت و سیدان و طاعت و سیدان  
و طاعت و سیدان و طاعت و سیدان

انكسر عظم كسر في الفم ورنه ورنه  
 كسر ورنه ورنه كسر ورنه كسر ورنه  
 بعد از اتمام بخار و سفت شدن سر و  
 خنک شوند و بعد از آن سر و بدن را  
 میفرستند و بعد از آن سر و بدن را  
 میخوانند و بعد از آن سر و بدن را  
 و اینها را میخوانند و بعد از آن سر و بدن را  
 و بعد از آن سر و بدن را و بعد از آن سر و بدن را  
 و بعد از آن سر و بدن را و بعد از آن سر و بدن را  
 و بعد از آن سر و بدن را و بعد از آن سر و بدن را

مطلبی را که دارد و میگوید که اینها از الله تعالی  
بر او و شاه است و بعضی گفته اند که اینها  
شروع نوی خوشی در اندیشه است و در  
بعضی از نسخ معتبره در این باب نوشته اند که  
چون زاده شود حضرت مهدی در میان و صاحب  
شاه است و از این شروع می شود و هر چه  
در سوره اخلاص است و دیگر در باب الله  
و صاحب است و در سوره الفجر و بعد از  
سوره صلوات بخواند که البته طاعت  
رواست و خواندن ندارد و بعضی این ختم

از قوه محقق بشود و گفته اند که این ختم  
بعد از نماز صبح و در روز پنجشنبه بخواند  
و اگر جمعه باشد بهتر خواهد بود و این  
ختم در عرض چهار ساعت تحمیل خوانده  
میشود باید داهی کلاه و ملال را بخورد و  
ندهد که گنج بر هیچ نیست و کل نیار میشود  
و این ختم مبارک از ضامن المجتهدین اقا سید  
علی اعلی الشیخ فاضل و رفع الله درجاته منیر  
منقول است و سید علی الرضی بعد از نماز  
طاعت فرموده که هفتاد مرتبه سورۃ الاحقاف

میوانند و بعد از آن جلد مرتبه عملوات  
و بعد از آن المشرح را هفتاد و نه مرتبه  
میخوانند و فرموده که این خود در مکان خلوت  
باشد و شتر است و احتساب هر صحت مایه  
نموده را قش کردن و ختم بخانه و استراحت  
و کعبه نماز حاجت کردن و تقصید بر روز  
پنجشنبه یا جمعه منع صرف شدن از وفور  
هر وقت خواستند ایشان عمل را احوال  
بجمل آورد و در بعضی از نسخ در بیانی  
دیدیم که در روز جمعه استراحت کنند و این

هم نماید باین نحو که غسل و طهارت با کبر  
 وضو و اربعه بار آورد و بعد از آن  
 فاتحه و صد بار صلوات و نود و نه بار  
 سوره الفاتحه را بخواند بعد از آن از هر  
 نماز حاجت گذارد سون حیدر اصدان  
 بخواند و سیاه را ده هزار و یکبار سون  
 بوحید را بخواند و زمین رود حاجت  
 خواهم صد الف بار از هر دعا برای غنی  
 توان کرد و هر رکعت نماز نه نیت این دعا  
 قادر بخوار او را غنی و صاحب ثروت کند

بعد از خوردن دو روز چهارشنبه چهارشنبه

سوق الکبیر و اجناس که در آنجا

بسیار و غنای بسیار است و انسان را

از برای حصول مال و ثروت و شرف

و رفاهیت در روز جمعه در وقت

نماز کند و بعد از آن سوق کبیر را

و این چهار بازار را در روز جمعه

الآن و بعد از آن از برای طلب مال و

ثروت و رفاهیت و ثروت و شرف و

و مال و بعد از نماز صبح و بعد از



وَالَّذِينَ تَلَاقُوا، مَكُونُوا لِلدِّينِ الرَّحِيمِ  
وَقَدْ رَأَى اللَّهُ عَلَى عَمَلِكُمُ الْوَالِدَ الْكَافِرَ الَّذِي  
أَقَامَ لِلكُفَرِ بِاللَّهِ مَكْرًا الْحَسَنَ بِكُمْ  
وَبَعَثَ فِيكُمْ نُوحًا مَرَّةً مَكُونُوا لِلدِّينِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّي جَاءْتُكُمْ بِاللَّهِ  
هُوَ دِينُ أَبِيكُمْ وَدِينُكُمْ مَرَّةً مَكُونُوا لِلدِّينِ  
وَقَدْ رَأَى اللَّهُ عَلَى عَمَلِكُمُ الْوَالِدَ الْكَافِرَ الَّذِي  
أَقَامَ لِلكُفَرِ بِاللَّهِ مَكْرًا الْحَسَنَ بِكُمْ  
وَبَعَثَ فِيكُمْ نُوحًا مَرَّةً مَكُونُوا لِلدِّينِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّي جَاءْتُكُمْ بِاللَّهِ  
هُوَ دِينُ أَبِيكُمْ وَدِينُكُمْ مَرَّةً مَكُونُوا لِلدِّينِ

مجرىات است الناس والاربعون اكر كى  
الملك كرمير والاربعون يقود اصيل  
مكة الى يدون الفصل العشر  
ويكون بعد از تمام جميع صفات كرمير  
مهرت است وايات اين است يا نبى  
از كروا يسمي اية التوبة عليكم  
او فوا اليها من ارض يحد كروا كى  
فارسون واليهوا والاربعون  
يا معكم وكنتموا اول كرمير  
يا ايها الذين آمنوا

الحق و اتم نشانی از انعام و ابرار و عیال  
 که فی الحقیقت بدو کار خداوند و عیال  
 بودند باشد و مثالی از عیال و عیال  
 از عیال و دولت و ثروت و عیال و  
 عیال و عیال و عیال و عیال و عیال  
 از عیال و عیال و عیال و عیال و عیال  
 و عیال و عیال و عیال و عیال و عیال  
 با عیال و عیال و عیال و عیال و عیال  
 از عیال و عیال و عیال و عیال و عیال  
 عیال و عیال و عیال و عیال و عیال

و دعا امام غزالی در کتب نماز و دعا  
نکند و بهر سوره که بیشتر شود و بعد  
صلوات بر محمد و آل محمد سه مرتبه  
غیر است و هزار و یک مرتبه میگوید یا  
الرحمن یا رحیم یا الله یا رحمن یا رحیم  
و بعد از تمام یا زید یا مرتبه صلوات  
غیر است و طالب خود را بخواند و خواهد  
که از آلاء الله تعالى غنی شود و ده است و اگر  
در هفته اول مطلوب حاصل نیابد  
جمعه تن ببل یارود و اگر در هفته دوم

جسدی است که در شب و روز یکبار از او در کمال  
تعالی و کرامت و احسان و احسان و احسان  
که از حق تعالی و شرف و کرامت و کرامت و کرامت  
در شب و روز یکبار از او در کمال  
با خدای تعالی و کرامت و کرامت و کرامت  
مکار و موزون و موزون و موزون و موزون  
عزت و عزت و عزت و عزت و عزت و عزت  
آلکم و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک  
غیر تقوی و تقوی و تقوی و تقوی و تقوی و تقوی  
شمار و شمار و شمار و شمار و شمار و شمار

و بعد از آن مطلب در این حق بقای خود  
که در کتابت و تصنیف بعضی از  
کتابهای در دست خود و خزان این سرای  
بار و طایفه در مورد و روز بعد از این  
مردیدانها الحادی و المختصون حیت توان کرد  
شود و اموری و روزی که استقامت و خدای  
سپدار و متغایر این اسرار علیا القانی  
و المختصون به کتابت کارها و وسعت  
روزی در نصف شب هزار و بعد از  
سبحان الملك الحق المعبود الذي لا يموت

کتاب الله شرحه بعد شهره الثالث  
والجئون الى ربك فوسعده واسر به  
وعنه وانك رب دون بحر كاهن من ذنبا  
صحيح ما غلبه ركعت بمنازكند سر  
اول بعد زعمه بعد مرتب قل يا ايها  
الكافرون ودر ركعت دوم بعد از حمد  
معه مرتبه سون قل هو الله احد و  
ركعت اوله وركعت بعده مرتبه سبحان  
ربي العظيم وسبحه وهدى ربك  
صلى الله عليه وسلم سبحان ربك  
الاعظم

فترجعت من سبزه را که می خواهم  
است و گفته اند که این چیز از کوزه محفیه  
در میان کشتای جوانی بدست و در  
موترا سعد الله عالم الارض و امشاق بلخ  
موسی علیه الرحمه ذکر کرده که کشتای  
روزی سه شب و میان شنبه و یکشنبه  
بگیرد و در وقت عشا چیزی نهد  
کند پیش از افطار پس چوب از سار و نیم  
فی شود و بگوید در سجده بگوید اللهم  
ای استغاثی و حیاتی لکبر و انیت



اعظم حدیثک الما صغیر ان یصلی  
فی عید و ان یحذر و ان یقصر عینی بربی  
و یوئس عذر فی ریح میسر نماید بمن داوود  
ذلک و مع الله غلاله و زفره و قضی دینیه  
کاینکه ساکنان اشد الله غلاله پس هر کس میخواند  
کنایه بر این نماز و سعادت میداند خدا را  
بروزی او و انما میکند دین او را صوم  
باشد و هر حاجت که خواست خدا را اشد  
تعد و است که امن و الحس و طهر و غیره و  
مبارک که ادا وقت و اوقات است که از برای

بسیعت و توسیع و سعادت و توفیق  
داریم و طریقه‌اش این است که از شام  
شب مشی کند و هر شب سه بار بخورد  
و شب بعد شست و هر شب بخورد و این طریقه  
بسیار هفت سال آورد و در وقت که میخواهد  
ببرد و از آنجا که پیش او می‌آید و این طریقه  
و این طریقه که او در قنار ز قنار است و این طریقه  
طریقه او است که عویین که در وقت  
آن وقت که در وقت بعضی فقره اندر  
و این طریقه که در وقت بعضی فقره اندر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَجَعَلَنَا  
اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَهُوَ بِبَعْضِ شَرِيْهِهِ دَلِيْلٌ  
كَانَ شَيْئًا اَوَّلًا مَّا شَرُوعًا كُنْدًا ثُمَّ شَيْئًا  
هَرِثًا ثُمَّ مَرْتَبَةً وَتَبَّ جَعِدًا زَادَهُ شَرًّا  
مِنْ اَنْ شَرُّ رَمْعٍ مِّمَّ بَرَّ كَوْدًا اَلَا اَنْ اَنْفُسًا  
رَوْقًا وَاسْحَافًا اَمْرًا مِّنْ اَمْرٍ اَمَّا مَخِيْ  
يَا اَرْوَاقَ الْفُقَرَاءِ يَا اَرْوَاقَ الْمَسَاكِيْنِ يَا  
دَلِيْلَ الْمُتَحَمِّلِيْنَ يَا اَيُّهَا الْمُسْتَغْنِيْنَ  
وَيَا اَيُّهَا الْفُقَرَاءُ يَا اَيُّهَا الْغَنِيَّاتُ يَا اَيُّهَا  
الْمَسْكِيْنُ اَلَا اَنْ اَنْ كَلَامًا وَفِي الْمَسْكُوْنِ  
فَاتَر

فانزلناه فالخود عاشقواند و بعضی از بزرگان  
فرموده اند که ابتدا از شب پیر شدن که  
این طریق شب پیر شدن پنج ساله است  
یا در بارش شنبه و شنبه یکشنبه و در شنبه  
و شنبه و چهارشنبه و جمعه و شنبه و پنجشنبه  
مجموع در عرض نصفه چهار ساله است  
میشود و هر وقت که سوره را تلازم کند  
ایند عاشقواندا اللهم ان کان رجب فی  
السنه فاقبله فان کان فی ایه رجب  
فانخرم و ان کان بعد اقصی فیران کان

تا این که در روز قیامت  
از این کتاب یا ارحم الراحمین  
کشته آمدند از سبب عدم تمایز  
خواندن این نور و بتی که از سبب طریقه زیاده  
است از این حیل آنکه قاریان بتی که  
گرفتار نمی شوند در روز قیامت و اوسع میکند  
و جمیع احسانها و کفایتها میدهد و ادعای  
محرم را در بکده می خوانند این و این  
این طریقی بسیار شده است و احوال  
محرم هم مؤید این طریق است

اوردن سائل عتبر و قدر و درخت و صحران  
پیش از ظهور سبیل که اول ماه در شب  
باشد شروع نماید خواندن این سوره  
مبارک تا طهارت شود و بقیه سوره را  
بگیرد و در وقت و در هر روز که در  
و در هر روز تا اینها را هم بخواند و در هر  
سخن کند و بگوید یا ایت سرور و مبارک  
هر روز و این سوره را بخواند یا سبیل  
و یا مفتح که او را سبیل نامند یا  
و کثیر یا غنی یا الحی یا قیوم یا



من الفوائد المبرورة في المكنون المنقولة  
من رواية الشيخ الفاضل في المكنون  
هو في سنة ثمانين الحادي عشر  
اول الشهر يوم الاثنين فابعد واقترانا  
وقعت مرة واحدة وفي اليوم الثاني  
مترتين وصحنا في اليوم الرابع عشر  
اربعة عشر مرة وفي كل سبعة ايام  
مرة واحدة لوسعة الرزق ونسيلة مؤ  
الشكر واداء الدين بحرق غير  
والبيعت من اجل الاموال فيها في ما جدد



يَا لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْتِيهِمْ  
بِأَكْرَمِ الْخُدَايَا لَكُنَّا نَعْبُدُكَ  
شَعْبِي وَتَقْضِي بِيَمَانِي فِي تَحْلِيلِ الْخَلْقِ  
يَرْحِمُكَ يَا سَيِّدِي أَلَمْ يَكُنْ لَكَ رُوحٌ  
فِي السَّمَاءِ فَأَنْزَلَهُ وَإِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ  
فَأَخْرِجْهُ وَإِنْ كَانَ فِي بَيْتٍ مَعِينٍ فَاصْرِفْهُ  
مِنْ بَيْتِهِ وَإِنْ كَانَ فِي قَلْبٍ فَاصْرِفْهُ  
فِي قَلْبِهِ فَإِنْ كَانَ فِي خِيَارٍ فَاصْرِفْهُ  
وَكُلُّهُ جَنِّي لِيُشِيرَ خَاصَّتَكَ وَإِنْ آتَاكَ  
تَكُنْ فَكَيْفَ تَكُونُ بَيْنَاتٍ وَوَحْدَانِيَّةٍ

اللَّهُمَّ افْعَلْ لِي مَا خَشَيْتُ كُونَ وَمَا نَقَصْتُ  
الْإِسْمَاعِيلِيَّةَ بِكَوْنِ الْإِسْمَاعِيلِيَّةِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
يَأْتِي فِي قَوْمٍ بَارِئًا بِأَحَدٍ بِأَحَدٍ بِأَحَدٍ  
بَارِئًا بِأَحَدٍ بِأَحَدٍ بِأَحَدٍ بِأَحَدٍ  
وَمَنْ عَلَى بَنَاتِهِمْ وَأَهْلِهِمْ وَأَهْلِهِمْ  
وَالْبَنَاتِ وَأَهْلِهِمْ وَأَهْلِهِمْ وَأَهْلِهِمْ  
أَهْلُ الْمَوْصِلِ عَلَى عِلْمِهِمْ وَأَهْلِهِمْ  
وَهُمْ وَزَيْدُكُمْ وَأَهْلُهُمْ وَأَهْلُهُمْ  
وَمَنْ خَشِيَ بِأَهْلِ الْمَرْبِ وَأَهْلِهِمْ  
وَالْبَنَاتِ وَأَهْلِهِمْ وَأَهْلِهِمْ وَأَهْلِهِمْ



احوال و قاضیت و رحال از جمله  
که قایم بصفه این عمل را بجای آورد  
و این عمل ایست که هر شب سائین  
نماز شام و عشاق بپهار و کعبه نماز  
باید کرد و در هر رکعت یک مرتبه  
بجهر بگوید **مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**  
**وَيُخْرِجْهُ مِنْهُ** یعنی جعفر بن محمد  
ابن علی سلم السلام قال من قال کل يوم  
مرة **وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**  
**الْقَابِلُ الْأَعْلَى** وَاسْتَدْبَرَ الْقَفْرَ تَابَعَ

والجحشون عن علي بن موسى الرضا عن  
ثالث عن امير المؤمنين عليه السلام  
السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه  
واله وسلم قال في كل يوم مائة مرقع  
لله المالك الحق المبين استغثت به  
واستدفع به الحق وسدعت باب الخلق  
واستخرجت به باب الجنة السوراني  
وسعت رزق هريرة وزايد عمار الخواند  
الاهم يا سيب من لا سيب له ولا سيب  
كل ذي سيب ويا سيب لا سيب من

عَلَيْهِ سَبَّحَ فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَأَتَيْنَا بِكَ عَنْ مَوَائِدِهَا  
عَنْ مَوَائِدِهَا وَبِفَضْلِكَ عَمَّرَ  
يَوْمَ الْيَوْمِ بِأَمْرِكَ جَمْعُكَ بِرَحْمَتِكَ  
أَلَّا أَحَدٌ إِلَّا بِكَ فَالْحَمْدُ لَكَ  
رَزَقَ وَأَنْفَاقَ مَوْجٍ وَدَفْعَ قَسْرِ وَادٍ  
فِيهِ لَيْسَ ثَمَرٌ إِلَّا بِكَ كَمَا فِي سَامِ جَوَادِكَ سَمِعَ  
الْأَشْرَافُ وَأَمْرُهُ أَسْتَوْفَى وَفِيهِ أَسْتَوْفَى  
أَنْ جِهَاتٍ كُنْتَ أَسْتَوْفَى وَفِيهِ أَسْتَوْفَى  
أُولَ الْعِلْمَانِ مُحَمَّدٍ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ وَبِإِزْنِكَ

بعد از هر یک از سوره ها و بعد از آنکه  
و این که در سوره ها و این که در سوره ها  
بعد از سلام از دو رکعت اول بعد از آن  
نکوبید سجده و این که در سوره ها  
الله انو احد الله احد سجده و این که در سوره ها  
الحمد سجده و این که در سوره ها  
عبد المظفر و این که در سوره ها  
یک رکعت اول از دو رکعت ثان بعد از حمد  
سوره الفاتحه و این که در سوره ها  
فاتحه و سوره و این که در سوره ها  
نور

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰



تکرار بنماید و سوره را تمام کند که آن  
برای فرستادن اجل است  
و کثره مال و مال را غریب و بیگانه  
دارد که غفلت او کفایت آن را نبرد  
اِنَّا لَکَ وَالْبَاقِیَ مِنْهُ قَوْلٌ اِلٰہِیْمُ اَرْجُوْهُ  
عزیز و کثرت دولت و ثروت است از غیر آن  
است چنانکه علمت او عاقل و دانمند و طریقی  
آن نیست که هر چه در دوار قیامت کند  
بر خیزد و وضوی کامل بگیرد و در که  
مملکت دهد و پادشاهان و و بیضه کنند با

خاطر جمع و آیه میاں کبریا و الیها  
و غیر حساب چسبند و مرتبه بخواند و چون  
تمام شود و بنویسد و یا علی و یا  
یا کبریا و یا منیم و یا امان بخواند و بگوید  
از کائنات و امر و کلین ظاهر و بچسباند  
و هر روز و هر وقت کند یا ان هر وقت چهل مرتبه  
بگوید و یا کبریا و غیر اینها و یا در شام و یا  
نقطه آخرت بر زبان آورد و مستوحی کسی نشود  
تا چهل روز و چون در روزی بعد از تمام شود  
از کبریا یا ان و یا منیم و یا امان بگوید

و شراکت مشاهده کنیدا الزام و التمس  
منه و است که هرگاه شخصی را اعتقاد بر حق  
دهد و یا حاجتی داشته باشد که از هیچ جا  
آیند و روح الهی و صفات او باشد باید  
که در آخر شب و اگر در وقت نیم شب  
باشد هر سر است بر بخیزد و وضوی کامل  
بخواند و در رکعت عمل حاجت کند و  
بعد از فراغ این نیاز هفتاد مرتبه این دعا  
بخواند اللهم یا ذی القدر یا ذا الجلال  
شود و بسیار مجرب و دعا این است

اللهم یا ذی القدر

أَجْعَلْ لَنَا ظَهْرِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
يَا أَتَمِّعْ السَّامِعِينَ بِالْأَذَى مَا لَا كَرَمَيْنِ  
يَا أَتَمِّعْ لِرَّاحِمِينَ وَلَيْسَ أَوْضَاعُ أَوْضَاعِ  
نَبِيْرَادَدَ شَتْرًا وَمَقْصُودُهُ خُودِيَالِدِ  
وَأَصْلُ الْبَرَاءَةِ نَجْمُ الْفَسْدِ كَمَا أَشَاءَ أَشَاءُ  
نَعَالِي وَهَاسِنَا الْفَامَسِ وَالْأَسْوَدِ كَرِيمِ  
سِرٌّ وَمَا لَيْسَ وَسُوءٌ وَالْأَسْوَدِ كَرِيمِ  
هَفَّتْ حَرِيْبَةُ عَنَّا أَدْنَى وَنَعْلَمُ نَعْلَمُ  
يَسُوْرُ الرِّحْمَةِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ اللَّهُ وَتَبَارَكَ  
الْعَالَمِينَ وَلَا عَوْلَ وَلَا فَوْقَ إِلَّا لِلَّهِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمُ يَا شَرِيفُ مَتَعَامِلٌ بِعَدْلٍ لَدَيْكَ  
وَأَنْتَ يَا شَدِيدُ حَاصِلٌ ثَوْدٌ وَجَمِيعُ سَائِرِ  
يَأْمُرُ أَتَمُّهُ أَتَمُّ النَّاسِ وَالْمَشُورُ أَحَبُّهُ  
مَنْ رَأَيْتَ كَيْفَ تَرْكَبُ رُؤْيَى تَنْكِشُ  
أَوْ يَتَّبِعُهَا تَرَامِدًا وَتَسْتَعْمِلُ حُرِيكَ  
أَوْ يَنْتَهِكَ كَارِهُهُ وَوَدَّ هُزْأُوهُ وَفَعْدُ  
تَرْكَبُ كَدْرُؤِي أَنْ تَنْفَتَّ رَوْسَعَتُ  
وَيُؤَدُّ كَرَمُ دَكْرٍ أَنْ يَضْبُطُ كَرَمُ أَنْ عَاجِزٍ  
لَدَيْكُمْ أَلَا تَنْهَضُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
يَكْتَسِبُونَ رِثَايَهُ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ فَإِنَّ الْإِسْلَامَ

والأكرام شجرة بأفانها في الحجازية حمار  
شجرة بأكرام الرمان في بيت شجرة  
أقوام جنة لا إلا الله الملائكة  
المباركة في الجنة مملوكة  
ببريا في بعد از همدان فحين بأكرام  
طول عمره في قطع من قطعات ونوع  
منه ان كانت ايضا كفن بالحق بالقوة  
بجنته في سائر انور عظيم دار منور  
أولاً الحمد لله عباس بن علي الميرزا  
گوید که جمیع این خیمها و اورد از کتب

حقیقت محترمه انطباق مکتبه مجریه المصداق  
اشرف که در کتب قدس است و در این امر نیز  
خود را و اولاد محترمه که مداومت کرده  
بر این حق و قائم باشد از اینک است و در  
شدن انداز برای حصول مهمات عظیمه  
و بر آمدن مقاصد کلیه و شفای امراض  
و احاطی بر روح و عین و از هر امر  
محال محترمه و اگر وقت به وقت بگذرد  
و بکسر تواند بود و اندک باشد هم  
شود و محترمه است و اگر شود و اندک باشد

صفت او بدین است دوستش را از کینه از او بگذرد  
نه از او در آن محبت پدید آید و نه بد او  
استیلاست بظهور و سر آمدن بحقیق  
الحق مقرر انداد شاه نو کشف التورق  
یحاک که از کفایت ارض و بند و جمع  
شعشعین بطور است که از حبه بنما  
کل و خوب سازد و لاطین و ریش مجلس  
این الیراده و هزار مرتبه بخواند که در آن  
صفت از خودش سرورند و ما چایست و بر  
بی ادبانه انحرش و است از اکثری از ثقیلا



وعدول صومع سنگ خسته مر بوزان و مجید  
المضطر را داد غناه و کشف السوء است  
و بیدار که خفا را اندازد انشا الزمان هم  
عجریب و معظه ختم سون مبارک که ختم  
اوست بر تمام حوض صادق علیه السلام  
که هر که سوره مبارکه حشر را از برای او بخواند  
و بر آید حاجات او و مناسبات او و عظم  
جهل او و فقر او و زیادت مرتهب او و غفلت  
که او را خدایا نکند بر می آید و آن امر را  
سراخام می آید و کارهای او سرانجام

می‌باید و کارهای او را واج می‌کردند و  
اگر بکثر از ثبوت شود از سر شروع کند  
و این ختم را اکثری از مجتهدان بشمارده‌اند  
از پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت که  
فرموده و در حشر انجوا اندکته مستقدم و  
و متاخر او امر زین شود و عرش و کعبه  
و بهشت و دوزخ و اسماء و زمین و آسمان  
شماره این می‌کشند و همه او استغفار  
می‌نمایند و شهیدان دنیا می‌روند و پیغمبر  
با امیرالمؤمنین علیه السلام و وصیت فرمودند

کرد تا علی مرتضیٰ سون حشر را بخواند تا اثر  
 دنیا را غریب از خود دفع شود و بیضا در آید  
 امید که هر که سون حشر را تا چهل روز  
 بقا بخواند مستجاب الدعوات گردد  
 و همه مآلها بر او وفق مراد باشد و اگر  
 از علماء و مشایخ دین فرموده اند که این  
 از جمله مجرب است و از حضرت پیغمبر  
 صلی الله علیه و آله ایضا روایت  
 که آنحضرت فرمودند که من از هر شیئی  
 از اسم اعظم خداوند و اگر در هر حال

حضرت باخر موزه الحشر فاکثر فرشته  
همین جواب را دادند و از بعضی بنیاد  
بروینت که بنیاد تحت رفته بودند که  
هر که در صیاح به بار بگوید عود  
باشد النبی اعلم من المتجانس الهم  
و سه بار از آن از موزه حشر بخوان  
حوتیقا به هفتاد هزار فرشته  
او متوکل گردانند تا او را از جمیع آفات  
نگاه دارند و صلوات بر او میفرستند  
تا شب و اگر در آن روز بمیرد شهید است

باشند و نذر و نیت است جمیع مؤمنان  
و مؤمنات شفیع او باشند و هم جمیع  
استیفا کرده و شب بخوابند و در اخبار  
و روایست که چهار بار از این دعا  
هر روز ده بار و ده بار است که اگر  
تا از خون ایامت و امیران بخوابند  
همه دفعه هوا و نعمت و رفیع در جمیع  
و سلام بخوانند و مالک الا و کل  
عَلَى اللَّهِ وَكَذَلِكَ سَيَكُونُ  
عَلَى مَا أَذْبَحُوا عَلَى اللَّهِ فَلْيُكَلِّمُوا

الحادی عبدل زینبہ تاریخ عقیدہ  
روز دوازده روز اول شب بخواند  
و اینها را عشر شب اولیان الحاکم  
السلوی یقول استخوانی و الله اعلم  
و اشهد ان محمداً رسول الله الثاني  
از حضرت امام یحیی علیه السلام  
که هرگاه از چیزی ترسید صد مرتبه  
بخوان یا کلمه الله اذ نع محمدی السلام  
سویبت که خداوند بخالتی امیر اندیش  
سلامت است و این هم از حضرت صدیق

منقول است که در روز طه اسد  
هفت سائوت بگویند بسم الله الرحمن الرحيم  
یا محمد صلوات الله علیه  
الرابع عشر دعوت منقول است از  
امیر المؤمنین علیه السلام رحمه الله  
در مسجد اعظم بعبودیت حق تعالی  
الاستبأ کلها اعبد نفسی وکلها  
والارض و اعبد نفسی من لا یختر  
منع الله منی من لا یختر  
والله اعلم بالصواب

از حضرت عیسی و امام علی و حضرت صادق و غیره  
منقول است که هر کس بیرون رود چنان  
بهر کفایت و ممانعت و غیره از غوغای  
مخالفات و کفایت خود و بعضی  
مشایخ منقول است که اگر کسی بیرون  
بیرون رود و از این بیرون رود و  
باز در دو دفتر حلقه با دست خود  
در میان او و در دست او و در دست  
خود هر کس بیرون رود و از این  
و کار خیر و خیر از این و کار



بعد از آنکه من از انکار و ستم و استیلا که هم  
اوست سلطان جبار و از ظالم جابر و از افسار  
و بکوت و فتنه داشت باشد از دست بر می آید  
یا مالک بود از این انکه عبد و از انکه  
خاکش و از سلطان با انکه جبار از انکه  
و بعد از این که من بوی که ستم و استیلا  
اگر چه طبع الطریق نیست و استیلا  
وی بکوت و فتنه و از انکه ستم و استیلا  
از انکه ستم و استیلا و از انکه ستم و استیلا  
و فرمود که این معنی دیگر است و من استیلا

و در وقت پختن نان در هر شهر  
کافی انگیزه را که در دولت شاه  
میران در این زمانه است یک کاروان  
در حفظ می کنند و در این شهر و قریه  
و در کشتی و در مین و در این شهر  
میدانها که تا سه عشر هزاره بود  
بعد از این که تمام سال تمام  
نایب و اعیان این و در وقتین و این  
هر یک هفتاد بار حق و عاقلان و این  
و در این شهر و در این شهر و در این

و اما از خود نگاه دار و تا جمع برسد بگو  
التاسع والعشرون و در بعضی از کتب مشهور  
شماره و سی و شش است و شصت و چهار نوشته اند  
چون اندک موزه قیام و بعد در موزه دیگر  
این موزه و آنست و دیگران عیادت و مومن  
و بعد هلاله و آنست و هر که بدست خط می  
گرفتار شود و قفس از باران آید و بیت و خطبه  
حالا من شود و مجید و دست خط و آنست  
انا القهار فاحملین محمد و از برای تغییر  
اعداد از برای دیون و استشفای مریضی

[illegible]

صادق و صمد و دل و شکر مطهر باشند  
اگر حاجت او روا شود و در دنیا  
با من مرا عیب کند و در مورد که خصوصاً  
از برای شفا یافتن بیمار از آن است  
مطهری بیمار و فرزند بیمار خواهند بود  
خالتکه در مسجد باشد از جمله حجرات  
مکراتکه اهل سرریض می باشند و دعا  
این است لا اله الا الله یغفر الذنوب و یغفر  
لا اله الا الله ینجی برحمتک در کلام  
اگر خلاق و معطر است که بعضی آن

خبر و کتاب و کتاب عالم بهر چه در  
علیه السلام از ایشان یا بعضی  
شربت یا بعضی سحر و جادو که این  
من بگو ای ایمنه ایمنه ایمنه  
بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
عبدت ایمنه ایمنه ایمنه ایمنه  
کرد و داد و داد و داد و داد  
سیدان و سوز و سوز است که در او است  
ایستاد و کرد و شد و شد و شد  
ایم و شان و شان و شان و شان

باسم پدرم گذشت انصافم لا اله الا الله  
که در اول باب میگویم که شایسته انوار حق  
محض باشد حق عاقل است که در اول باب  
است و حق که شایسته انوار حق عاقل است  
علیه السلام که است که هر که در حق  
است و بار بر حق است و حق است که  
را می دانیم و است که هر که است که  
هر که است که با حق است و حق است  
در حق است و حق است که هر که است  
این است که هر که است و حق است

عطا است از همه کوفته است و گفتند  
آن امام را حد موجب توبه نیست  
و یاقین خود و فرزندان را بستانند  
بند لایق و دامگری است که هر  
بذر دی بستانند که املا از معالجه  
لوحی اعتراف کردند و و یک کتاب از  
کتاب علما را گفتند و در اول صفر  
برای حد نهادند که حضرت عیسی  
علیه السلام بود که در آن وقت  
با حد بستانند و نماز صبح و عصر این دعا



صد است کرد سلطان تخت و بعد از آن  
همه دیبا و لوازم دعا بقتل کرده و این  
ادریس رحمة الله در کتاب سر سبز  
صیاد و علیه السلام روایت کرده است  
که هر که هر روز این دعا را سی مرتبه بخواند  
حق تعالی آن فرد و منافع بلا را از او دفع  
کند که کمتر از هاشم باشد و شیخ طوسی  
رحمة الله گفته است که در تعقیب جمع  
بسی مرتبه این دعا را بخواند و دعا بر او  
شیخ و این ادریس اینست که بسم الله الرحمن الرحیم

ارجم محمد بن رجب العالمین و مبارک  
 الله احسن الخایرین لاحسن العباد  
 لا اله الا الله العلی اعظم و عروایت کفر  
 بعد از سجده محمد بن رجب تعالی  
 حسبنا الله و نعم الوکیل الحمد شاق  
 هر دو و جو مبارک است ایضا در مبارک و الا  
 مصطفی و است که از حسن به حال دعوت  
 که در وقت مرگ و بعد از سجده در آمد  
 درین سند و من چهار صد هزار و یکصد  
 بود و در حق و امان حال عید است

وفاقد رینودم که شد حاضر رسد میرزا  
دوم و احوال خود عرض نمایم پس کتابی  
نوشته بود آن در هفت حال خود بود  
که مرا در غیر سبب است و ما را به دست  
حوائب نوشته که بگوید در عتبه  
نمازی سمریه اللهم انی استغفرک بالاله  
الا انت حی و القادر و الشان غفر  
بلا اله الا انت اللهم انی استغفرک بالاله  
الا انت حی و القادر و الشان غفر  
بلا اله الا انت اللهم انی استغفرک بالاله

مجلس  
مجلس

## سبحة اقد الجمل

الذي يرب الناس في حق اهل ما المصطفى في علمها الغالب والاف  
في الله ان اسم الله تعالى الذي لا يعلم على الاوجه هذا اسم الجلال وهو  
سلطان الاسماء ومعدن الاثر في كل ما راى بقاينه وهو  
اسم الغات وابو ترغنا في التسمية على الخفية لم تدر اسم الله  
ولكن المخلص من هذا الترويض والى هو لبيان التسميات  
الاعوان الخاصة في كل اسم وفي كل مطلب فاقول وبالله  
استغنى ومن جبر على الخلق الله هذا الذي التسميات  
اهل الفايقة التي باقية من علم على هذا الاسم الشريف لبيان  
تسميته ومغنيته وتبعا عن مستخدم لاطهاره في العالمات  
كثيرة من انواع الجود وسر من بعض عبيد الله الشقي لربنا  
الملكوت والخلق على اسم الله في كل اسم التسميات  
التفصيل عن ما فيها من صحتها في التسميات من ذلك  
هذا الاسم العبد الواقع عليه في عالمه راى كثير وكثير من  
الطلاب

الطالب والمدرسين والعلماء والفقهاء والزعماء ثم يتوجهون  
إلى أبنائهم واستأذنوا من هذه المقامات كما كان يخرج عشرون  
مليون قافهم وتبعهم في الأسماء إلى الحسين الأحم  
من ذلك العدد ما كان عليه بلوا في كل وقتا جندوا  
سبعة من يوم الاثنين ثم يتوجهوا إلى المقامات  
ويعتدوا واحد بعد واحد في كل يوم من هذه المقامات  
ويعتدوا على كل اسم من هذه المقامات جميع المقامات  
على مدة من أربعين يوم وهو في كل يوم ما كان  
أمره في كل يوم من هذه المقامات  
التي هي من يوم على هذا الاسم المصطفى في كل  
في كل يوم من هذه المقامات  
عليه ولا يفتقر إلى من غيره ولا عليه الله على كل  
ومما يلزم من هذا ما يلزم الكافي في كل يوم  
عن أبي الحسن وهو في كل يوم من أهل البيت الذي

التمام هو ذكرا والاولا من اهل الدائرة من ذواتهم على هذا  
 التام من كل صفة مكتوبة في اول وقتها من وقتها  
 بالعدد الواقع عليه اذ الله تعالى باجابه التمام في كل صفة  
 وما ذكر في الاصل انهم تلتزمون وجلا على عدد  
 ايام الشرايع فيهم فقامهم فهو لا المقوم بهم تنزل  
 الرحمة والرحمة بهم وبالنسبة على الله عليهم والرحمة  
 الاوتار والرحمة مستقره على المعاصي المستقر من  
 وقته في طالع الميزان والقرقبات في برج شمس العدة  
 الواقع عليه في بطا قمر طوا هذا وقتها بقدر العدد ثم  
 يخرج ما يستلزم بعض من اليس ثوبه وهو لا يعلم بهذه  
 البطاقة حسب الايس وهو يصلح للافتقار من الزواجر  
 المصالح من مداوم على هذا التمام العدد الواقع عليه  
 بعد صلاة العشاء ودام عليه من وقت الغفران ثوبه كلما تفرغ  
 الكون قبل وهو من تمام الميزان من دامت على هذا التمام

[illegible]





عليه من الاعوام القادد وهو ذكر الاربعة المرات  
من اهل الدارين من داوم عليه في كل صلاة وطهارة فاستمر  
في علومه وعبادته عبيدته اطعم الله على امره القدر  
الساو في كل موجود واكشف لهم عن سر الوحدة بينه وبين  
الوجود من حيث اطلاعه العيني وهو ذكر الامور  
من اهل الدارين الرحمانية من داوم عليه عدده من انواع  
كشف الله له في الظاهر والباطن عن الاسرار والحقائق  
الغيبية من داوم عليه بركا صلاة مفسر بركة من اشهر  
عدده فتح الله له في ذلك العلم ما يشاء من انوار من  
داوم عليه عدده من عند النوم غير ان الله الحكيم في ربه  
الذي هو ذكر السباح التسبيح من اهل الدارين من  
داوم عليه عدده بركا صلاة مكتوبة صلاة من اشهر اطلعه  
على سر اهل الحضرة الصمدانية التي انجز الوصفون عن  
تعيينها وعبادتها وفي هذا الاسم سر الوحدة بينه

2001.01

امام الكوفة وهو قطب الذي تده عليه الدائرة السبعة  
او ياربها وكلما يصدر في الكون في العالم العلوي والسفلي يجري  
بامر واداته اذ امره واداته منسقة فان باسم الله الفاعل  
في الاشياء التي يقول الشيء ان فما يكون وسعد الاسم ينطقون  
اهل العناية السمانية ويسمونه الشيء ان فما يكون كما هو ملكو  
هنا النبوة ما اقيمهم وشيرون في احواصهم فان غلب ان يكون  
اميرهم او رئيسهم فيكون ذلك الامير من كبريت شمس  
التي لا بد منها لياسر الخلافة واسم الخلافة ان لا يكون ذا كبريت  
الدهر ويسمونه صدام سبطنا محمد بن عبد الله عليه السلام ولا ينال  
الشيء غلبته وحرما التقصير من غير جليله ولا يدخل عليه اذنا  
اخرى ان الله اعلم على رسول الله صلى الله عليه واله وسلم ولا يكسر  
من جملة الناس فان قام هذه الاشواط وصل اليها ذكر من  
الشيء من داوم عليه من كل صفة لا تكونه بعد من  
من الامم وطعن عن الله ما اظهره ان يتقدمه فانه يا خدا

بأنه تارة ينفخهم الشهبان في شدة زوال الحياة والسيوف من أهل  
الدارين أو يائس من مداوم عليه وكل صلاة مانع من ذلك ما يحسن  
شاهد ما يقع في العالم السفلي والعلوي على سائر الأرواح من العلم  
المستبطن في ذلك الفناء بقاء النداء ويخرج بعضي أن ثمرة ذلك  
المركب للكيميا الحاصل في الصناعة على أي معدن أحب كالزئبق من  
النجاسات الخبيثة فإن الأكسجين يخرج من الأجساد العنيفة يخرجها  
ظواهرها طبا وقدرات كثير من أفعالها من الأفعال الطبيعية  
والطرق الكائنات صنعوا أكسجيناً كما وصفوه أو جبروا في الحكمة  
فرموا به أكسجيناً في الهواء في الزمان فاستطاعوا من أيديهم أن  
الأرض وبذلك فجمع من البرق الخاطئة في ربي الحن بشيئ يشبه  
الأكسجين المصنوع على المنادون فلم يبلغ الإنسان المقدور للحكمة  
ورأيه ويظن أن الحكمة ليست لها حقيقة وهو الذي ينبغي لها شدة  
به عبادهم ذات العباد التي فيها أنزل أرواح الشهداء على  
والجبر المأثور من المنة معين أنه جمع من الدنيا لا ثباتاً إلا

حكيم منهم من يرى بدهم <sup>س</sup> الله فقل من الرجا من النجا  
فيصلي ابنوا و منهم من يرى على اقل او اكثر من فعل ما قد  
بهذا الاسم كان له الاكبر الثابت لا الناقص فانه يبلغ الى  
شدة العبد من سائر عبيده مدة من ايام وهذا  
كان قبل العمل في تير صالحين قولها يجمع الى النجا و بقاء  
فانهم المزاوي من داوم عليه عدة من ايام حتى  
ر الى الموات و بهذا الاسم تحيل و خليم من الودانية  
التي و في شدة العمل ان تقراء كل يوم سبعة الاف مرة  
ظهاون كاملة و يخرج كل يوم مائة بالبيان المذكور و تقرا هذا  
الاسم المخصوص به مائة من كل يوم و قدوم على هذا العمل  
من الشدة فان الخديم من الروحانية يقف عندك فقرأه عيا  
على الكثرة و اعطيه ان يعطيه خاتما من قضاة  
بدهم مكث و هذا اسم العبد المسمى فانه يعطيه لان  
عليك حارة و في ذلك التسمية اجعل الخاتم في يدك اليمنى

فلما خرجها من فرمها اوردت الشيفر خاق حول الحاتم باعصبك  
 ودقدها فان ١٥ من نفعك لك في اسرع وقت وكذلك اذا  
 اوردت جلب طعام او شراب اوردنا في اوردناهم او غيرهم  
 او مثل ذلك في عشوم قاتلهم في الاحابة ساوية اليك كالحج  
 البصر القسم هو هذا القام ان اسئلها الهداية وبدا  
 الاثموتيه والفا والاعدائية ان تستولي من بائيل الملائكة  
 الروحانيه اسئلها الملائكة الروحانيه واسئلها عن الملائكة  
 وبالملائكة الذين يدورون حول البيت اهلهم وبهم والهيمن  
 وذكرهم من حيث التجلي هرون من حيث الارضها وبالهنر الذي  
 دورن الحاو بغيرهم في العالم العارم في اسفل من الروحانيه  
 الفرس مثل الكورة وما فيها وما بينها قد انعمها الملائكة في فيه  
 وهو مستطاع ان الملك الحادي وبلاسه في اسفل من حيث  
 وبالحر في القوم هذا ان وبانجو العذبة والملك التي تجري  
 الا ما اجتني ايتها الروحانيه وما في القام اهل كالحج  
 البصر

البصر وهو اقرب ان الله على كل شيء قدير اقلوا ما توفى  
 وانه وفق جدول يحتاج ان يركب صاحب الاسمي <sup>سبعه</sup> اسما عشر  
 ثم يحلله معرقا ثم يبيع به ما يريد ما ذكرنا ولهذا الجدول  
 نصير يا خرم ذلك من اجل هذا الوفق مع ذكر كونه <sup>الشمس</sup>  
 في كل حارة مرة واحدة وعند طلوع الشمس <sup>في الاسماء</sup>  
 ما تدر مرة كل يوم ثم عليه صلاة من السواح حتى يرى من شمس  
 الخلق له وتيسر الرزق ما لا يكاد يحسم والمدة منه عامان  
 وهذا الاسم مع هذا الفوق هو اسم القوي به <sup>الشمس</sup>  
 لما كان في الجدول هذا

ا	ب	هـ	ا	ع
ب	ا	ط	ك	ا
هـ	ط	ا	ط	هـ
ا	ك	ط	ك	ب
ع	ا	هـ	ب	ا



الحقيقة خديم هذا الاسم من الروحانية شملها مثل نوح داود  
عليه عشرة الاف مرة كل يوم ويكون بناء النداء وهو على طهارة  
كامله وخلوه من كل شيء ويجبر بما امكنه من التجرد منه ويكون لبا  
على الدوام ايضا لا يخلو من كل شيء من غير ان يكون له الحسنة  
وتحبه ويجبر بلبان الذكوة في كل يوم بمصر في فعل ما وصفت  
له بعد استمر عن سلطان الروحانية وهو راكب على ركة شجرة  
وبعد حرقه بها نواذ ايضا وفيه قوة خفية مكنية فيهم  
الاسم فانه لم يعلين ايها الانسان وقد عليه ثم ان تخرجك  
النواذ فتشرف فيه بصرك ثم تقرأ ذلك الاسم وتعيد ذلك المذموم  
فرايت ذلك الاسم على طعام او شراب او دواء او رداء  
او دجاجة فانه يحضر بين يديك وكثرة تبارك في احضان  
ما شئت من الذهب والفضة فافهم ان شاء الله تعالى  
يخبر عن الروحانية كس غياثه وهو روحاني القدر العبد  
ولهذا الاسم قسم مخصوص به ووفق له رقة وكيفيته العمل  
به ان يقول

به ان تقرأه كل يوم خمسين مرة من بحضرة تير و طهاره كامله  
 من صوم و شهر مدته من اشهر و تفرغ كل ليلة بمعه بنى و طيب  
 و عطر الا هليلج الكا بلى فان الخدم من التوجه انير انكسرتك  
 على صورة اسد اعظم فلا تخف منه فانه جليل و لسان<sup>فخيه</sup>  
 بلغك فاشترط عليهم هلاك الظلم و الجور و انما<sup>الظلم</sup>  
 رقت الظالم و ما شئت من اعدائك و لستيت شمل<sup>الظلم</sup>  
 اريدت كانه يعطيك قضيا في جعل ذلك القصيد على صفتك  
 مما بليت في مكان فانما رقت هذا القصيد القصيد  
 ما رقت امانك و قل جسر و اخمارا هلاك الخان فانه يكون  
 ذلك في الحين و هذه صورة الحاتم بحمله مع من خدمه<sup>الظلم</sup>

والقسم هو هذا

الهى اولدنى بدقاني  
 اسماء القوار و لغير  
 قوافي القهر و بالغم

١٠٠	٥	١	٢٠٠
٢٠٠	١٠٠	٥	١
١	٢٠	١٠٠	٥
٥	١	٢٠٠	١٠٠

الشيخ هان خلدوم تقي الله سليمان بن داود عليه السلام <sup>عليه</sup> بطا  
وخدمه في اظهر وما اوردعت في طلع زال اليباط من نقوش اسرار  
اسماءك احيا فيها الملك كسفيا فيل وامرط امتداد من <sup>لحي</sup>  
والعشارية، فعلموا ما توارون لجيبها اليها الخزام تحت  
اسم الله القهار وبقايا القدوة وهاء السجدة، والف  
الوحدا غيرة ودار الى بوبية اسفلك ما فيها ايهو يا اوليا  
وزاق ان تمدد في سيف اهل الخفر من عبادك الصالحين  
الحسبي يحكم من الوحيات عطيا فيل وديعنا فيل  
في اراد الاطلاع على الزمان والكنوز ما يقع في اسنير  
من الخير والنشر واخبار الارض والجهات السابعة فليعلم  
هذا الاسم العظيم وهو ان يذكرك في كل يوم تسعة وتسعين  
في خلوة كاملة وطهارة قاهرة واخذ من عبوديتك و  
يقين من الرب والارواح مئة من الشجر يخرج كل  
ليلة الاثنين بالامكنة من النور واليب فبذلك الحمد

ويعرفها ايضا تحت به اشجار من زمرد الخضر فليعلم بان  
الحديد من حيطان عند وفي ذلك اليوم ثم يذهب عن عينه ذلك  
النهر واشجاره ويظهر الحديد بان قديما ان عليه ايتها  
الانسان فرح عليها السلام فانها يقول ان لك ايتها النقا  
عاطلة فقل لها اريد ان تخرجي بكل ما اراد ان يقع  
وما وقع من الانباء فيقول ان لك نعم فتعد ذلك ما اردت  
خير من الاخبار الدينية والكشاف امر فادخل اسمك  
في ثوبك وادع باسمها فانها ايرفعان عند الحجاب فتدعى  
الماله كما كانت في العالم المحيى فيخلص من الروحانية  
درج يائيل وهو الحاكم على سبعين الف جليل من الوجوه  
وله طاعة على العنارات الهاديين من القمام السليمة  
مانا حي الله اعد بهذا الاسم في اثناء الدليل والاطراف  
النهار والاراي من صنع تعالى به عاينها في اللسان  
عن وصفه وكيفيته العمل بخير هذه الاسماء

تذكر ما أتوا به الحقيقه وان يدلين الوضوح من الشياخ  
ليخرج في ذكر الاسم ليلادونها واد يتجر بما امكنه من اللان  
الذكر ولا ياكل الا طيبا ويكثر من الصيام وعند ذلك  
ليطع على المربع بعد ان يلبس ماء ورد ووعتران في  
كفه اسوي من سكره من اشهر فيظهر له حيز من الجن  
المؤمنين وسعته ثم يديهم على راسه ثعبان فيسلم  
عليك ايها الانسان فلا تخشاه فانه حين يكشف  
عن قناع العقل ثم يذهب عنك ويظهر لك نبش  
الروحانيه قد عم الارقاق والحقوى الطبايق وغمم  
ما لكم بالروحانيه درديا يثلر الباع على ناقة سحره  
وباسمه احضر فينصب لك سبي من ذهب فيجيبك  
عليه ثم ليسلم عليك فرد عليه السلام فيقول لك  
حاجتك فقال له اريد ان تخلدني في طي الارض  
الظلمه ان في الحسنى والمشيع على الماء وحب الطعمه

وأشرب، وجلب اللبان واللبان فانه يطيبك بغير فناء  
 فترى الخالق جفرت يديك وقضيت بقلبك وضممت اليك

الملوك	١	٢	٣	٤
هنا	١٠	١	٢	٣
الذي	١٠	١	٢	٣
السموات	١٠	١	٢	٣
لبنان	١٠	١	٢	٣

عناك النوم وكيفية السلوك هذا الاسم الى ان تطيع الآقا  
 ذاك ان يكون دائما على طهارة كاهنة متقاربة مع الرجا  
 والتوكل وان لا يتحد مع غيره من رباح الطبيعة مثل اللبان والفسطاط  
 وشبهها ويشع في ذكر الاسم في خلقه بعينه عما انزل ربه  
 كثير بعد ان يكتب حزنه في كل حصة من المشرق من حزنه وحبها  
 ومنه من في كل حصة وهو نيطر اليه نيطر اليه والجلال والكرام  
 في كل حصة من عالمه لوقه ما يتغير فيه فانهم وهما في كل حصة

فانه قد علمت الصيغة المكتوبة فيها الربيع وتقبلها بفهم ثم تقول  
 اللهم يا عبد الله اذا هو خلد اسم القديس ما الذي تريد بخلد صر هذا  
 الاسم الى عظم فعل الجماعة في وصية الرومانية المؤكدة لهذا  
 الاسم فانه يقول لا شئ في حاجته بل انهم فعل لم يحضر في معنى ذلك  
 ان يدعى ويحاسب الى المخلوق من كل نوع عيسى ويزور الى العسا  
 ويخبر في كل ما اريد ويخبر في كل ما اراد المصاين ويخبر في كل  
 الدنيا ويخبر في كل ما اراد فقال فانه يعطيه قضيبا ابيض بعد  
 ان يشترطه وورده في القضيبي لا يعرف احد من ابي شجرة  
 ثمرتها هو من اشجار الصندل الثابت بوادي سمك النديب فاما  
 قرأت الاسم وذكر اسم روجا من دلهما فيلوا شرت  
 بالقضيبي الحاجة فخر في يدك وهذا الربيع

في هذا الاسم اشرف  
 من الرومانية في شرف  
 وهذا الاسم اشرف

١٠٠	١٠	٤	١٠٠
٧	٣٩	٩	١٠٠
٣١	٢٤	١٢	١٠٣
١١	١٠٣	٢٤	١٠٣

له شيء الحفظ وحده من حجب صاحبه عن الابصار وكيفيته المبره  
ان يكون في خلقه بعيد من النار ولا ياكلها منه رجع ولا ما  
يخرج من ذى رجع ولا ينام ولا يغيره ولا يغيره ولا يغيره  
ونهاذا امر غير فترة فاذا تم اربعين يوما ينقش المربع المثلوق في  
داخله غير الداخل والكتب اسم الحفظ في محله من الشمس  
لياطمحه الحسنة وغيره يخرجها بالبيان ويؤيد في قرآنك  
الى اليوم السابع وهو اليوم السابع والاربعون فانه يظهر له  
شخص طويل القامة ابيض وجهه فديع له كل ما كانوع  
انما صمد فليس عليه من ذلك باحادي في الله ما ذا قربا  
وذ عليه السلام وكل له اربعة الطائفة التي شرار اساءات من يستر  
عليك شروها ولا تفعل تلك الطائفة محادها في الله فان  
فعلت تحب من تلك التي في بركت فاذا اعطاه الله في هذه امرة  
تجها جعلت تلك الطائفة على اسلك فانك تحب من اعين القاس  
وعلى كل ذى رجع ولا تتبع الاذن شيئا على وجه الارض



فاحمد الله تعالى على ما اهدى وصوت المربع هذا التلخيص

ع	ف	ي	ق	يذكر الله عز وجل عند الشكر
١١	٨٩٩	٩	٧٩	يجمع الله العزيم وكذلك
٨٩٨	٨	٨٢	١٠	المسيون يذكره انفسهم
٨١	١١	٨٩	٩	دبر كل صلاة ثم يقول عند

النوم بيا الله والحمد لله على ما اهدى اذ عتد اخره من  
 يغلب عليه النعم فانما انقبة من عني ذكره من غير علة فانه يخاص  
 من سبحانه في اقرب الله وتطيطنا لله به وان كان قلبه عجب  
 القتل فانه لصبح يوم كنز عن الامم المباركة السلام يذكره  
 امره لسان عند البلاء في القليل من الامم انما بواجته الفخرة  
 فاذها لطف من الله لا يتولد منها الا النجاة ومن ذكره كل ليلة  
 عظمه اشد من علة من الامم فانما احواله تنقلب من المحنة  
 الى الطاعة الحمد لله يذكره كل يوم وكل ليلة سبعة اضع من  
 حله من الامم شهر رآه يتقلب من الامم الى الامم على وتنبه  
 الله

ان دنیا بجنایا فرما غم الدین چہ کہ در کتب انفا و العبد  
الواقع علیہ مدۃ من اشد مرزا داوود علیہ السلام علی ہذا الصفۃ الذی المداۃ  
ازاد حفظا و مرہا کہ اعلم یا عس و ان زاد حق بل ستر و کان  
مذکورہ کلا لیلۃ العبد الذی واقع علی مؤثرہم مقربا فی الاصل السبعہ  
بعنا لہ الیم من یعلی یا فی ضمیر القلوب ہو هذا الذی یصلح لہ  
الکاشف من اولیاء اللہ علی الارض و فیہ جعل ذکی ان  
کثرت علیا لا و دار لیلۃ فی ہاذا من غیر فرق و کلا و لیسۃ  
طعامہ لال مدۃ من اعوام حتی یموت و انما یف یقول نعم الود  
انرا و امب فینذ ینقدم فی ذلک الذی حق و یضرب احقر  
ذی الخجل لہ ینقدم الیم الا کو ان قابلہ بلسان اللہ ان یخبر الیم  
عند امینۃ فخر بیا ساترہ بجمیع الافعال الیم یصلح لہ  
مرہا آو و عاتق و عاتق و انزل و کفیلہ الذی یف ان یکرہ الیم  
نہ غلوۃ بعدہ من العمار و الیم و ان یشرط الیم ان یکرہ  
یا خیر و اقبر و مرہا الیم الخیر من ذریم و مرہا الخیر

عليه السلام  
فليس في بين عيشه نوراً قد تم الا اذا قد علم به التذليل  
وقد نزل في تلك الساعة ثم يذهب ذلك النور عنه وينزل الروح  
في جيش عظيم لباسهم جميعاً اخضر والورعاني علي راسه تاج  
فيه يا قوسه مراد في سلم عليات اجها الانسان فو يدورهم السلام  
ولكن هذه البشارة تحضر بعد اوانه لا في اسم من هذا البلاء  
قال الوصاني يرد عليك السلام ويقول لك ما طهرتك  
تقول ان تعطيني خاتم التي كانت عندك فليشرها عليك  
شروطاً وديلتك الخاتم فحانه وجرها اريد ان يتخذ  
بين يديكم مرقمات الخاتم ثم في اصبعك ووجهها حول النار  
فان المخلوق يحضر بين يديك عاجلاً اليك في يخلعه  
من الوصانيه طعشاً ينزل وكميته السالون الى منازل الملوك  
لهذا الاسم ان يكون الانسان خضوعاً وصبراً واليسر الشيا  
الرفيعه ولا يفرق المسك الاذ فرحوا بالملك المملوك  
الشهر ويحمله معه ويذكر الاسم بالالف نلام حشر البقا  
كالبية

[illegible]

من امر نبيك ولحقك ويعلم ذكرك بين الناس ويكفي المشتغل <sup>هنا</sup>  
الاسم المجد الجليل خوف الناس وهم الرزق اللذان فيها مضرة ابن  
الشكر ربه كل يوم القامة مدة من اشهر فان الارزاق تنكث  
على ذاكره وتستهزله الخلق وتوبخهم من كل علة ونفخ كل <sup>مطلب</sup>  
الغصية ويدكون كل علة مكتوبة ويترك اكل ما فيه الشبهة  
ويلبس القبيح الحلال ويديم على هذا الذكوة كثيرة فانك ترى  
اثر المغفرة في احوالك وتشاهد الاسرار البانية والادراج <sup>التي</sup>  
يخالجوك فتسألهم عما شئت فانهم يجيبونك بكل اتوبوا القاص  
هو ذكرك اهل القيص من اهل الدارين يذكرك كل يوم عشر اوقات  
مرة وكل ليلة مثل ذلك ولا ياكل ذارح ولا ماضع من ذي رقع  
يلوم على هذا العمل عامين فان الله يرفع له الحجاب عن اهل الدار  
الوبانية فيجيبهم ملك له كوسى منصوب فيه مقام اهل القيص من  
جلس على الملك كوسى ولو لمحة البصر ظهر لك عليه انار القيص حة  
انه ونظر الى طائر في جواركهاء فظرة غضب خرمقيا وان رفع <sup>احد</sup>

صورة في قصته هلك ولا تكلم على جبل لا تعلق او على ميتة  
كما يروي الشيخ عبد القادر الجيلاني الحسني <sup>عليه السلام</sup> هو  
البسط من اصل الازفة الرحمانية فيذكر كل يوم ثلثين الف مرة وكل  
ليلة كذلك ويحتجب كل ما فيه روع وما يخرج منها لان ذلك <sup>هو</sup> شوق  
من حجاب الروح من عوالم الكسفة <sup>التي</sup> يبلغ روع على ذلك  
من حجاب الروح <sup>التي</sup> لان احسانا الى الله او مهاباة  
تلا المدة والاولى ذبابة المصيبة ويرفع له <sup>في</sup> بعض الدنيا  
الربانية في شدة على صغرها وتنظر بعين رحالها ثم بعد ذلك  
يرفع له الحجاب عن الدائمة الرحمانية فيشرف على رحالها  
يتلذذ بتعظيمها ثم بعد ذلك يبلغ مقام البسط الذي من  
دخله بسبط الله عليه طاقا لسطا <sup>الذي</sup> من الله او الربانية  
ولا يمكن التبرجج باهيتها <sup>التي</sup> هو <sup>هو</sup> <sup>هو</sup>  
من داوم على قراءة كل يوم عشرة الاف مرة وكل ليلة  
تكتبه <sup>في</sup> عن سنن <sup>التي</sup> ليا والاعيان فيصير من ارباب هذا

الثامن **الخت** هذا الاسم المبارك يذكره الانسان في كل يوم وليلة  
عشرين الف مرة يستعين على هذا العمل اربعين جمعة ولا يتوك واحدة منهم  
كان الاوم بعينه الله بكثرة الاموال والكان الحسن والبلغ في هذا العمل كونه  
ياكل في تلك المدة الحرام ولا يترك الصلاة المكتوبة في وقتها وهذا القصد  
يكمل العمل **الشمس** من اذوم على هذا الاسم مائة مرة في كل جمعة **معرفته**  
منه التي الله في قلوب المحاربين محامده حتى ان الكبير من العالم **الستيفير**  
ويعتد عنه **الستيفير** من الذين يصيح عند الله من العابدات الحامدات وهو  
الصالحين من عباده الله **الشمس** هو ذكر الوجود من اوله الى الله  
من **الشمس** ثمانين الف مرة في ثمانية الاقل يوم مائة من  
اشهر او احوام على **الشمس** يوم الدهر ولا يلبس من الثياب فيها  
من **الشمس** في الطعام **الشمس** ويكثر من اعتكافه والعبادة  
بالتواضع والليل قبل ان يشرع في النوم لا يكثر من مجالسة الناس في  
جالسهم لا يكثر من **الشمس** بافاده في الله وسبقه من كلام اهل الدنيا ولا  
يكون ذكره بين من **الشمس** في الدنيا وهذا فيه وانما من **الشمس** في  
مكانه

عما في اولي الناس ولا ياخذ من ايديهم شيئا حتى يترقبهم وهم في كفة  
الوصف في كل ساعة من ايام الازمنة فان الباب بعد مدة يفتح لهم وانشاء  
اهل الله شرفا وحرارا وجودا وقبلة ثم يقضون لهم حقهم فانما فيقولون  
لهذا قلنا انت احق بالكان الغد ان تكون فيه وانهم ليسا كغير  
من يجرى القوي والضعيف ويشرب من ينوذك كما يحبون ذراير  
من كل صميم وسقيم وما كل من تمارق بك اللامعة وتضيق على  
يدك حوائج واراد فيفسكون سبك ويكون هناك زاوية من  
بوره انصافون ثم يلدن بها انما ان يلفت الى هذا الموضع  
اسماء الله الحسنى ويستحقون لك كسر ما فيها فتلك كل ما يريد  
تليق ويوصل الى مولاه وتشرق على المحازن الزاكية فتأخذ منها  
ما يقوم بها انك وممكن كما عرفت ويحتاج مواهب منها بل يكون  
صاحب المنع والعطا فيرفع لك المار في الدارين ويستمتع بك في  
الحياة وبعد الممات والله الوفي التمام وذكر كل يوم وكل  
ليلة عشر الاف مرة من اشهر فكيف الى ان يكون عالم الارز



فقتلهم عن المياه الكائنة تحت الارض فانهم يعطونك اشياءها <sup>كثيرة</sup>  
بر عيونه صباها تنظر انبياء حيث كانت من الارض ما عليها من <sup>صغار</sup>  
وكبرهم في القرب والبعد ومقدارهم فانهم هذا السر فاعلموا <sup>نور</sup>  
هو ذكر اهل المكاشفة من اولياء الله تعالى يذكر ليله ومهارا من غير فقه  
علة من اشهر خلقه في كنهه عن سحاب اليقين في فعل الله كلام احوال  
والطهور وكلما الخطر بها والادوية فانهم اسلموا <sup>في</sup> فلك في  
خمسائة مرة من اشهر من دارهم ولا يخطئ في واحد <sup>من</sup> من  
وهمة عنه ذكر الاسم وهو <sup>الغاية</sup> فان الله يعلم جميع <sup>بها</sup>  
واما طلب العلم الوصول الى <sup>العلم</sup> فاعلموا ان يكون <sup>العلم</sup>  
الله تعالى ذلك العام والذكر في خلقه بعبادة من العباد <sup>العلم</sup>  
فيعلم كل امرئ عليه الامور <sup>العلم</sup> في الدين والماضي <sup>العلم</sup> كل يوم  
القيمة فانه يرى في العلم <sup>العلم</sup> ما جنى من العلم <sup>العلم</sup>  
من ظواهر الماضي <sup>العلم</sup> في العلم <sup>العلم</sup> في العلم <sup>العلم</sup>  
العلمية <sup>العلم</sup> في العلم <sup>العلم</sup> في العلم <sup>العلم</sup>  
والعلم

ويعمل الله له من كل ضيق فرجا ويخرجنا ويرحمنا من حيث لا نحسب  
المجيب من رافعهم بيا والذوا وسبعه لا وفرة كل يوم وليلة  
وان الله يستحي في عانه ولورده على ظلم وشتم الله منه في تلك الساعة  
وفي هذه الايام ثمة استجابة الدعاء المستجاب يذكر كل يوم عده  
ضعفا من منعت همت عن العباد فان الله يقول يا عبادنا من  
لوان طول الليل وصام النهار ما حصل له كل ذلك في يومه في حال  
ويحصل اليقين الكامل في هذه الايام ويذكر على دعاء في سنة  
سبعة ويخرج من هذه السنة بركة من اعظمه من هذا  
الهيطة وصاح يحيى انا عظمي ويذكر كونه اعلى من صوابه في  
السبعة فالسنة العبد والعظمي في الايام واليحيى في غافله  
يذكر في كل صلاة عده من في لا من رفع الله ذكره ان كان  
ما ملوا واعلا قدده ويحمله ما يريد ان يثبت يذكر عده في  
في ما يدرك صلاة من لم يكن له بلده ولا منزل يستقر فيها قال الله  
فيهم عليه فتحي صيدا كان وبلاد الواو ش هو فذكر انهم

[illegible]

المتحقق يذكر صوابا ومساءداً بعد الإثبات مرة واحدة من أيام قيس  
من علامات أن يأخذ بالخلق بالثبات من فائدة يكون ذلك ولكن بعد أن  
العمل وتواتر أكل الحرام وصد التيمم ونقصان الأجابة التيسر  
يذكر كل ليلة عند النوم اتفاقاً ذا النية الإنسان يجوز أو غيره  
ويصلي ركعتين ويذكر سبعاً في كل ركعة ويطلب من الله أن  
له ما أراد من التوفيق والتفان يدوم على هذا العمل مدة ولا يترك  
فيها إلا العمل بأن الله تعالى يخبره ما يريد فاعلم عليه فإنه  
غاية الخوف في كل صلاة عدة مرة من أشهر ولا ياكل  
في تلك المدة ما فيه روح فإن الله تعالى يمكّن فيها الطالب ما يوليه  
ويعرفك بأسراره ويفيض عليك من كشف الأشياء وتري  
الطاهرات والباطنة منها وينتج من صميمها فتشاهد ما فوق الفوق  
وما تحت التحت الشديد يقول في كل صلاة عدة مرة من أشهر  
فإن الله أحد يقول يا شدة من عند قى من فلاتي الله الخلق وتعد  
على فإن الله يأخذ له بالثبات ويكن له بسيف الشدة والبطون

اصل الدين وهما اركان الشقاق من مخلوقا يقول ما اشترانا اليه فانه  
 برهان الاجابة لسيرة التوراة من اكثر من ذكره او فله عده  
 دبر كل صلوة مكتوبة مدة من اشهر فان الله يفيض عليه النور ولا  
 يجوز الى احد من الخلق المستورين يفر اكل يوم دبر كل صلوة <sup>يكنى</sup>  
 عده وفي كل ليلة سبعة اوقات مدة من اشهر فان الله يفيض عليه  
 احسن رتبة الاحكام والسياسة وكيف يعبر اللطيف كيف  
 والواحد كثيرا اولها يد وتنزلات نورانية ثم بعدها يبلغ في آثار  
 الى الحفرة الواسية فليس لها فيها السالك الى مقام السرائر وسالج  
 الاكابر ويتصرف في الكون كيف شاء السبوح يصلح لمن اراد اقبال  
 الخلق عليه فليعلم دين كل صلاة مفروضة نحو سنة ولا يكاد الا يلبس  
 الى الخلال فما تم عليه المدة حتى يرى ما يصنع الله بكنهه الاميال  
 بما فيه انظار وتصيرة القهار السبوح يفراد بول كل صلاة  
 مكتوبة من كان في مرتبة عالية من امير او وليس قوم او مقدم  
 على شيء فانه لا يزل عن مرتبته ولو اتفق عليه كل العالم فلا

يهبط عنها إلا بادة الموت ذو الجلال والإكرام  
هذا هو الاسم الأعظم الذي إذا دعي به أجاب وإذا سئل به أعطى  
تصرفات كثيرة وكلها سابقة في الأجل والذكر هنا منها واحدا  
على وجه الاختصاص وإنما ان قصدنا الإحاطة بتجاسد هذا الاسم <sup>عظم</sup>  
لخصنا لا قلام ولم تبلغ عتشتا خواص بعض منه فهو اسم الله <sup>عظم</sup>  
الذي يستغنى عنه وكل ما في هذا الباب من خواص اسمها كلها  
الاسم الآت تدبر في تغييرات الاسم على ما صحح فاستعلمهم  
تدبر ما وجد به والواحد الذي ذكره من تصاريفهم على وجه أن يكون  
الإنسان على طهارة كاملة في خلقه بعيدة من العماق ولا ضياء  
الاعين غلبته ولا يأكل إلا الحلال ويتخير كل ليلة منهم <sup>الذي</sup>  
الذكر في الغفل البخارات والطبها عند التوحانية والوجاهة  
العارفين ويحك في تلك الحالة مئة من أشهر ولا يكلمها  
دوم من أن يخرج منه فليعلم أنها أختها والخاص والحق العا  
في الدنيا ربه وحضرة النبي وتعليم الاسم في شطوط بطون الت

بواحدة من ذنوبهم واخرها السبع الطباق ثم يذهب غمامة <sup>منهم</sup> ويطهر  
جبل واديهم في كل واحد فلا تفسد ولا تفسد من جفائهم ولا تفسد  
فانهم يذهبون عنك ويظهر لك الروحانيين في ذنوبهم <sup>خفية</sup>  
حسنة من كل لون ما داسلموا عليك فرد عليهم السلام فانهم يقولون  
لك ما نرتد بها العابد باسم الله العظيم الاعظم فقل مرادى الله و  
رسولنا فانهم يذهبون عنك ثم تظهر لك الدائرة الاولى من الدوائر  
السبعة ورجالها وهي الدائرة النورانية وحضرتها وما هذا من  
الروحانيين وسعها قدما الذي يدعون عليه في قلبهم <sup>منهم</sup>  
ليسلم عليك وهو ورجال تلك الدائرة فيقولون لك مرحبا <sup>منهم</sup>  
رسولنا فجد باسم الله الاعظم ثم يقولون لك تقدم امامك <sup>الايام</sup> فترى  
الراية ورجالها وقلوبها التي تدور عليه وعلى قلوب الروحانيين  
فيسلمون عليك ثم يقولون لك اذا امامك ثم تقدم امامك فترى  
الدائرة الثانية ورجالها فيسلمون عليك ثم يقولون لك تقدم امامك  
فتقدم امامك فترى هناك الراية السدانية وحضرتها ورجالها  
ورجلها

ورئيسها الذي تدور عليه وهو الخطيب السيد الخليل بن عبد الله  
ويقولون لك تقدم امامك ثم تقدم امامك فتجد الدائرة الجبروتية  
مولها الملا فخر الكريتون والجمال الصالحون ورؤسها وحضر  
الجبروت فحسبوا عليه ثم تدور عليهم التلم فيقولون تقدم امامك فتجد  
سبعين حجابا من النور فتخرجها في الحكمة انهم ثم تقدم امامك فتجد  
هناك الحضرة الواحدانية ودايرتها فتجد هناك العظمى الرضا  
ومعهم زوائد اخرى الذين بهم سكنت الحقائق وتدع بهم الدنيا  
على الجهات الاربع ومعهم الجبروت والنور وهذه الحضرة عند  
المشروع هي العوالم في سياق الآية القرآنية في عقولهم عند  
مليت مدقة فتجد على باب هذه الحضرة هذا الاسم مكتوباً  
الاحمر وتجد من قوماً وانجاء ربنا الذين ظلموا هذه الامم  
الملا فخر الذين هم على صفة الطيور والحفريات كرون هذا الاسم  
الذي ماؤه بينهم وشمع لهم ذكر ابكلام فصيح ذو الجلال والكرام  
فمنهم الماهات كوابي تداد من كل جهة هذا عطاؤنا فامان



او اسلمت بغير حساب وهذا المقام لو اشتغلت بشرح ما فيه لنكسر  
 الاقلام وكنت الاقلام ولا انتهيت الى وصف بعض ما هنا من العجا  
 واغرائب فاذا وصلنا الى هذا المقام ولكن وصوله بعد مدة بشر  
 من الاعوام فانه يبلغ سر الاسم فاذا دعي بعد هذه المدة على شيء <sup>محب</sup>  
 فاذا استلزم اعطى قيل ان هذا الاسم هو الذي كان منه نصف بن خن  
 وذي يلعان بن داود عليهما السلام وهو الذي تغير به الجليل جل  
 جلاله قال الذي سنده علم من الكتاب انا اتيك به قبل ان يند <sup>المك</sup>  
 له في فعل المكنونات بهذا الاسم قوب من حجة البصر <sup>و</sup> وصل  
 المقام المشار اليه وله بدل من تصريف اخروا لله تعالى الموفون <sup>الاولون</sup>  
 يكتب علم او اوفى رقت سعيدة القربيات في يوم ثابت لا ينضم  
 جيش كان فيه اللواء باذن الله تعالى الا من يقر وير كل جماع  
 ما شئ مرة من الشهر ملاوقة بمذرة الله كمال اليقين <sup>عليه</sup> ويفيض  
 مرة في ايام الصالحين الباشون يقر اية كل صلاة ثلاثا ثلثا  
 مرة صلاة من الشهر ملاوقة يعلمه الله بواطن الاسود وما ضعه

في العالم يشاهده على حقيقة حقها في فقر البصر ولكن بشرط ما ذكره  
كل ما فيه وضع وما خرج منه في تلك المدة انما هو بقرادير كل صلاة  
مكتوبة عدد اعداد مدة من اشهر وهو في صلاة فائز  
له عز عالم الدنيا باسمها وقطع عن يوم اسرار وياشيد وقيام  
علوما غاسقة حكمهم بقرادير كل صلاة العباد الواقع عليه  
مدة من اشهر فان الله يرفع درجته مداومة واولا به الامكان  
وقد بالخلق العدل ان يكتب في مثلث ويخرج بالان ذكره  
يد واولا من كل حجة ثم يجعل هذا الثلث بعد ان يمشي في  
من اسره ثلثه في يوم شيارو يتلو عليه هذا الوسم عدة ثم قد فوج  
في تلك الصلوة فكان رئيس واعاد عالم العرش من مرتبه و  
خالف عليه الحد واتباع الرتب بقرادير عشر الف كل يوم  
وينام فيكون العدد اربعة وعشرين الفا على طهارة كاطم وحو  
معدة من الطعام فان الله تعالى يطعمه على اسرار الربوبية  
تقطيعه على يد نبيه الكرامات الواحد بخلاف من الوجود

سخيّا بل وكيفية العمل به ان تقرأه احدى عشر مرة في كل يوم وفي كل ليلة  
 مدة من اشهر في خلوتك فان امكنك اذ وقا سخيّا ينزل بقدوم في مجلس عظيم  
 وهو واكب على فرسه في شهر فيسلم عليك فرده عليه تسلم فيقول لك ما احببتك  
 يا ولي الله فقال له اريدك ان تخل مني انقلابا كل يوم ذهبا و  
 فانه يستر بعينك ثم وطأ بعينك الامانة فانه ينفذ في اسرع وقت  
 الواسع يذكّر سبعة الاذمة في اضعف كل ليلة مرة من ايام فان الله  
 تعالى يعطيك بعينه ويكل من غولك في كل ما تريد حتى انه حماة  
 في خاطرك اي مطلب في كوت الاسم او جوده الله تعالى العبد يذكّر  
 في كل يوم الف مرة فان الله تعالى يعطيه اسم مداومة وان كان عاهدا  
 ان يرفع رويته في الف الف مرة في كل ليلة العدد الواحد  
 بعد ان يرفع هذه العدد في سبعة ايام ويكتب لخرج في الكف لا  
 ويرفع الى السماء فاذا حمل العدد يطلب هو الله تعالى ان يرفع له  
 الحاجب عن الروحانيين فان الروحانيين في الجوارح والخيال  
 ورواها طلب عن الله اعطاء حراة ولو كان فوق هام الكواكب

ج	د	هـ	و	ز
١١	٤٩	٤١	١٩٩	١٩٩
٤٩	١١	٤١	١٩٩	١٩٩
١٩٩	٤٩	٤١	١٩٩	١٩٩
١٩٩	٤٩	٤١	١٩٩	١٩٩

وهذه صورة المربع كما ترى

التي هي بذكر كل

صلاة العبد الواقع عليه

من أشهر ما وقع من الله

ذكره بين الوردان كان

مريضاً أخرج الله من بيده كل داء وعلة الخبيثة بقرآن يوم

عشرة الموضع وفي كل ليلة مثل ذلك صلاة من أشهر ما وقع من الله

الطائفة الملتام سيفاً صليلاً يعطيه الله من بيده كل داء وعلة الخبيثة

ويقول لك أخيراً من أروى فيها شئت قتل أحدنا شياً أبداً ولا

ناحية فانه يموت من ساعته وهذا سيفاً أهل الغاية من أولياء الله

وذلك المدة لا تاكل داروع ولا ما خرج منه وفهم القائل

ليكن القدر في صلاة سعيدة في أنا سجد بفرح وحب ما من ساجد

ويقال ذلك لما أنهما قيدا لسان فان أشجاره تنمو وهو عجب وكذلك

الرجوع والسعي للثلاث الأشجار بذلك لما في ليلة وقد رت القوم في

فاقب القريب في كل يوم ثمانية الاف مرة عدة من ايام الله فان الله  
 يفتح على الذي يذكر اسم ما يقرب فطبعة العوام من ليل والنام وتفتح  
 له نفوس الجن يقصون نحو الجنة في كل ما يريد وفي تلك الليلة لا يأكل لحم ولا  
 ولا ما خرج منه ويخرج كل ليلة يحيى بالبيان اذكر المحبة في ذلك ليلا  
 وفيها من غير عدة مرة من اشهر من امة يعطيه الله من امواله <sup>عنده</sup>  
 التي تشبه في خدمته من الروحانية يعطيا ليل وكيفية السلوك لهذا الاسم  
 الشريف ان تقراء عشرة عشر الف مرة في كل يوم ليلة بشرط الياض في ذلك  
 اكل في اليوم وما خرج منه ولا يأكل ولا يلبس الا اللباس الجليل في عدة  
 من اشهر خاتمة حق يقدم الروحانية يعطيا ليل ومعه سبعة فريش <sup>الجنة</sup>  
 المؤمنين فيسلم عليك في ليلة السلم فانه يقول لك ايها العابد <sup>اسم</sup>  
 المولى ما مطلوبك فقل له ورضي مولانا جل وعز وصحتك فانه يعطيك <sup>اسم</sup>  
 ابيض ويشترط عليك شروط فمما قرب ذلك الحجر الى القادح فخر <sup>بك</sup>  
 وقضى حاجتك وقاتل من جلبت الاخبار والطعام والشراب وجب  
 الدنيا والآخرة وفتح الكنوز والافان وحجاب البصائر <sup>فمن</sup>

قد مر هذا

قدومه هذا القديم المستبصر من الثمينة ذكره في جامع الشفاة  
منه الله تبارك وتعالى ويحمله ما يشاء ويحصل له ما يشاء بما سمع من دأدهم  
عليه التجمع مع مقاصده واجابته في هذا الاسم باصباح النوازل  
ومن ذلك ان يقال عندنا يا جامع الناس ليوم لا ريب فيه التجمع على  
خاتمي وارده وعلى ما ذاع بجاء اسماء الجامع الرواق من ذكره عند  
الغضب الغمره وصلى على النبي صلى الله عليه واله وسلم ما تفرقه سكن  
عنضيه وكذلك من ذكره في بعضه خاصية الامعان في الجنة  
في قلوب الخلق في قراءته بعد صلاة المغرب ليلة الاثنين وايلة الجمعة  
على الدوام او بعد ما عه اسكن الله في قلوب الخلق هيبته المذل  
يكبت على اوقات الحرب ويذكره الحارب فانه يغلب عليه ومن ذكره  
سبعة ايام كل يوم القسوة دفع الله عنه كبد عدوه ومن اعلى ايمانه  
وما طهره من دنس فيك ومنه فانه يضره بارز الله تعالى الشيطان  
فما حية الظهور بجلاء القدر والالوه على الدوام كل يوم القسوة  
لا سيما ان كبرياء وودود وغفران ونجوة يسكن الغنم في

يرفع عن قاليه جميع الملام ومن به ضيق وتعيب في بلفه اوسع ثقله بغير تكرار  
 كل ايام مائه مرة ثم يمسح بيده جسده ويكتب في اذنه مائه مرة ويحمله باليد  
 ويفطر على الريق مدة من ايام كان الله تعالى فيها في بطنه وان قرأه صباحا  
 ومساء وصفت البحر وسبح بيده بجره وجذب ركنه المستقيم من قرأه  
 عند غروب الشمس الحرب عده وجد قوة في الحرب والنجاة منه وان كتب الزمزم  
 في يوم الخميس وحمل معه في الحرب اعطاه الله قوة عشرة رجاء ونجى  
 المكتوب بالامانة للذكر المني خسوف من داوم على ذكره بقاء الدنيا الف  
 سنة حتى ياتي كل يوم منه من ايام فتح الله عليه باب البتول والوفاء وكتب  
 عليه قوت صادقة وترا على الطائفة المستقيمة من قرأه <sup>الطائفة</sup> عده من  
 عده ببركة الصلاة ويحتمل اكل ما فيه الرزق وما يخرج فيه فصيل عليه  
 خاتم هذا المسم في النوم واجتمع حركا سودا وحده <sup>السنان</sup>  
 عند السحر فيقصر في سكرتها واصل صرخة من احد الكتب  
 على ذلك البحر ويجعله في النار فانها لا تفسد الا شقاه والضرر من كل شيء  
 عليه السلام المكت من الوداد من عياض الله اراد ان يطعم

على سر هذا الاسم والجمع مع ظهوره قليلا منه من ايام حتى قهر مع الجمع  
ودمر ثم اجعل لك تقدم الى خاوية من العباد وحبست ما فيه الوعد  
والتخرج منه ونحو كل ليلة جميعا بالمشا والمان والكو وتبارك  
ذكي الاسم كل يوم ثمانية آلاف مرة وفي كل ليلة اثني عشر الفا هكذا  
من اشهر حتى يحضر بين يديهم الخديم على منقذ وجل البطل اللين و  
راسه باقية معرا في عمارته ومعه حشد عظيم من الجن والانس وهو  
والله على غير اسم ليس عليه ايت فرد عليه السلام فيقول لك عاذا تو بد يا  
الله فضل العجبة منك فان تعاهد منك على الامانة في الله ثم بين  
عليك الخلافة السطانية فان طلبت ان تكون امير افضل امساؤك  
من الجوشن الامير بهم جيشا اراهم عارضتي واعدت ايتها الودع  
بكرامة الامراء الصالحين وسخر في جميع الاماكن العجيبة من ملكك  
عنان العز وانه يطيعك قضيبا من الفضة البيضاء في كبريائه  
فما اورد حاشية من الجوايج فنار باسم الروحاني تلافى مرات ثم  
اذكر الاسم واسم بذلك القضيب فانه يحضر من يدك هو وحده



غافيه الاشارة شقيقة اما القصة المذكورة في هذا الباب من المشهور  
 ثمانية وكذا الامور حاشية المذكور في قصص اسم الله العظيم  
 اذ عظم والشروط المذكورة لا بد منها مع تقوى الله العظيم التي عليها  
 مدار العمل فان لم تكن لم يحل حلق الطعام واجتناب كل شيء شرعي  
 وهذه الامور كلها من الامور التي لا بد منها في كل وقت وبها وبعضهم ادخل في  
 العدد الرب من الامور وبعضهم اخرجه ونحو سلكها ما بالسلوك  
 الى مراتب الملوك مما وقع به الفصح علينا وارفعنا في اسم الله  
 فخير من الدنيا في طلبة الدخول فالباب مفتوح ومن سادس  
 المبيع وقصدنا اخر على رقتنا فهو من الخامس

### في الاسماء الحسنى

توسعة القلوب دست برسيه بمالك  
 بسم الله وبالله محمد رسول الله ولا حول  
 ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اسخ

عَنْ مَا اخَذَ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلَ  
خَالِصًا عَلَى اللَّهِ مِنْ سُلْطَانِ الشَّيْطَانِ  
الْحَنِيمِ مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَيُّ الْقَيُّومُ وَلَدَنَا  
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْرٌ فِيهِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ  
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْرٌ فِيهِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

بسم الله الرحمن الرحيم  
من صفات في الفضل والعارفين اجدان  
دين الدين الاضاف الى الله مقارنها زكاة  
شرح الرأفة اما بعد يشهد عن العقل لما قال  
تشتت من العقل العلم ومن العلم العلم ومن العلم العلم  
ومن الرشدة العقائد ومن العقائد الصانعة ومن الصانعة  
الحياة ومن الحياة الرزائة ومن الرزائة المد او من المد على الخبز  
ومن المد او من المد على الخبز كراهة الشر ومن كراهة الشر  
طاعة الناس فلهذا عشر اصناف من انواع الخبز ولكل  
واحد من هذه العشر الاضاف النوع فاما العلم فله  
ركوب الخيل وصحبة الامراء ورفع من الضعة ودخول  
المناسبات وتشريف الخمر والتعريب صاحب من معالي الدنيا  
والعفو والاهل بالعرفان والعصمة فهذا اما تشعب العقل  
بحله واما العلم فيتشعب من الغنى وانه كان فقرا وللغنى  
وان كان بخيلا والمهاجرة وان كان هيبا والسلاسة وان  
كان شهما والقرب وان كان نصيبا والياء وان كان  
صافيا





100



